

کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol.3, No.29, October 1992

سال سوم، شماره ۲۹، مهر ۱۳۷۱

فراخوان اتحادیه کارگران سوئد برای اخراج شوراهای اسلامی از آی.ال.او

اعتصابات عمومی علیه ریاضت کشی اقتصادی در ایتالیا

اعتراض اتحادیه های کارگری علیه جمهوری اسلامی در سوئد، آمریکا و کانادا



اتحادیه فلز آلمان علیه استخدام کارگران غیر اتحادیه ای در آمریکا

نداریم! در پاسخ به این اظهارات نماینده اتحادیه فلزکاران طی نامه ای خطاب به مدیر کمپانی گفت: "بامو" استشنا نیست و بنا به سیاست اتحادیه ما کاری خواهیم کرد که کارگران در یک کمپانی آلمانی در خارج از کشور هم توسط اتحادیه نمایندگی شوند. طبق این نامه اتحادیه فلزکاران آلمان طی تاسیس کارخانه در آمریکا برای تضمین وجود اتحادیه در این کارخانه با اتحادیه کارگران اتومبیل سازی آمریکا همکاری نزدیک خواهد داشت.

در آمریکا بسازد. اتحادیه فلزکاران اعلام کرد که مصمم است به کمک اتحادیه کارگران اتومبیل سازی آمریکا بشتابد تا در کارخانه مذکور اتحادیه تشکیل دهد. کمپانی "بامو" ماه گذشته اعلام کرد که قرار است یک کارخانه در کارولینای جنوبی آمریکا تاسیس کند. مدیر کمپانی به روشنی اعلام کرد که با هرگونه تلاش برای ایجاد اتحادیه در این کارخانه مبارزه خواهد کرد. او گفت: که ما به مرجع سومی از بیرون در روابط مدیریت و کارفرما احتیاجی

مرکز خبری کارگرمروز: اتحادیه فلزکاران آلمان اعلام کرد که علیه کمپانی اتومبیل سازی "بامو" که قصد دارد یک کارخانه در آمریکا بسازد و کارگران غیر اتحادیه ای استخدام کند مبارزه خواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری آپ، اتحادیه فلزکاران آلمان که با ۳/۶ میلیون عضو بزرگترین اتحادیه کارگری غرب محسوب می شود کمپانی "بامو" را متهم کرد که قصد دارد کارخانه ای بر اساس سیاست و نه اقتصاد

سوئد - کمیته همبستگی کارگران ایران سوئد، و اتحادیه سزاسری کارگران سوئد (الناو) شاخه استان استکهلم با انتشار یک فراخوان مشترک از اتحادیه های کارگری سوئد خواستند که به حضور شوراهای اسلامی دز سازمان بین المللی کار اعتراض کنند و خواستار اخراج شوراهای اسلامی از آی.ال.او شوند.

مرکز خبری کارگر امروز: اتحادیه های کارگری در سوئد، آمریکا و کانادا جمهوری اسلامی را بعلت نقض حقوق بین المللی شناخته شده کارگران ایران محکوم کردند، خواستار حق تشکل و اعتصاب برای کارگران ایران و اخراج شوراهای اسلامی از سازمان بین المللی کار (آی.ال.او) شدند.

کارگران ذوب آهن در اعتراض به دستمزدها تحصن کردند

در تیرماه نیز کارگران دست به اعتراض مشابهی زدند

بخشهای وسیعی از کارگران همراه بود. بنا به گزارش روزنامه سلام چاپ تهران که این خبر را منتشر کرده است، تجمع کارگران در زمانی بر پا شد که مدیر عامل کارخانه در تهران به سر می برد. روز بعد از آغاز اعتراض، وی به اصفهان برگشت تا "با قول و قرار های تازه مساله را حل نماید". گزارش مذکور که در سومین روز اجتماع اعتراضی کارگران ذوب آهن به چاپ رسیده است، تلویحا از ادامه تحصن خبر می دهد.

تحصن در مجتمع ذوب آهن با ۲۰ تا ۳۰ هزار کارگر از اهمیت سیاسی و اقتصادی زیادی برخوردار است، بویژه آنکه حرکت اخیر با شرکت فعال بخش ثابت این مجتمع، کارگران بهره برداری همراه است. بناسبت اعتصاب کارگران ذوب آهن مقاله ای در صفحه ۳ به چاپ رسیده است. ■

مرکز خبری کارگر امروز: از ۱۵ شهریور ماه تحصن گروه وسیعی از کارگران ذوب آهن که به عدم افزایش دستمزدها اعتراض داشتند، در جریان بوده است. طی دو ماه این دومین اجتماع اعتراضی کارگران ذوب آهن بود که تعداد زیادی از کارگران به نمایندگی از واحدها و قسمتهای مختلف مجتمع بزرگ ذوب آهن در آن شرکت کردند.

کارگران متحصن ذوب آهن خواهان افزایش دستمزدها بودند که وعده آن از ابتدای سال جاری داده شده بود. در اجتماع دو ماه پیشتر مسئولین با قول مجدد کارگران را راضی کردند که به سر کار برگردند. اما وقتی که در شهریور ماه افزایش دستمزد پرداخت نشد کارگران مجددا دست به تحصن زدند که با تعطیل کار توسط

وزیر کار:

پائین بودن دستمزد کارگران در شورای عالی کار مورد بررسی است

باید از اختلافات کارگری و کارفرمایی پرهیز کرد

به ابراز نگرانیهای شوراهای اسلامی که هرروز شاهد اعتراضات کارگران به پایین بودن دستمزدها هستند. کمالی در این اجتماع که در کارخانه پارس قو برگزار شد، به شوراها و انجمنهای اسلامی یادآور شد که اکنون در مرحله بازسازی اقتصادی می باشیم و باید از اختلافات کارگری پرهیز شود و شوراها و انجمنهای اسلامی باید در این راه با مدیریت همکاری کنند. ■

مرکز خبری کارگر امروز: در اوائل شهریور ماه گذشته، حسین کمالی وزیر کار جمهوری اسلامی در اجتماع شوراها و انجمن های اسلامی واحدهای صنعتی شهر ری اعلام کرد که شورای عالی کار مساله پایین بودن دستمزد کارگران را در مقایسه با هزینه های زندگی تحت بررسی قرار داده است. این اظهارات کمالی در واقع پاسخی است

پیروزی رفرم در اتحادیه رانندگان کامیون آمریکا و کانادا

ران کاری شاخه زیتون بدست گرفته اما اعضا از پائین فشار می آورند

"چتین اوی قوی" رهبر اتحادیه معادن ترکیه و از فعالین دیسک: رهبری دیسک در حال دور شدن از طبقه و رفتن بسمت رهبری بوروکراتیک است

پایان اعتصاب ۷ هفته ای کارگران فیات در لهستان

به گزارش تایمزمالی، ختم این اعتصاب برای دولت لهستان که تلاش دارد سرمایه های خارجی را به این کشور سرازیر کند یک پیروزی محسوب می شود. طبق قراردادی که در ماه مه به امضا رسید قرار بود که کمپانی فیات کارخانه "اف.اس.ام" را

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۵ سپتامبر، اعتصاب کارگران اتومبیل سازی در کارخانه "اف.اس.ام" در لهستان که متعلق به کمپانی فیات در ایتالیاست، پس از ۷ هفته به پایان رسید.

گفتگو با یکی از کارگران افغانی در ایران

ناسیونالیسم ایرانی بیکاری را از چشم افغانها می بیند

یکی از فعالین اعتصاب مرغداری اربیل کردستان عراق: جبهه کردستان برای مهار جنبش اعتراضی کارگران اقدام به احیای اتحادیه های زرد سابق کرده است

صد و بیست و چهارمین کنگره تی یوسی در بریتانیا

امان کفا یک صد و بیست و چهارمین کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا (تی یوسی) در ماه سپتامبر برگزار شد. در این کنگره ۸۹۲ نماینده از سراسر کشور گرد آمدند تا پس از چهارمین شکست انتخاباتی حزب کارگر، سیاست ها و جهت گیری های کنگره اتحادیه های کارگری را تعیین کنند. علیرغم اینکه تعداد اتحادیه های عضو "تی یوسی" نسبت به سال ۱۹۷۹ تقریبا ثابت مانده اما این اتحادیه یک سوم اعضایش را از دست داده بود. صبح های پیش از کنگره دایر بر نیاز بازگشت به اهداف سنتی اتحادیه ها از یک سو و عدم تفرقه بین آنها و برقرار کردن تبادل نظر با کارفرماها از سوی دیگر بود. بقیه در صفحه ۷

کارگر امروز

وزیر کار:

قانون کار ایران جز چند ایراد جزئی مورد تأیید آی.ال.او قرار گرفت

مرکز خبری کارگر امروز: در اواخر شهریور ماه گذشته حسین کمالی اعلام کرد که قانون کار جمهوری اسلامی ایران مورد تأیید سازمان جهانی کار قرار گرفته است. وی که برای افتتاح استراحتگاه کارگران به محمود آباد ساری رفته بود گفت: قانون کار جمهوری اسلامی جز در چند مورد جزئی، از نظر انطباق با مقوله نامه و توصیه های بین المللی ایرادی بر آن وارد نشده است. کمالی افزود که وزارت کار در جهت تکمیل و رفع نقایص جزئی آن اقدام خواهد کرد. قانون کار جمهوری اسلامی هیچیک از

حقوق اساسی کارگری نظیر حق آزاده ایجاد و شکل و حق اعتصاب را برسمیت نشناخته است. این قانون که مورد اعتراض بسیاری از تشکلهای کارگری کشورهای مختلف قرار گرفته است حتی توسط کارشناسان سازمان بین المللی کار نیز مورد انتقاد واقع شده است. در اردیبهشت ماه امسال هیاتی از جانب سازمان بین المللی کار به تهران آمد تا مساله تشکلهای در قانون کار جمهوری اسلامی را که اساسا ارگانهای دست ساخته دولت - شوراهای اسلامی - تعریف شده اند، مورد بررسی قرار دهد. ظاهرا "ایرادهای جزئی" مورد اشاره کمالی مواردی نظیر مساله تشکل در قانون کار است.

تشکیل کمیته همبستگی با کارگران ایران در دانمارک

مرکز خبری کارگر امروز: در تاریخ ۱۹۹۲/۹/۲۰ کمیته همبستگی با کارگران ایران در دانمارک تشکیل شد. در بیانیه ای این کمیته به دو زبان فارسی و دانمارکی منتشر کرده آمده است: "هدف این کمیته جلب حمایت و پشتیبانی کارگران دانمارک از مبارزات و خواستههای کارگران ایران است. این کمیته خود را در راستای اهداف کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران میداند". طی این بیانیه از فعالین جنبش کارگری و سوسیالیستها دعوت شده است که به کمپین کمیته همبستگی با کارگران ایران در دانمارک بپیوندند.

تضمین وزارت کار به کارفرماها در قبال بیکارسازی

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۸ شهریور ماه، مقدم شیرازی مدیر کل بیمه بیکاری وزارت کار در گفتگو با خبرنگاران گفت که در اجرای برنامه بازسازی، مدرنیزه کردن و تعویض خطوط تولید کارخانه ها وزارت کار جمهوری اسلامی آماده است تا از محل صندوق بیمه بیکاری بخشی از حقوق و مزایای کارگران بیکار شده را پرداخت کند. این به معنی تضمین به کارفرمایان برای اعمال بیکار سازیهاست که از چندی پیش آغاز شده است. مدیر کل صندوق بیمه بیکاری تاکید کرد که سقف پرداخت به کارگران بیکار شده تا حداکثر ۸۰ درصد حقوق و مزایای آنهاست. اما شرط پرداخت این بیمه ناقص تأیید پروژه بیکارسازی توسط وزارت کار است.

کمیته همبستگی کارگران ایران و کانادا به کمیته بین المللی همبستگی با جنبش کارگری ایران پیوست

مناسبی را فراهم می کند تا با انجام فعالیتی متمرکز و هماهنگ برای کمک به مبارزات کارگران ایران در جهت دستیابی به حقوقشان، جمهوری اسلامی تحت فشار گذاشته شود.

تشکیل کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران در اروپا، آمریکا و کانادا زمینه مساعدی را برای تشکیل کمیته بین المللی فراهم کرده است. همکاری جدی رهبران و فعالین کارگری مقیم خارج با این کمیته و پیوستن کمیته ها و کمیتههای موجود به آن، کمیته بین المللی را به یک ارگان معتبر در میان مجامع و تشکلهای کارگری جهان تبدیل می کند. کمیته همبستگی کارگری ایران - کانادا که حدود دو سال از فعالیت آن می گذرد، به این وسیله پیوستن خود را به کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران اعلام می کند.

کمیته همبستگی کارگران ایران - کانادا هماهنگ کننده - فاتح بهرامی ۱۹۹۲/۹/۲۵

طبقه کارگر ایران از داشتن تشکلهای قانونی و مستقل خود محروم است. محرومیت از حق تشکل و اعتصاب نه تنها کارگران ایران را در مبارزه برای بهبود شرایط فلاکتناز زندگی آنان دچار مشکل و مانع کرده، بلکه هر روزه آنان بجرم شرکت در مبارزه برای دستیابی به حقوق لگدمال شده شان اخراج، دستگیر و اعدام می شوند. از اینروست که مبارزه کارگران ایران علیه یکی از هارترین رژیمهای سرمایه داری موارده با درد و مشقت و قربانی دادن روبرو بوده است.

از سوی دیگر عدم وجود تشکلهای قانونی و مستقل کارگری باعث شده که طبقه کارگر ایران در سطح بین المللی و در میان تشکلهای کارگری جهان بطور مستقیم بی سخنگو بماند. در مقابل ارگانهای جاسوسی رژیم در محل کار یعنی شوراهای اسلامی و در راس آنها خانه کارگر، تلاش کرده اند تا در مجامع کارگری جهان خود را نمایندگان کارگران ایران جا بزنند. همچنین عدم وجود تشکل کارگری، طبقه کارگر را از انجام یکی از وظایف مهمش یعنی اعلام حمایت از مبارزات بخشهای دیگر طبقه کارگر در سایر نقاط جهان ناتوان می کند.

اما وجود رهبران و فعالین کارگری رادیکال و سوسیالیست در خارج کشور امکان

بقیه از صفحه اول

فراخوان اتحادیه کارگران سوئد

محکوم کردند و از جمله خواستار حق تشکل و اعتصاب برای کارگران ایران شدند.

آمریکا - بنیاد فعالیتهای کمیته کارگری ایران در آمریکا هیئت اجرایی اتحادیه بین المللی کارکنان دولتی در کالیفرنیا با تصویب یک قطعنامه جمهوری اسلامی را بعلت نقض حقوق بین المللی شناخته شده کارگران و اعدام و دستگیری فعالین جنبش کارگری محکوم کرد و از جمله خواستار حق تشکل و اعتصاب برای کارگران ایران شد.

کانادا - با فعالیت کمیته همبستگی کارگران ایران و کانادا، کنفدراسیون سراسری اتحادیه ها (سی اس ان) که دارای ۲۵۰ هزار عضو است و در ایالت کبک فعالیت دارد، با ارسال یک نامه اعتراضی برای سفارت ایران در کانادا اعدام جمال چراغ ویسی و عبدالله بیوسه را محکوم ساخت و با اعتراض به دستگیری سعید ساعدی و زاهد منوچهری خواستار آزادی آنها شد. این اتحادیه ها عضو کنگره کار کانادا (اتحادیه سراسری کارگران کانادا) نیست و مستقل از آن فعالیت میکنند. نقض خشن حقوق کارگری را توسط جمهوری اسلامی محکوم کرد و خواستار حق تشکل و اعتصاب برای کارگران ایران شد.

این فراخوان مشترک که روی کارتهای به قطع کارت پستال و در ۲۰ هزار نسخه توسط خود ال.او تهیه شده برای بیش از سه هزار شاخه اتحادیه ای در سوئد ارسال شده تا پس از تصویب و امضا برای آ.ال.او ارسال شود.

در این کارتها که عنوانش "سیاستهای کارگری جمهوری اسلامی محکوم میشود" است، از جمله نوشته شده است، رژیم ایران صدها فعال جنبش کارگری را اعدام و هزاران نفر از آنها زندانی کرده است. رژیم ایران شرایط زندگی بسیار نازکی را به کارگران ایران تحمیل کرده است. رژیم ایران حق آزادی تشکل را برسمیت نمیشناسد.

از سوی دیگر ۸ سازمان کارگری در شهرهای مختلف سوئد با انتشار یک اعلامیه مشترک با کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد، اعدامهای اخیر ایران را که پس از شورش در شهر مشهد صورت گرفت محکوم کردند. همچنین ال.او و کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد، با تصویب یک قطعنامه سیاستهای کارگری جمهوری اسلامی را

این نشریه عزیز کارگران تولد یافت. همین جا به همه رفقای کارگر و تشکلهای کارگری و کمیونیتی فراخوان می دهیم که برای انجام اینکار ما را کمک و یاری کنند. بویژه به لحاظ مالی به یاری جدی نیاز داریم. چون ما هرگز به تنهایی نمی توانیم اینکار را ادامه دهیم و با اطمینان اگر کمکمان نکنید عاقبت و در جایی اینکار دچار وقفه خواهد شد. جهت ارسال کمک مالی برای نسخه کردی گریکار نه مرو" (کارگر امروز) در کردستان می توانید از همان طریقی که نشریه بدستتان می رسد کمکهای مالیتان را هم بفرستید. در خارج کشور هم می توانید از طریق بانک و به همان شماره حساب بانکی اعلام شده در کارگر امروز کمک مالیتان را واریز کنید و مشخص کنید که کمک مالیتان برای نسخه کردی آنست.

کلیشه کارگر امروز به زبان کردی

اسپانسورهای کارگر امروز: نهادها: کمیته همبستگی کارگران ایران - کانادا، کمیته کارگری ایران - آمریکا، مرکز مطالعات کارگری سوسیالیستی - استکهلم، حزب کمونیست کارگری ایران، کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران، نشریه انترناسیونال، نشریه دنیای کارگران، کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد. افراد: ایرج آذرین، محسن ابراهیمی، مرتضی افشاری، فرید آرمان، فریدون البرز، صلاح ایران دوست، نادر افغانی، سارا اقبالی، بهار آزاده، مسعود ارژنگ، فاتح بهرامی، فرهاد بشارت، مجید بهروزی، بهزاد بارخدايي، امیر پیام، فرید پرتوی، گلاره پرنیا، حمید تقوایی، نسرين جلال، علی جوادی، منصور حکمت، امیر حسن زاده، رحمان حسین زاده، شهلا دانشفر، سیاوش دانشور، لیلا دانش، امیر رحمانی، جعفر رسا، روزبه، گیتی زمانی، لاله زندی، بهرام سروش، حسن ساروجیلازی، رضا شهرستانی، صلح شیخ الاسلامی، مصطفی صابر، مرطیبه صفری، جهان صابری، توران - ع، حمید فرامرزی، ایرج فرزاد، فهیمه قطبی، سلیمان قاسمیانی، محمود قزوینی، لیلا قانعی، اضر کریمی، یوسف کهن، مریم کوشا، علی کهن، بهروز گلشن، آذر ماجدی، مظفر محمدی، مجید محمدی، حمید محمدی، کورش مدرسی، مسعود ناظری، مریم نیک فر، جلال نیکخواه، فوزیه نصرت پور، بیژن هدایت، ناصر یادگار، فهیمه یزدان پرست.

کلیشه کارگر امروز به زبان عربی

ISSN 1101-3516

کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری
WORKER TODAY
An International Worker's Paper

Editor: Reza Moqaddam
Bank Account: حساب بانکی 5201-3306202
S.E. Banken Stockholm, Sweden
Address: آدرس W.T. Box 6278 102 34 Stockholm Sweden
Arabic: ۱۴۰ کرون سوئد - ششماهه ۸۰ کرون سوئد
Dutch: ۲۱۰ کرون سوئد - ششماهه ۱۲۰ کرون سوئد
- بها برای مواسات دو برابر قیمت های فوق است

فرم آبونمان (نام نسبتاً با حساب منته پست است)

مایلیم نشریه کارگر امروز را مشترک شوم. یکساله شش ماهه
لطفاً نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برایم ارسال کنید:

Mr/Ms/Institution _____
Address _____
Postcode _____ City _____ Country _____

فرم پر شده را به آدرس کارگر امروز ارسال کنید

توجه! مشترکین نشریه در آمریکا و کانادا جهت دریافت کارگر امروز با آدرس مقابل تماس بگیرند

قابل توجه احزاب، گروهها و جمعیت ها

کارگر امروز در نظر دارد در آینده نزدیک دو ستون اول صفحه چهارم خود را به معرفی احزاب، گروهها و جمعیت های ایرانی از زبان خودشان اختصاص دهد. مطالب رسیده بدون دخل و تصرف در این ستون چاپ خواهند شد و در پایان هر سال در مجموعه جداگانه ای بصورت کتاب منتشر می شوند. این ستون به احزاب و گروههای سیاسی منحصر نیست و کلیه کانونها و جمعیت هایی که به نحوی از انحاء فعالیت متشکلی در زمینه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به پیش می برند، می توانند نظرات و رؤوس اهداف و فعالیتهای خود را در این ستون معرفی کنند.

کارگر امروز ضوابط و نحوه ارائه مطلب برای این ستون را برای احزاب و گروههای مختلف ارسال خواهد کرد. از آنجا که لیست ما کامل نیست و همه سازمانهای موجود را در بر نمی گیرد و نیز احتمالاً در برخی موارد آخرین آدرس پستی سازمانها در اختیار ما نیست، توصیه می کنیم همه گروههایی که مایلند برای این ستون مطلب بفرستند نام رسمی و آدرس پستی معتبر خود را برای ما ارسال کنند تا توضیحات و فرم مربوطه برایشان فرستاده شود.

کارگزار امروز

اعتراض در ذوب آهن، شاخصی از اوضاع جنبش کارگری ایران

مصطفی صابر

وجوه مختلفی خصلت نمای طبقه کارگر صنعتی حاضر ایران است. اگر کارگران صنعت نفت بدلانل اقتصادی، اجتماعی و وجود سنتهای دیرپای مبارزه و تشکل در بین آنان، نقش پیشتاز و تعیین کننده ای در جنبش کارگری ایران ایفا کرده اند، و یا اگر کارگران رشته هابن نظیر چاپ و تا حدودی نساجیها و برخی از اصناف سابق و سنتهایی ویژه ای را مستقیماً از گذشته به ارث برده اند، کارگران ذوب آهن نمونه تیبیک آن طبقه کارگر صنعتی جوانی هستند که در کارخانه ها و مراکز که بعد از دهه چهل و پنجاه شمسی ایجاد شده، شکل گرفته است. بخشی که موقعیت تعیین کننده در طبقه کارگر ایران دارد و هر تحول جدی در اوضاع جنبش کارگری بطور کلی، بستگی به حرکت و تلاش آنها دارد.

ترکیب کارگران در ذوب آهن امیخته ای است از کسانی که چندین نسل کارگر صنعتی بوده اند، نظیر نسلهای دوم و سوم از کارگران نفت و یا کارگران برخی صنایع قدیمی دیگر که به ذوب آهن آمده اند، کارگرانی که در دهه چهل مالکیت محدود بر زمین را از دست دادند و به کارخانه آمدند و بالاخره کارگرانی که کم یا بیش خرده مداخلی در خارج کارخانه دارند. دو گروه آخر و بویژه گروه دوم اکثریت را تشکیل می دهند. این ترکیب مطابق است با ترکیب عمومی طبقه کارگر صنعتی نوین ایران.

جنبه سیاسی حرکات کارگران ذوب آهن هر حرکت در ذوب آهن بلافاصله حرکتی سیاسی است. از این نظر نیز ذوب آهن بطور نمونه واری شرایط عمومی مبارزه کارگری در ایران را - که جنبه های اقتصادی و سیاسی اعتراض بطور بلافاصله بهم آمیخته اند، بیان می کند.

این واقعیت، علاوه بر دلایل پیش گفته، ناشی از این است که هر حرکت جدی کارگران ذوب آهن بلافاصله در منطقه وسیعی - اصفهان و حومه، شهرضا، خمینی شهر، مبارکه، ریز و نجف آباد و حتی یاسوج و مناطق دیگری از کهگیلویه - با چند میلیون جمعیت منعکس می شود. بیست و چند هزار کارگر ذوب آهن مغربین مستقیم اوضاع در ذوب آهن هستند. و البته کارگران سایر کارخانه و کل توده مردم با حساسیت اخبار ذوب آهن را دنبال و بنوبه خود منتشر می کنند.

در جریان اعتصاب آذر ۶۳ جو اصفهان و شهرهای اطراف آشکارا تحت تاثیر اعتصاب قرار داشت. در اتوبوس و تاکسی و هر جا که مردم جمع می شدند آخرین اخبار اعتصاب رد و بدل می شد. روحیه اعتراضی مردم بویژه آنگاه که کارگران اعتصابی نشان دادند که آماده و مصمم در تداوم اعتصاب هستند، آشکارا بالا رفت. مواردی اتفاق افتاد که مردم اصفهان با گل و شربنی از اعتصابیون که به شهر بر می گشتند استقبال کردند. و هنگامیکه در چهارشنبه ۷ آذر مأموران انتظامی دولت سخنرانان مجمع عمومی کارگران را که یکی از آنان زن بود، دستگیر ساختند و کارگران بلافاصله کارخانه را تحت کنترل گرفتند و با بستن درهای خروجی و ورودی علاوه بر جلوگیری از خروج محصول، تعدادی از مدیران را نیز به گروگان گرفتند.

این خانواده های کارگران و مردم اصفهان و سایر شهرهای اطراف بودند که با غذا و رختخواب و سایر وسایل به کمک کارگران اعتصابی که به خانه بر نگشته بودند، شتافتند. در اجتماعات کارگران و مردم که به جلو در کارخانه آمده بودند هر کس می توانست هر چه می خواهد و از جمله علیه حکومت، بیان دارد.

سال ۶۴ بود کوتاه بیاید. در اردیبهشت سال ۶۴ مجلس اسلامی وزیر معادن را باز خواست کرد که "چرا از مصوبه شرکتی کردن ذوب آهن که به امضای چهار وزیر رسیده بود دست کشیدید؟ چرا تسلیم شدید؟ بخصوص که در این زمینه از روحانیت محترم استفاده شد و این یک ضربه به روحانیت بود." وزیر جواب داد: "مهمترین مساله ما در آنزمان این بود که اعتماد کارگران متزلزل نشود. جمعیتی ما از وقوع یک اعتصاب چند هزار نفری، تشکیل کمیته متشکل از معاونین وزیر کشور، وزیر اطلاعات، وزیر معادن و فلزات تحت نظارت استاندار اصفهان بود که به خواسته های کارگران یعنی استخدام رسمی و بیمه درمانی توجه کند. به این شرط که در زمان تجمع کارگران چنین امتیازی داده نشود."

سنت تشکل در ذوب آهن

اگر هر اعتصاب و حرکت جمعی بطور کلی درجه ای از سازمان یافتگی را طلب می کند، این امر در مورد مجتمع وسیع ذوب آهن با بخشهای متنوع و متعدد و چهار شیفت کاری، با قوتی ده چندین صدق دارد. در این زمینه نیز ذوب آهن خصلت نمای اوضاع تشکل در بین کارگران صنعتی ایران است.

تشکلی که کارگران ذوب آهن آثرا مستقیماً تجربه کرده اند و یا می شناسند، شوراهای واقعی کارگری و مجامع عمومی است. شوراهای ذوب آهن از همان اسفند ۵۷ که کارگران بعد از اعتصابات و تعطیلی کارخانه در زمان انقلاب به سر کار برگشتند، تشکیل شد. شوراهای ذوب آهن در بخشها و قسمتهای مختلف بوجود آمد و تنوع آنها، از شوراهای رادیکال تحت رهبری کارگران کمونیست گرفته تا شوراهایی که بیانگر توهمات و خوش یابوری های اولیه کارگران بود، انعکاس کمابیش دقیقی از کل جنبش شورایی در سطح طبقه کارگر بود. کششکش هر روزه شوراهای ذوب آهن با انجمن اسلامی بسیار پر قدرت و سازمانیافته آنزمان که مستقیماً به "کمیته" متصل بود، و تلاش های گاه مرفق و خیره کننده برخی شوراهای در اعمال برخی خواسته های کارگران و تامین آزادیهای سیاسی در چهارچوب کارگاه همه انعکاس تیبیک همان تناقض اساسی بود که کل جنبش شورایی یا آن روبرو بود: سپردن قدرت سیاسی به سرکوب کنندگان انقلاب از یکسو و تلاش برای تداوم انقلاب در چهارچوب کارخانه از سوی دیگر. با این وصف شوراهای کارگری ذوب آهن به حیات خود ادامه دادند و همچون کل جنبش شورایی، تنها سرکوب سال ۶۰ و استقرار کامل استبداد اسلامی توانست نقطه پایانی بر یک دوره زندگی شوراهای بگذارد.

شوراهای کارگری ذوب آهن از لحاظ شکل و سازمان نیز با مشکل عمومی و سراسری جنبش شورایی بطور بلاواسطه روبرو بودند. شوراهای ذوب آهن نمی توانست کاملاً استقرار یابند و ادامه حیات دهند بدون آنکه در سطح کل مجتمع متشکل و متحد شوند. و اینجا دیگر شوراهای بخشی و قسمتی، که هر کدامشان کمابیش معادل یک شورای کارخانه بودند، کفایت نمی کرد. می بایست متکی بر این شورا های پایه، سیستم نمایندگی و مجامع عمومی نمایندگان تشکیل می شد که کل کارگران مجتمع را متشکل و متحد کند. کارگران کمونیست و پیشروان بر این واقعیت آگاه

بودند و تلاشهایی هم در این زمینه برای تشکیل مجمع نمایندگان شوراهای بخشهای مختلف ذوب آهن و تشکیل شورای سراسری بخرج دادند که بدلانل پیش گفته ناکام ماند. اما این عینا همان وضعیتی بود که در سطح کل جنبش شورایی برقرار بود.

سرکوبهای سال ۶۰ همچنانکه در سطح کل طبقه کارگر، در ذوب آهن نیز به معنای نابودی سنت شورایی نبود. کارگران آشکارا به دفاع از شوراهای برخاستند و خواهان بازگشت آنان شدند. در تابستان سال ۶۰ وقتی در اجتماع چند هزار کارگر ساختمانی پولاد شهر مدیر عامل از دادن قول استخدام رسمی آنان سریاز زد و سخنان توهمین آمیزی بر زبان راند، اعتراض کارگران ناگهان بالا گرفت و به طغیانی بدل شد که طی آن عکسهای خمینی پاره شد و مدیر عامل، نیلی، به زحمت توانست از دست کارگران که او را دنبال می کردند جان به در برد. در این روز چند هزار کارگر برای ساعتها یکپارچه فریاد می زدند: "پولاد شهر سر کار، شورا سر کار"

بعلاوه، سنت شورایی در ذوب آهن بصورت پریاسی مجامع عمومی، بویژه در طی اعتصابات، به حیات خود ادامه داده است.

مجمع عمومی در ذوب آهن

اعتصاب سال ۶۳ کارگران ذوب آهن نمونه تقریباً کاملی از نقشی که مجامع عمومی در برخی اعتصابات کارگری در سالهای اخنتان اسلامی داشته اند ارائه داد. بویژه از آنجا که بخش فعال اعتصاب کارگران ساختمانی بودند، تنها راه فائق آمدن بر پراکندگی وسیع آنها و داشتن یک سازمان فراگیر و مرفق در زمان اعتصاب، مجمع عمومی می توانست باشد. فرمان آغاز اعتصاب در ۱۹ آبانماه ۶۳ در مجمع عمومی عظیمی که در محوطه "کارگاه صنعتی" بر پا شده بود، صادر گردید. کارگران اعلام کردند که مجمع عمومی تنها مرجع قابل قبول کارگران است و مدیر را مجبور کردند که برای ادای توضیحات به مجمع عمومی که مرتب تشکیل می شد بیاید. این مجمع عمومی بود که دادن مهلتی دو هفته ای به مقامات را تصویب کرد. و باز وقتی که یک روز قبل از پایان مهلت، روز هفتم آذر ماه، اطلاعیه تهدید آمیز دادستانی انتشار یافت، مجمع عمومی تصمیم به استنادگی و ادامه اعتصاب گرفت. در همه موارد بعدی تصمیم گیری، هنگام دستگیری سخنرانان، کنترل کارخانه، آزاد ساختن دستگیر شدگان، و تهدید به جلوگیری کامل از خروج محصول از روز ۱۷ آذر ماه، مجمع عمومی مورد اتکا کارگران بود. حتی وقتی روز ۱۷ آذر اطلاعیه عقب نشینی دولت در سطح کارخانه پخش شد، علیرغم شرط کذابی "ندادن امتیاز در زمان تجمع"، کارگران همچنان به اعتصاب ادامه دادند تا روز ۱۸ آذر ماه مجمع عمومی تشکیل شد و تصمیم به پایان اعتصاب و شروع مجدد به کار از ۱۹ آذر گرفت.

علاوه بر مجمع عمومی، هیاتهای نمایندگی منتخب مجامع عمومی شکل کاملاً شناخته شده و حتی تجربه شده ای برای کارگران ذوب آهن بویژه در بخش بهره برداری است. بسیاری از شوراهای قسمتی در ذوب آهن نمی توانست بدون هیاتهای نمایندگی و مجمع عمومی نمایندگان شکل بگیرد. چنین بنظر می رسد که در تحصن اخیر نیز گروههایی به نمایندگی از بخشهای مختلف مجتمع شرکت دارند.

تحصن کارگران ذوب آهن در اعتراض به عدم افزایش دستمزدها در شهرسور، که بدنبال رشته اعتصابات در صنعت نفت و همچنین بدنبال اعتصاب کارگران سازمان آب تهران بر پا شد، واقعه ای در خور توجه در جنبش کارگری ایران در سال ۷۱ است. هر سه حرکات مذکور از جمله مواردی است که بدلیل انعکاس گسترده و بلافاصله اعتصاب کارگران در سطح جامعه، امکان سانسور کردن اخبار آن برای رژیم ممکن نبوده است. و این برای ناظر آشنا به مسائل کارگری ایران نشان از جریان داشتن اعتصابات و حرکات دیگری است که اخبارشان زیر سانسور جمهوری اسلامی خفه می شود. اعترافات گاه و بیگاه مقامات جمهوری اسلامی نظیر گفته کمالی مبنی بر وقوع دو هزار اعتصاب کارگری در بهار سال گذشته و یا شواهدی مانند آمار بیش از ۹۰ هزار شکایت کارگری در یک سال، نیز از جنبش و جوش اعتراضی گسترده در جنبش کارگری ایران خبر می دهد. بعلاوه و مهمتر، این شواهد در کنار شاخصهای عمومی نظیر وقوع چندین شورش شهری، غالباً در مناطق کارگری، اوضاع اقتصادی وخیم مردم و تهدید اعتراض آنها که آیت الله ها را آشکار نگران کرده و به جان هم انداخته، تصویر اوضاع پر تنش جنبش کارگری را که از زمان سر کار آمدن دولت رفسنجانی بی سابقه است، تکمیل می کند.

اما صرف نظر از فاکتورهای عمومی اوضاع سیاسی و وضعیت جنبش کارگری، حرکت و اعتصاب در بین کارگران ذوب اصفهان، بنا به ویژگیهایی که این مجتمع دارد، خود می تواند شاخص جو بالا و گسترده اعتراض در جنبش کارگری ایران باشد.

در مناسبت با خبر تحصن کارگران ذوب آهن و در تاکید بر اهمیت این حرکت، به جاست که ویژگیهای این مجتمع و مکان آن در جنبش کارگری ایران قدری از نزدیکتر مورد اشاره قرار گیرد.

ذوب آهن و کارگران صنعتی ایران

ذوب آهن از جمله مجتمعهایی است که در

کارگر امروز را

برای خود دوستانتان

آبونه شوید

تخفیف ویژه

در بهای شماره های قبلی

کارگر امروز

نشروه کارگر امروز برای کمک به تکمیل آرشیو خوانندگان خود، شماره های قبلی را با تخفیف ویژه به فروش می رساند. علاقه مندان می توانند شماره های ۱ تا ۲۰ کارگر امروز را با نصف قیمت که شامل هزینه پست هم خواهد بود، دریافت دارند.

خطرات دوران سپری شده

خطرات و اسناد یوسف افتخاری

۱۳۲۶-۱۳۹۹

چگونگی: ۳۰۰۰ یات / مجید قرشر

می توانید این کتاب را که توسط دوستانتان

کارگر امروز باز تکثیر شده، از طریق مکاتبه با

ما سفارش دهید.

بهای کتاب با هزینه پستی در اروپا معادل ۶۰

کرون سوئد، در آمریکا و کانادا ۸۰ کرون.

مراکز فروش کارگر امروز

<p>انگلستان</p> <p>Collets International 129-131 Changi Close Rd London WC2H 0EG</p> <p>سوئد</p> <p>Videopress Höhenbergstr 5 Stockholm</p> <p>Pressbyrå Stockholm Central Station, Södra Hagen Gatan</p> <p>Bokhandeln Råde Rummet Drottning gatan 100 111 60 Stockholm Tel: 08-114210</p> <p>International Press Sveavägen 20 203 12 Malmö</p> <p>Råde Stålmans Vasadagatan 15 214 24 Malmö Tel: 040-920340</p>	<p>فرانسه</p> <p>Spero Uher Stronagat 21 Malmö</p> <p>I.F.R. Davidhallagatan 23 211 45 Malmö Tel: 040-119230</p> <p>Råde Stålmans Bokhandeln Fjärde Långgatan 8 B Göteborg</p> <p>Schulden Kungälvspolissten Sveavägen 20 Göteborg</p> <p>Råde Rummet Bokhandeln Storgatan 15 Göteborg</p> <p>کوسک</p> <p>Wagram Ch. de Gaulle-Etoile Paris</p> <p>کوسک</p> <p>George V 99 Ave Champs-Élysées Paris</p>	<p>دانمارک</p> <p>Karl Winter OHG Buchhandlung Langebrogade str. 20</p> <p>آلمانی</p> <p>Karlplatz Passage Lohd 14</p> <p>U2 Station Markthof str. Zuschüttenladen</p> <p>آمریکا</p> <p>Teaviv Gallery 18154 Sherman Way Rosemead, CA 91325 Tel: 818-3448494</p> <p>1387 Westwood Blvd. Los Angeles, CA 90024 Tel: (213)77-7-477</p>	<p>آلمان</p> <p>Demos Buchhan Emagatz 27 2300 Koberhoven</p> <p>Zemlin-Verlag Leisner str. 24 6000 Frankfurt 90 Tel: 778223</p> <p>Hendrich-Hans Buchhandlung Schlüter str. 1 2000 Hamburg 13</p> <p>Buchladen Oster str. 159 2000 Hamburg 20</p> <p>Das Arabische Buch Buchhandlung Ennebogen str. 18 D-1000 Berlin 12 Tel: 030-3138021</p>
---	--	---	---

نامه

به سردبیر

نامه‌هایی که به قصد درج در این ستون ارسال می‌شوند باید: ۱- کوتاه باشند ۲- نامی شده یا کاملاً خوانا باشند ۳- چنانچه نویسنده مایل به درج نام خود نیست، تصریح شود تا امضاء محفوظ بماند ۴- کارگر امروز در انتخاب و تلفظ نامها آزاد است.

شوراهای کردستان عراق کارگری بود

سردبیر کارگر امروز ۲۸ کارگر امروز در همین ستون نامه ای خواندم به امضای دوستی به نام محمود احمد از کردستان عراق که در آن علیرغم اینکه نویسنده می گوید نمی خواهد به مساله شوراهای و صحنه های "آسو" و من (سمکو) در این باره بپردازد اما در واقع به این کار پرداخته و به شوراهای کم لطفی و بی مهری نشان داده است. اول می خواهم از محمود احمد بپرسم که دوست عزیز تو دیگر چرا؟ محمود احمد در بخشی از نامه اش می نویسد: "... عناصر کمونیست با مطالعه آثار مارکسیستی در مورد تشکلهای کارگری ایده شورا را مطرح کردند، جلساتی در این رابطه از طرف این عناصر گرفته می شد و جمعی به دور آنها گرد می آمدند و به سخنان آنها گوش می دادند. بالاخره شورا با شرکت تعدادی که اکثر آنها را روشنفکران انقلابی تشکیل می دادند تاسیس شد..."

از اینکه ایده شورا از کجا آمد، بگذریم. اما مجامع عمومی کارگری و انتخاب نمایندگی های کارگری که خود را شورا می نامیدند نه از روشنفکران انقلابی غیر کارگر بلکه تماما از کارگران تشکیل می شد و البته کمونیستهای انقلابی هم حضور می یافتند. اجتماع کارگران دخانیات در سلیمانیه و اربیل نه یک بار بلکه بارها و بارها در مدت کمتر از یکماه و برگزاری مجامع عمومی و انتخاب هیات رئیسه و بالاخره انتخاب نماینده برای پیگیری کارها و تصمیمات شورا تماما کارگری بود و هر جا کمونیستها حضور داشتند نقطه قوت شوراهای کارگری بودند و کارگران دوستان خود را می شناختند. در یکی از جلسات کارگران دخانیات سلیمانیه سخنرانی که خود را یکی از اعضای سازمانهای چپ معرفی کرد ولی حرفهای بیربطی میزد، از جانب کارگران مورد اعتراض قرار گرفت و کارگران به کار خود ادامه دادند. همچنین مجامع عمومی کارگران پوشاک "البسه" سلیمانیه، شورای کارگران شهرداری سلیمانیه و... یادآوری می کنم، هنگامیکه کارگران سیستان شعبه شهر سلیمانیه برای تشکیل شورا، اجتماع کرده بودند و تعدادی از

تابلوی شماره ۱

کمال کوچک، کمال و ترازویش

سردبیر کارگر امروز! کمال بچه کوچکی است که هنوز ۷ سال ندارد، خودش نمی داند چند سال دارد، اهل ترکیه است و در شهر قونیه زندگی می کند. کمال هر روز با ترازویش در یکی از خیابانهای شلوغ درست در پیاده روی زویروی مقر پلیس می نشیند. کمال کم کم به دنیای رنج، سختی، بی نانی، مشقات، بی بهره بودن از نعمات زندگی و در یک کلام به زندگی در دنیای بازار-کار امروز پا گذاشته است، هنوز شمارش بلد نیست اما نیروی خود را در خیابان ابتدایا جهت خرد شدن ضرور، شخصیت، تن و جسم کوچکش بکار انداخته است. کمال یک آرزو و امید هنوز نشکفته و نشانگر نمی از تابلوی یک خیابان تر و تمیز که همه روزه آمده با لباسهای رنگارنگ و بوی عطر و عنبید از جلوی چشمان کمال رژه می روند، است. کمال یکی دیگر از انواع آن آدمهاست اما در رده دیگر و با عیاری دیگر. کمال که هنوز ۷ سال ندارد وارد دنیای نابرابر امروز شده و همه روزه این تابلو به نمایش در می آید. کمال حتی نمی داند باید برای کار خودش تبلیغ کند. فقط ترازو را گذاشته و کنار آن

نشسته است. کمال آنقدر کوچک است که بعضی وقتها حواسش به ترازویش نیست؟! کمال هنوز نمی تواند بخوبی حرف بزند. اما هر کس می تواند از چشمان معصوم و تشنگ کمال آرزوهایش را درک کند و من بیننده آنچه در چشمان کمال است را برایتان می نویسم. در چشمان کمال شناور است که: - کمال ترازو نمی خواهد، کمال اسباب بازی و دوچرخه کوچک می خواهد، - کمال بازی با بچه های کوچک اندازه خودش را می خواهد، - کمال ... را نمی خواهد، کمال تحقیر را نمی خواهد. و آنچه با تیر درشتتر در انتهای چشمان کمال پیداست: اگر کمال مبلغ توانایی بود و قلم گویایی بود با صدای بلند که دنیا را فرا گیرد داد می زد: من این زندگی را نمی خواهم من آزادی می خواهم، من برابری می خواهم، من بی عدالتی نمی خواهم. اکنون همه شما کمال را می شناسید. کمال یکی از انسانهای قرن ۲۱ است که در چشمانش آزادی، برابری و نابودی بی عدالتی ها نوشته شده است. کمال برای این امیدها و آرزوها بزرگ می شود! خالد رحمانی - ترکیه

واقف هستیم. در یادداشتهای من درباره شوراها و مصاحبه بعدی در کارگر امروز شماره ۲۴ نکات مهم این ضعف و کمبودها بیان شده است. اینکه گویا شورا با کوچکترین عکس العمل و دندان قروچه ناسیونالیستها از بین رفت هم صحت ندارد. از حق نگذریم عکس العمل بورژوازی کرد چندان کوچک نبود. جبهه کردستان رسماً حکم انحلال شوراها را صادر کرد و فعالین آن را تهدید کرد. افراد مسلح جبهه در مقرات شوراها و اجتماع کارگران حضور یافتند، جلو درب کارخانه ها سبز شدند. تازه تنها عکس العمل بورژوازی در کردستان نبود بلکه نتایج جنگ خلیج و حمله دولت مرکزی و عراق آنها که تا به امروز هم ادامه دارد، همه اینها با هم به جنبش شورایی خاتمه دادند. اما آیا بقول محمود احمد امروز کارگری پیدا نمی شود خود را صاحب شورا بدانند؟ تمام آن هزاران کارگری که در مجامع کوچک و بزرگ کارگری جمع می شدند و تمام آن کسانی که بعنوان فعالین و نمایندگان شوراها حداقل یک ماه تمام شبانه روز و بطور خستگی ناپذیری خشت خشت تشکیلات توده ای شوراهای کارگری را رویهم می گذاشتند پاسخ این اظهار نظر را دارند. نه تنها اینها بلکه کل طبقه کارگر عراق خود را صاحب جنبش شورایی آن دوره می دانند. امروز یکی از نقطه قوتهای جنبش کارگری در عراق و بخصوص در بخش کردستان آن وجود فعالین جنبش شورایی و کارگران و کمونیستهایی است که برای ولو یک دوره کوتاه دخالتگری مستقل و توده ای طبقه کارگر را در امور جامعه اعلام و تامین کردند و هنوز هم حضور دارند. مراسمهای کارگری اول مه و دیگر جنب و جوشها و اعتراضات کارگران دوره اخیر نشانهای بارز این حضور و تداوم جنبش اند. شکی نیست جنبش کارگری در هر قدم خود رهبران و فعالین جدید پرورش خواهد داد و امروز امید ما به همه این رهبران و درسها و تجارب قدیم و جدید است تا جنبش کارگری عراق را برای همه آن مسائلی تازه ای که محمود احمد به آن اشاره دارد و برای اتحاد و تشکل پایدار کارگران و تشکیل حزب کمونیستی کارگری به جلو هدایت کند.

سمکو

سمکو (نام مستعار) نویسنده کتاب "یک فعال جنبش شوراها از کردستان عراق سخن می گوید. درباره یک قیام، یک پیروزی و یک شکست" است. این کتاب که اصل آن به زبان کردی است یادداشتهای روزانه نویسنده در جریان تشکیل و فعالیت شوراهایی است که در دل تحولات داخلی عراق پس از آتش پس با آمریکا و متعلقی شکل گرفتند. این کتاب تنها منبع معتبر درباره شورای کارگری کردستان عراق به زبان فارسی است.

نمی توانم جلوی نفسش را بگیرم

سردبیر کارگر امروز! روزی در شهر قونیه اتفاقی از محله فقیر نشینی عبور می کردم یک صحنه تکان دهنده و تاسف آور را مشاهده کردم. یک پسر بچه ۳ ساله را روی آشغالها دیدم که تمام سرو صورتش را در پوست یک هندوانه گندیده فرو کرده بود و با عجله داشت از آن می خورد. با دیدن این صحنه تمام بدنم لرزید. جلو رفتم و با بچه صحبت کردم تا از این کار منصرفش کنم. بچه هیچ جوابی نداد. ناگهان مادر بچه پیدایش شد. با او صحبت کردم، این کار خیلی بد است، چرا می گذارید این بچه از این کثافتت بخورد، اگر فرزندت مریض بشود چه کار می کنی. مادر بچه گفت می دانم که این بچه را مریض می کند، میکروب دارد و برای بچه ام بد است. بعد به گریه افتاد و گفت، من نمی توانم جلوی نفس بچه هایم را بگیرم. حالا ۲ ماه است که حتی پول برای خرید نان خالی را هم نداریم. پرسیدم چرا و او گفت شوهرم کارگر ساختمانی است. ۲ ماه قبل از چوب بست پایین افتاد و پایش شکست و هنوز در گچ است. این محله در وسط شهر است. عثمان ویسی - ترکیه

برگی از تاریخ

جنبش سندیکایی در ایران

دنبال شد. دو سال پیش، در تبریز اتحادیه ای از کارگران بنام "حزب کارگر" تشکیل گردید. این سازمان بسیاری از ویژگیهای خاور زمین را با برجستگیهای بسیاری منعکس می سازد. باین همه، موافق نظامنامه این "حزب کارگری" تنها کسانی می توانند به عضویت آن در آیند که از استثمار دیگران زندگی نمی کنند. در اواخر ۱۹۲۱ این سازمان در حدود ۳ هزار عضو داشت. ولی نفوذ آن بعد اعضایش محدود نمی گشت. در تبریز همچون در سایر شهرهای بزرگ خاور زمین، کاسبکاران و صنعتگران بخش مهمی از جمعیت را تشکیل می دهند. قانون اسلام تجارت را حرفهای محترم (وزین) می شمرد. هر مومن نیکی با اشتیاق به تجارت مشغول می شود. در مرکز شهر دالانهای آجرین، نوعی سرا با ورودی و خروجی همه جهات شهر ساخته شدهاند. در اینجا در مغازه های کوچک اجاره ای، کاسبکاران کوچک مانند قنادان، کفاشان، زرگران و غیره لول می زنند. هر حرفه ای بخش معینی از این سرای عظیم را که "بازار" نام دارد اشغال می کند. بازار تبریز، ۱۷ هزار مغازه، انبار و کارگاه و غیره دارد که از آن ۱۳۰۰ به مالکان کوچک که هموعان خود را بشابه کارگر استثمار نمی کنند و از منافع تجاری امرار معاش می کنند، تعلق دارد. اینان با استفاده از موقعیت انحصاری خویش بطور نوبتی کرایه مغازه ها را افزایش می دهند و برخی اوقات آنرا تا حد نرخ مسخره ای بالا می برند. نتایج چنین روشی بهنگام بحران تجاری پس از جنگ (اول جهانی)، بحرانیکه به شمال ایران که منحصر از طریق تجارت با روسیه زیست می کرد، بیشتر از هر جای دیگر لطمه وارد ساخت، هر چه بیشتر محسوس می گردید. اتحادیه کارگری (حزب کارگری) بمنظور تشدید تضاد بین مالکین بزرگ و صاحبان مغازه های کوچک بازار، تصمیم گرفت اینان را برحسب حرفه شان متشکل سازد. جلسه نمایندگان حرفه دفتر عمومی انتخاب کرد که مسائل مهم را در توافق با دفتر اتحادیه تبریز، حل می نمود. بدین سان نه تنها رهبری ایندولوزیک، بلکه همچنین رهبری عملی این سازمان وسیع که بدور خود بیش از ۱۲ هزار عضو گرد آورده است، در دست اتحادیه (حزب کارگری) است. مهمترین تصمیمات مهم به امضای ارگان اجرایی اتحادیه (حزب کارگری) است. مثلاً در سال گذشته بنا بر پیشنهاد اتحادیه، در بازار تخفیف ۲۰ درصد کرایه مغازه از طریق انقلابی تحقق یافت. و از اینجاست خشم صاحبان مستغلات بازار تبریز، ولی اینان قادر نبودند کاری کنند، زیرا هر مغازه با تکیه به تصمیم حزب کارگری قاطعانه از پرداخت بیش از ۸۰ درصد کرایه سابق سر باز زد. ابتدا مخبر السلطنه بنسایتی دولت با توجه به محبوبیت عمومی اتحادیه، کوشش مجدانه بعمل آورد، تا این سازمان را زیر نفوذ خود درآورد، ولی بدان موفق نگشت. و بهتر از آن اینکه در اکتبر سال گذشته (۱۹۲۱) بدنبال ضرباتی که شهردار شهر بیکی از اعضای این سازمان وارد ساخته بود، اختلافی بین استاندار و حزب کارگری روی داد. حزب از استاندار خواست که شهردار را برکنار سازد و شخص دیگری را بجای وی منصوب کند. استاندار مقاومت نمود. جریان نزدیک بود به بستن بازار کشانده شود. (در ایران بستن بازار ضربه ۹ه)

قابل توجه خوانندگان کارگر امروز

ستون "برگی از تاریخ" که در آن اسناد جنبش کارگری جهان چاپ می شود به کمک شما احتیاج دارد. آرشو کارگر امروز از این نظر بسیار ناقص است و لذا از خوانندگان نشریه تقاضا داریم تا چنانچه کتاب، مقاله، اعلامیه، عکس و یا هر سند دیگری که در این زمینه دارند یک نسخه و یا کپی آنرا به نشریه کارگر امروز هدیه کنند

اعتراض اتحادیه های اروپا به کمیسیون اروپا

شوراهای کارخانجات از وضعیت ناهنجار در شرق آلمان هشدار میدهند

اخبار کوتاه

استرالیا، بیکاران مایوس از یافتن کار

بنا به گزارشی که روز ۱۱ سپتامبر توسط دولت استرالیا به چاپ رسید، بسیاری از بیکاران استرالیا از تلاش برای یافتن کار دست کشیدند. تعداد نیروی کاری که فعلاً در جستجوی کار بودند در ماه اوت ۶۳٪ درصد بود و در ماه سپتامبر ۳ درصد کاهش یافت. این کاهش باعث کاهش نرخ بیکاری رسمی در استرالیا شده است؛ نرخ بیکاری در این کشور که در ماه ژوئن ۱۱ درصد بود در ماه اوت به ۱۰٪ درصد کاهش یافت.

اتحاد ۷ اتحادیه کارگری در بریتانیا

بیش از ۷ اتحادیه کارگری در ۳ صنعت بزرگ بریتانیا تصمیم دارند که برای محافظت از مشاغل متحد شوند. احتمالاً اتحادیه های کارگری در راه آهن، معادن زغال سنگ و برق برای مبارزه مشترک در مقابل با از بین رفتن مشاغل در تمام صنایع گروهی را تشکیل خواهند داد. اتحادیه های کارگری راه آهن علیه معادن علیه بسته شدن معادن و اتحادیه کارگران برق علیه اقدامات برای استفاده از گاز بجای برق هستند.

بریتانیا، افزایش دستمزد مطالبه کارکنان خدمات درمانی

بیش از ۶۰۰ هزار کارکن بخش خدمات درمانی از جمله پرستاران که یکی از بزرگترین گروههای بخش خدمات هستند خواهان ۸٪ درصد افزایش دستمزد که بالاتر از نرخ تورم است، شدند.

بریتانیا، نگرانی آرتور اسکارگیل از بسته شدن معادن

آرتور اسکارگیل رهبر معدنچیان بریتانیا اعلام کرد که بر اساس سند محرمانه ای که اخیراً بدستش رسیده است، اداره زغال سنگ بریتانیا قصد دارد ۳۰ معدن زغال سنگ این کشور را تعطیل کند و در اینصورت ۲۵ هزار شغل در معادن از بین خواهد رفت.

اروپا و بیکاری

به گزارش روزنامه لیبراسیون چاپ فرانسه، تا ماه ژوئیه ۹۲، در اروپا ۱۴ میلیون نفر بیکار بوده اند. ۱۴ میلیون بیکار یعنی ۹٪ درصد نیروی آماده بکار که در مقایسه با ۸٪ درصد بیکاری در سال ۱۹۹۱، بیکاری در اروپا بشدت افزایش یافته و به حد بیکاری در سال ۱۹۸۸ رسیده است.

افزایش بیکاری در بریتانیا

به تعداد بیکاران بریتانیا در ماه اوت ۴۷ هزار نفر افزوده شد. از آوریل ۱۹۹۰ تاکنون ۱/۲ میلیون نفر در بریتانیا بیکار شده اند و تعداد کل بیکاران این کشور به ۲/۸ میلیون نفر رسید.

کارخانجات در شرق آلمان را که بعد از "مذاکرات بی حاصل" به آنها توصیه کرده بود، عملی کرده اند. دی.گ.ب اتحادیه سراسری کارگران آلمان از این اجتماع اعتراضی حمایت کرد ولی آ.ج.گ. متال و آ.ج.گ. شیمی این حرکت اعتراضی را تحریم کردند. اما اعضای منفردی از شرق و غرب آلمان در این تظاهرات شرکت کرده بودند. در این تظاهرات ۶ معدنچی که لباس سیاه به تن داشتند، ساعتی را حمل می کردند که ۵ دقیقه به ۱۲ را نشان می داد و در عین حال به آدمکی وصل شده بود که بوسی به آن بود و روی آن نوشته شده بود "انفجار اجتماعی".

ایرهارد واگن در صحبتهای خودشان با فراکسیون حزب سوسیال دمکرات در پارلمان اعلام کرد که "ما خیلی دیر به اینجا آمده ایم، ما می یابستی یکسال پیش این کار را می کردیم" ولی ناامیدی در سال گذشته در این ابعاد وجود نداشت.

پیتر رئیس شوراهای کارخانجات در ماکربورگ اعلام کرد که "ما آمده ایم که ببینیم که در حالیکه شرق آلمان به خانه فقر تبدیل می گردد، اینجا چکار میشود." بسیاری از نمایندگان معتقد بودند که برای سقوط اقتصاد بیکار سازیهای وسیع وسیله ای مجاز است. تظاهرات کنندگان با تمامی احزاب حاضر در پارلمان و همچنین صدراعظم (هلmut کهل) و وزیر اقتصاد یورگن موممان صحبت کردند.

پرداخت خسارت به کارگران اعتصابی نفت مکزیک

مرکز خبری کارگر امروز: اعتراضات وسیع ۱۵ هزار کارگر سابق نفت علیه کمپانی دولتی نفت مکزیک دولت را وادار ساخت تا به کارگران بیکار شده خسارت بپردازد. به گزارش تایمزمالی، چندین هزار کارگر سابق نفت در اعتراض به اخراج خود و همچنین با مطالبه خسارت بابت اخراج ها یک ساختمان دولتی در شهر مکزیکو را به مدت ۳۹ روز به اشغال خود درآوردند.

پایان اعتصاب کارگران نساجی مکزیک

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۷ سپتامبر، ۲۲ هزار کارگر نساجی در مکزیک پس از ۵۹ روز اعتصاب به سرکار بازگشتند. به گزارش تایمزمالی، روز ۴ سپتامبر، بدنبال مذاکرات نمایندگان کارگران با صاحبان صنایع نساجی کارگران پیشنهاد ۱۴ درصد افزایش دستمزد را پذیرفتند. علاوه بر افزایش دستمزد شرایط و مقررات

بیکاری در کمپانی نورد بریتانیا

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۴ سپتامبر، کمپانی نورد در بریتانیا اعلام کرد که بدلیل بحران و کاهش فروش، ۱۵۰۰ شغل در کارخانه های این کمپانی در بریتانیا از بین خواهد رفت. به گفته رهبران اتحادیه قرار است در کل ۲۱۷۹ شغل از بین برود. رهبران اتحادیه

اعتصاب عمومی علیه ریاضت کشی اقتصادی در اکوادور

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۳ سپتامبر، با فراخوان "جبهه متحد کارگران" به اعتصاب علیه برنامه ریاضت کشی اقتصادی دولت، در اکوادور اعتصاب عمومی شد و کلیه فعالیت اقتصادی این کشور را کند ماند. به گزارش تایمزمالی، این اعتصاب یکروزه علیه افزایش قیمت مواد غذایی و خدمات،

از نشریه: فرانکفورت روندشاور، چاپ آلمان ترجمه از: بهروز خاکسار

بسیاری از شوراهای کارخانجات در شرق آلمان، کاهش تعداد شاغلین را در کارخانجات ثبت کرده اند. "شرکت سهامی تولید ماشین آلات سنگین ویلداو (برلین) شاغلین در سال ۱۹۹۰، ۳۲۰۰ نفر، در سال ۱۹۹۱، ۱۰۵۰ نفر، سال ۱۹۹۳، ۲۰۰ نفر. این روی یکی از پلاکاردهای سیاه رنگی که نمایندگان کارگران در اعتراضشان در بن (۹ سپتامبر) حمل می کردند، نوشته شده بود. قطع فوری بیکارسازیها در شرق آلمان و بنگاههای تولیدی شهر برلین و حق تصمیم گیری برای شوراهای کارخانه در مورد خصوصی کردن بنگاههای تولیدی، از درخواستهای مهم تقریباً ۲۵۰ شورای کارخانه شرق آلمان در روز ۹ سپتامبر در بن بود. این اجتماع اعتراضی برای نشان دادن زور و قدرت شوراهای کارخانجات صورت گرفته بود.

نمایندگان کارگران، حکومت ائتلافی را متهم به "نداشتن برنامه" و "ویران ساختن کارخانجات" کردند. بسیاری از شغلها به حد افراط آمیزی از بین رفته اند و بدینوسیله بازسازی متوقف می شود. ایرهارد واگن سخنگوی تظاهرات کنندگان اعلام کرد شوراهای کارخانجات، پیشنهاد خانم بریگیت برویل، رئیس دفتر مسئول خصوصی کردن

مرکز خبری کارگر امروز: اعتصاب بزرگ اتحادیه دست به تظاهرات زدند. اجتماع بزرگ اتحادیه در شهر "کاپل" با حضور پلیس با خشونت پایان یافت. اینبار رهبر اتحادیه "یو.ای.ال" با پرتاب میوه های گندیده از سوی کارگران هو شد. کارگران می گویند که او "اتحادیه را به دولت فروخته است".

در روز ۲ اکتبر، صدها هزار کارگر در سومین اعتصاب اختطاری علیه برنامه ریاضت کشی دولت شرکت کردند و حداقل صدهزار نفر در سراسر ایتالیا دست به تظاهرات زدند. در روز اعتصاب کلیه ادارات پست، ادارات دولتی، راه آهن و ترافیک شهری از کار افتاد و در فرودگاه بین المللی این کشور پروازها به تعویق افتاد. حتی بخش آتش نشانی فرودگاهها نیز در اعتصاب شرکت کردند. به گفته سازمانهای کارگری تنها در شهر رم ۱۳۰ هزار نفر در تظاهرات شرکت کردند. در این تظاهرات پلیس با گاز اشک آور به تظاهرات کنندگان حمله کرد و در جریان آن ۵ نفر زخمی شدند. به گزارش پلیس ۲۰ نفر بدلیل فاش نکردن هویت شان دستگیر شده اند. برنامه ریاضت کشی اقتصادی دولت ایتالیا که کاهش بودجه بخش خدمات معادل ۱۳/۹ میلیارد پاوند را در بر دارد، انجام دستمزدها، افزایش سن بازنشستگی، و افزایش شدید هزینه های درمانی را که تا کنون مجانی بوده است را بدنبال خواهد داشت. اتحادیه های کارگری ایتالیا تهدید کردند که اگر دولت در برنامه اش تجدید نظر نکند اعتصاب سراسری را آغاز خواهند کرد.

این منظور بودجه ای تخصیص داده نشده است. رهبران اتحادیه های کارگری اروپا از جمله "فرانز اشتاین کهلر" رهبر اتحادیه فلزکاران آلمان، نگران هستند که شاید این مسئله بیانگر یک عقب نشینی عمومی تر از ابعاد اجتماعی اروپای واحد است. شوراهای کار که بمنظور دادن اطلاعات و مشاوره به کارگران در مورد استراتژی ادغام طراحی شده اند تاکنون در بیش از ۲۰ شرکت چند ملیتی در اروپا تشکیل شده اند و اتحادیه های کارگری می کوشند تا این شوراها را هر چه بیشتر تشکیل دهند.

معدنچیان یونانیف در کانادا علیه کارفرما، پلیس و اعتصاب شکنان

تلخیص از نشریه: "فولز گولد" ارگان کنفدراسیون اتحادیه های کارگری کانادا

بستن معدن بروی ۲۴۰ کارگران معدن در یونانیف و مبارزه کارگران به یکی از مبارزات تاریخی کارگری در کانادا تبدیل می شود. کارگران مصمم هستند تا علیه شیوه های آمریکائی ضد اتحادیه ای که توسط کمپانی "ریوال اوک" و رئیس آن "مارگرت ویت" اتخاذ شده شدیداً مبارزه کنند. تعطیل شدن معدن در "یونانیف" تمام توجه را به تغییر در قوانین کار که در حال حاضر موضوع روز در کاناداست معطوف می کند.

در روز ۲۳ ماه مه معدن "یونانیف" بدلیل اینکه بیش از ۸۰ درصد کارگران پیشنهادت ضد کارگری کمپانی "ریوال اوک" را نپذیرفتند تعطیل شد. کارگران این معدن توسط کنفدراسیون اتحادیه های کارگری کانادا نمایندگی می شوند. کمپانی چند ساعت پس از بسته شدن معدن ۱۲۵ کارگر اعتصاب شکن استخدام کرد. این یکی از موارد نادر در صنایع کانادا بود که هنگامی که مذاکرات در جریان است کارفرما اعتصاب شکن استخدام می کند.

اعتصابات عمومی علیه ریاضت کشی اقتصادی در ایتالیا

مرکز خبری کارگر امروز: در اواخر ماه سپتامبر سه اتحادیه کارگری بزرگ ایتالیا، در اعتراض به برنامه بودجه سال ۱۹۹۳ دولت که افزایش مالیات و کاهش بودجه بخش خدمات عمومی را در بر دارد، یک سلسله اعتصابات اختطاری را آغاز کرده اند. اتحادیه ها تهدید کردند که اگر دولت طرح بودجه را تغییر ندهد، به یک اعتصاب سراسری فراخوان خواهند داد.

به گزارش خبرگزاری آ.اف.آی.از رم، اولین اعتصاب عمومی ۴ ساعته در روز ۲۲ سپتامبر صورت گرفت و دهها هزار کارگر در چندین شهر ایتالیا دست به تظاهرات زدند. در این روز دو روزنامه سراسری ایتالیا بدلیل اعتصاب کارگران منتشر نشد. دومین اعتصاب اختطاری ۴ ساعته کارگران در روز ۲۳ سپتامبر بود. در این روز در اجتماع اتحادیه در شهر فلورانس، "برونو ترتین" رهبر اتحادیه "سی.جی.ای.ال" یکی از بزرگترین کنفدراسیون های کارگری در ایتالیا، مورد حمله کارگران و اعضای اتحادیه قرار گرفت. کارگران با پرتاب گوجه فرنگی خشم شان را از ترتین ابراز کردند و او را به خیانت به اتحادیه متهم ساختند. ترتین در ماه ژوئیه توافقنامه ای را با دولت به امضا رساند که بر اساس آن موافقت خود را با لغو سیستم پرداخت دستمزد به شیوه قدیم (افزایش دستمزد به نسبت تورم) اعلام کرد. گفته می شود که او با مطرح کردن منافع ملی به نوعی از برنامه اقتصادی نخست وزیر حمایت کرده است.

سوئد، بحران جدید و ریاضت کشی اقتصادی

طرح ریاضت کشی سوسیال دمکراتها با عصبانیت روبرو میشود

آزاد نسیم

مقارن با برگزاری فراتراند فرانسه در مورد اروپای واحد و تبلیغات همه جانبه ای که احزاب بورژوازی چه در قدرت و چه در اپوزیسیون حول این مسئله راه انداخته بودند، رهبر دولتی که کل دولت های اروپائی روی اقتصاد پیشرفته و سودآور آن برای تقلیل فشار بحران در کل اروپا، حساب باز کرده بودند، ناگهان در تلویزیون ظاهر شد و تمام دوستان جدید و قدیمش را به کمک طلبید. کارل بیلت نخست وزیر محافظه کار سوئد با اعلام بحران تاریخی در سوئد، رهبران اپوزیسیون، سوسیال دمکرات ها را به چاره جوئی و کمک طلبید. اینگوار کارلسون نخست وزیر قبلی و رهبر حزب سوسیال دمکرات که چنین وضعیتی را انتظار می کشید با دو چهره بر سر میز کنفرانس در برابر تلویزیون و رسانه های سوئد ظاهر شد. اول در نقش رهبر اپوزیسیون سعی کرد بی لیاقتی دولت کارل بیلت را بر رخ رهبران آنها و جامعه بکشانند و دوم در نقش ابرمردی نگران سرمایه های ملی سوئد و ناجی آن. اما کارل بیلت بی جهت از کارلسون دعوت نکرده بود. در واقع هدف او هم از این دعوت دو چیز بود. کارل بیلت خوب می دانست که این بحران از زمان صدارت او شروع نشده است و می خواست اول شریک جرمش را به جامعه معرفی کند و دوم میبایست برای برون رفت از این بحران چاره ای بیاندیشد. پس بهتر بود از اینگوار کارلسون و حزب سوسیال دمکراتش که همین نگرانی را داشتند کمک بگیرد. در این سناریو تنها خال کارلسون سوسیال دمکرات در این بود که قبل از اینکه خود به کمک کارل بیلت برود به کمک فرا خوانده شده بود.

آنها ساعت ها و روزها، آشکار و پنهان بر سر میز مذاکره نشستند. از نتایج این مذاکرات و اینکه راه حلی برای این بحران پیدا کرده اند اظهار خوشنودی کردند و در اوائل هفته گذشته به یک برنامه ریاضت کشی اقتصادی دست یافتند.

الف- کاهش هزینه های عمومی.

۱ - کاهش حقوق کارکنان در ایام بیماری و صدمه دیدگی از کار. روز اول بیماری حقوقی به کارکنان تعلق نمی گیرد. در روزهای دوم و سوم ۷۵ درصد حقوق، روزهای ۴ تا ۸، ۸۰ درصد، و از روز ۹ تا یکسال ۷۰ درصد. در دوره نقاهت پس از آسیب دیدگی در محل کار فقط ۹۰ درصد دستمزد پرداخت میشود.

۲ - کاهش کمک دولت به صندوق بیمه

بیکاری و سرشکن کردن آن روی خود بیکار و کارفرما. کارکنان باید ۷/۵ درصد از حقوق خود را به صندوق بیمه بیکاری پرداخت کنند که مزایای آن برای بیمه بیکاری پرداخت خواهد شد.

۳ - سن بازنشستگی از ۶۵ به ۶۶ سال افزایش یافت.

۴ - کاهش حقوق بازنشستگی به میزان دو درصد.

۵ - کاهش سوسید دولت به وام مسکن. بهره وام مسکن از نرخ بهره روز تبعیت خواهد کرد.

۶ - لغو تصمیم افزایش کمک هزینه کودکان.

۷ - کاهش کمک به کشورهای در حال توسعه.

۸ - بستن یک پایگاه هوائی نظامی، کاهش مستمری سربازان و کاهش بودجه دفاع غیرنظامی.

۹ - کاهش کمک به احزاب به میزان ۱۰ درصد. کاهش بودجه وزارتخانه های ارتباطات، کشاورزی، آموزش و پرورش، دادگستری و فرهنگ.

ب - مالیاتها

۱ - کاهش مالیات سرمایه داران.

۲ - لغو تصمیم کاهش مالیات مستقیم.

۳ - افزایش مالیات بر بنزین، سیگار و تنباکو.

نگاهی به بخشهای اساسی این پروتکل که در بالا ذکر شد بخوبی روشن می سازد که دولت بورژوازی سوئد و همکاران سوسیال دمکراتش چه خوابی برای مزدبگیران این جامعه دیده اند.

این بخشی از برنامه عمل دولت و سوسیال دمکرات هاست که برای "دفاع از اقتصاد" سوئد و برون رفت از این بحران به امضاء رساندند. در برابر این ائتلاف ضد کارگری، اتحادیه های زیر نفوذ سوسیال دمکراسی هم در سازش با سرمایه و با ترجیح دادن "افزایش قدرت رقابت اقتصاد سوئد" بر منافع مستقل طبقاتی کارگران بویژه در دوره حاضر بر این ائتلاف صحه گذاشتند.

سوئد بار دیگر مثل دوره های گذشته درگیر یکی از گسترده ترین، حادث ترین و دیرپا ترین دوره های بحران است. این بحران بدتر هم خواهد شد و در بطن آن بورژوازی می کوشد عوارض این بحران را بر سر طبقه کارگر بشکند تا بتواند قیمت تنزل معیشت میلیون ها انسان مزدبگیر، سودآوری مجدد سرمایه را تامین کند. آیا کارگران ساکت خواهند نشست؟

چشم اندازهای موجود در برابر اتحادیه های کارگری سوئد

اعظم کم گویان

بحران اتحادیه ها مدتهاست که در بسیاری از کشورهای اروپایی آغاز شده است. اتحادیه ها در بسیاری از کشورها بشدت اعضای خود را از دست میدهند و در بسیاری موارد، اتحادیه های سابقا با نفوذ تنها قادرند بخش کمی از کارگران بخش خود را متشکل کنند. در همه جای اروپا تعداد کارگران خارج اتحادیه ها بطرز چشمگیری افزایش مییابد و اتحادیه ها در موارد زیادی اختیارات قانونی خود را از دست میدهند. بحران کنونی اتحادیه ها ناشی از سردرگمی جنبش اتحادیه ای در مقابل تعرض وسیع بورژوازی علیه جنبش کارگری و ایده های برابری طلبانه و سوسیالیستی بر متن سقوط بلوک شرق و بحران سرمایه داری است. جنبش اتحادیه ای در غیاب افق و ایده های سوسیالیستی جز تمکین به راه حل های سرمایه داران راهی در مقابل خود نمی یابد. این تمکین مقاومت در مقابل تعرض سرمایه داران را که خاصیت پایه ای اتحادیه است، کم رنگ میکند و از خاصیت خود برای کارگران

تلخیص شده از: نشریه "آریتت"، چاپ سوئد

"متس اولسون" صافکاری که در "واین یورپ" کار میکند و مسئول اتحادیه کارگران فلز در این کارخانه است بی پرده صحبت میکند:

"امروز در کارگاه کارگران خیلی حرف میزنند و اغلب مثل من فکر میکنند که "اینگوار کارلسون" (رهبر حزب سوسیال دموکرات سوئد) در برابر "کارل بیلت" (نخست وزیر و رهبر حزب محافظه کار) و اتحادیه کارفرماهای سوئد زانو زده است. همه متفق القولند که این جامعه رفاه مدل سوئدی است که فروخته میشود و "استیگ مالم" (رهبر اتحادیه سراسری کارگران سوئد) برای آن هورا میکشد. این ما را به دادن لعن و نفرین وادار می کند. کارگران همچنین از کاهش دستمزدها در برابر حفظ شغل حرف میزنند. این یک باج گیری و اخاذی ناب توسط کارفرماهاست. ما در معرض نوعی فاشیسم بازار قرار گرفته ایم." اغلب انتقادات در مورد تصمیمات جدید دولت متوجه افزایش سن بازنشستگی است. بعد از یک زندگی تام و تمام در بخش

مریم کوشا

سوئد که یک زمانی به بهشت سرمایه داری و سرزمین رفاه اجتماعی معروف بود در ماه سپتامبر در عرض ۵ روز شاهد آنچه آن زمان تغییر و تحولاتی شد که هنوز هم برای خیلی ها باور نکردنی است.

بانک مرکزی برای مقابله با بحران سیستم مالی سوئد که همزمان با فراتراند فرانسه در رابطه با معاهده ماستریخت بود بهره بانکی را یک شبه به ۵۰۰ درصد افزایش داد. و روز ۲۰ سپتامبر دولت برای کاستن از کسر بودجه که حداقل ۷ درصد درآمد ناخالص ملی است و جلوگیری از کاهش ارزش کرون وارد مذاکره با حزب اپوزیسیون سوسیال دمکرات شد. نتیجه این مذاکرات که به تصویب یک "راه برون رفت از بحران" منجر شد یک برنامه ریاضت کشی اقتصادی را در دستور گذاشت و آنچه آن وضعیت را در سوئد بسیار آورد که بسیاری را به مرز خودکشی رسانده است.

با توافق بر سر طرح "راه برون رفت از بحران" که در دو بخش در روزهای ۲۰ و ۲۴ سپتامبر نهایی شد کاملا روشن گشت قیمت برون رفت از وضعیت بحرانی را باید طبقه کارگر بپردازد. مالیات کارفرماها کاهش می یابد روزهای تعطیل کارگران کمک هزینه های نگهداری کودکان کم میشود. کسانی که بیماری هایی نظیر آسم و میگرن یکروزه فلجشان می کند دیگر نمی توانند حقوق دوره بیماری بگیرند. بعلاوه در عادات ماهانه بسیاری از زنان را در روز اول از یا در می آورد.

درآمد بخش کم درآمد طبقه کارگر آتقدر پایین آمده است که بسیاری پول کرایه خانه شان را ندارند. کمیسیون مصرف کنندگان در ماه سپتامبر بیشتر از هر وقت گزارش این کمیسیون که مردم را در چگونگی خرج درآمدشان راهنمایی میکند، بسیاری مجبور شده اند خانه شان را عوض کنند و بسیاری نیز حتی به فکر خودکشی افتاده اند. یکی از روزنامه های اتحادیه سراسری کارگران سوئد گزارش کاملی از وضع این بخش از طبقه کارگر را که به آن گروه اجتماعی ۴ میگویند، منتشر کرده است. درآمد این گروه از طبقه کارگر که عمدتا زنانی هستند که فرزندان را تحت

بقیه در صفحه ۷

بیشتر برای یک پاکت سیگار ضربه سختی است. سعی می کنم ترکش کنم ولی زیاد هم خوشبین نیستم. قبلا هم بارها سعی کرده ام سیگار را ترک کنم. آدم شاید باید خودش را مقصر بداند که که روزی آنرا شروع کرد.

متس برای وضع خانواده اش نگران است. اجاره های بالا، کمک هزینه تحصیلی کمتر و شاید دستمزدهای پائین تر باعث میشود که آینده زیاد هم روشن بنظر نرسد: آدم نباید بعلت اینکه مریض میشود مجازات شود. ولی من باز شانس آورده ام که فرزندنامم بزرگتر شده اند. موقعیکه آنها کوچک بودند هم من و هم همسرم باید خیلی از روزها مرخصی میگرفتیم. یکی از آنها التهاب گوش داشت و خیلی از روزها مریض بود. اگر امروز بود این برای ما خیلی گران تمام میشود. حالا داریم میرویم تا ریاضت کشی اقتصادی را لمس کنیم. همسرم درس میخواند و کمک هزینه تحصیلی اش پائین می آید. مادر یک آپارتمان اجاره ای زندگی می کنیم و باید حساب افزایش سنگین اجاره را بکنیم. با اینهمه من شاعلم و وضع کارخانه هم روشن تر از پارسال است. سال پیش ۱۰۰ کارگر فلز کار اخراج شدند.

صنعت در سن ۶۵ سالگی آدم دیگر خسته است و احتیاج به بازنشستگی دارد. بطور مثال "آگنه آهلگرن" راننده لپتتاک میگوید: "من ۱۴ ساله بودم که پا به محیط کار گذاشتم. بعد از ۴۸ سال فرسوده شده ام. حالا ۶۲ سال دارم و به اینکه در ۶۵ سالگی میتوانم بازنشسته شوم چشم دوخته بودم. انگار مشقت به صورت انسان میزنند که بجای اینکه بازنشسته شوم باید یکسال هم بیشتر فرسوده شوم. باید سن بازنشستگی دو سال پائین بیاید. زیرا جوانها احتیاج به کار دارند و ما پیرها بعد کافی فرسوده شده ایم."

متس و آگنه هر دو فکر میکنند که این زحمتکشان هستند که تی پا میخورند. متس میگوید: "این من و آگنه نیستیم که با ثروتمان زندگی کرده ایم، انباشت کرده ایم، و اجازه داده ایم که میلیاردها به خارج سرازیر شود. آدمهایی مثل آگنه با افزایش سن بازنشستگی مجازات میشوند برای اینکه دیگرانی پولهای ما را به قمار گذاشته اند، مدیران بانکها و توله سگهای مالی. آنها باید خودشون پشت سر خودشان را جارو کنند."

آگنه مشکل دیگری هم دارد. او فکر میکند که سیگار را ترک کند. سه کرون

پایان بهشت سرمایه داری در سوئد

جهت شیوه تصمیم گیری باعث رشد اعتراضات شده است.

یکی از نتایج بالا رفتن نجومی نرخ بهره در سوئد، توجه بیشتر مردم به مقوله بازار است. در دوره جنگ سرد و پروسه فروپاشی بلوک شرق همه می پنداشتند که بازار مقوله خوبی است. زیرا بازار در تقابل با سیستم اقتصادی در بلوک شرق بعنوان یک سیستم بهتر و موفق تر ارائه می شد. ولی اکنون نفرت مردم از بازار چنان است که حتی اگر کسی در محل کار اسمی از آن ببرد بقیه اعتراض میکنند. در آغاز اعتراض کارگران به این بود که اگر این بازار است که زندگی ما را در دست دارد چرا کسی نمی تواند حریفش بشود. طولی نکشید که بازار برای کارگران با کمپانی های بزرگ، سیستم بانکی و مالی و سوسیال دموکراسی تداعی شد. البته همه احزاب، اقتصاددانان و وسایل ارتباط جمعی با مهارت کامل با علم کردن بازار سعی دارند کسی ربط آنرا با اقتصاد سرمایه داری متوجه نشود.

تمام نیروهای درگیر در سوئد از سرمایه داران گرفته تا ژورنالیستها و احزاب سیاسی در یک چیز هم نظر و هم هدفند و آنهم برون رفت از بحران اقتصادی سرمایه به قیمت فشار بیشتر به کارگران است. این فشار فقط در زمینه اقتصادی و یا اجتماعی نیست. یکی شدن هرچه بیشتر این نیروها تا حد فشار و محدود کردن عرصه برای تفکر آزاد و رادیکال طبقه نیز هست. ارتش هایی که زمانی طبقه کارگر سوئد با اتکا به آنها احساس قدرت و افتخار می کرد هر روز پس گرفته میشود. دبیر کل و دبیر اجرایی حزب سوسیال دموکرات اخیرا در یک مناظره تلویزیونی گفتند که تصمیماتی که دولت به کمک سوسیال دمکراتها گرفته است در جهت حفظ و پیشبرد نظم موجود و نجات مملکت است. همه باید در این پروسه شرکت کنند و خود را قربانی منافع کشور کنند. احزاب سنتی با اصطلاح کارگری سوئد تنها با حربه ناسیونالیسم توانسته اند در این ماه جولی اعتراض کارگران را بگیرند. آیا این حربه در آینده نزدیک موثر خواهد بود؟ اعتراضات سراسری روز ۶ اکتبر نقطه شروعی برای مقابله و دوره جدیدی از اعتراضات کارگری سوئد در دهه ۹۰ علیه تمام این حربه ها و سیاست ها خواهد بود.

اعتصاب ۹ روزه کارگران اتومبیل سازی آمریکا

تلخیص شده از: نشریه کارگری لیبر نتز، چاپ آمریکا

با يك اعتصاب ۹ روزه، اتحادیه کارگران اتومبیل سازی "اوهایو" به يك پیروزی مهم علیه واگذاری کار به کارخانه هایی که کارگران آن دستمزد کمتری دارند دست یافت. بدلیل تولیدات ویژه کارگران "اوهایو" برای جنرال موتورز، اعتصاب کارگران کار در ۹ کارخانه کمپانی جنرال موتورز از جمله يك کارخانه در "تنسی" را تعطیل کرد. این اعتصاب به کمپانی ۵۰ میلیون دلار خسارت وارد کرد.

اگر اتحادیه کارگران اتومبیل سازی دستاوردهای کارگران "اوهایو" را برای مبارزه با واگذاری کار به کارخانه های دیگر در سطح سراسری الگو قرار می داد می توانست مبارزه جدی ای را علیه کمپانی جنرال موتورز آغاز کند. این کمپانی اخیرا اعلام کرد که با انتقال کار به کارخانه های غیر جنرال موتورز حدود ۵۰ هزار شغل کمپانی از بین خواهد رفت. اعتصاب کارگران جنرال موتورز را وادار کرد که ۱۶۰ شغل را مجدداً به کارخانه "گرددز تاون" اوهایو بازگرداند. قرار بود که این مشاغل به تولید کنندگان غیر متشکل در مجموع قرارداد جدید کمپانی را وادار می کند که به توافق نامه سراسری سال ۱۹۹۰ احترام بگذارد. طبق این توافق نامه در ازای هر دو شغلی که در نتیجه اصطکاک از بین می رود کمپانی موظف است حداقل يك کارگر را استخدام کند. کمپانی جنرال موتورز از پذیرش این مسئله اکراه داشت. قرارداد جدید به این معناست که ۱۵۰ کارگر جنرال موتورز قبلاً بیکار شده بودند مجدداً در کارخانه "گرددز تاون" استخدام خواهند شد.

کارخانه مونتاز

اما کمپانی موفق شد که بخش رنگرزی کارخانه را تعطیل کند که در نتیجه آن ۲۴۰ کارگر ماهر بیکار خواهند شد. این اقدام به این معناست که کمپانی از ژانویه

بقیه از صفحه ۶

چشم اندازهای موجود در برابر...

تلاش میکند. مدیر کل اس.آف میگوید: اتحادیه ها باید راهی را که کمپانیها پیش رویشان میگذارد دنبال کنند و این راه تمرکز زدایی است. به این ترتیب که روش تعیین دستمزد و بستن قراردادها بر اساس قابلیت و موقعیت فردی کارکنان و یا گروههای ده تا سی الی پنجاه نفره قرار گیرد. کار اتحادیه ها کمک به این گروههای چند ده نفره است. بنابراین اتحادیه ها باید خود را در سطح محلی فعال کنند. کارشناسان مدافع اس.آف معتقدند که سوند باید به سیستم ژاپنی ستمگیری کند. طبق این چشم انداز در اتحادیه ها نیز باید تمرکز زدایی صورت گیرد چرا که اگر اتحادیه ها منعطف نگردند توده بیشتری از آنان روگردان میشوند و در موضعی دفاعی قرار میگیرند. آنان معتقدند که در سیستم تعیین دستمزد بر اساس توانایی و قابلیت فردی، نقش اتحادیه ها اینست که در کنار کارفرماها، کارگران را ارزشیابی کنند و طبعاً دستمزد بیشتر و بهتر از آن کسانی است که کار را بهتر از دیگران انجام میدهند. بنظر این کارشناسان اگر اتحادیه ها نتوانند در این نقش ظاهر گردند در پنجسال آینده اعتماد فعلی اعضای خود را از دست میدهند و تا دهسال آینده خواهند مرد. بعقیده آنان، علاوه بر این اتحادیه ها مانند يك صندوق بیمه عمل میکنند و این نقش باعث پاسیو شدن اعضای اتحادیه میگردد.

فسخ قراردادهای دسته جمعی

اتحادیه ها نخستین بار در محلهای کار متولد شدند و راه آینده آنان نیز به همانجا ختم میگردد. این چشم انداز کارفرماها برای اتحادیه های کارگری در سوند است. چشم انداز فوق بمعنی تمرکز زدایی اتحادیه ها و برهم زدن قرارداد های دسته جمعی است. این، در کنار خواست ممنوعیت حق اعتصاب در بخش عمومی همواره سرپایی دست نیافتنی برای کارفرماهای سوند بوده است. اس.آف فعالان برای تحقق این دورنا یعنی فسخ قراردادهای دسته جمعی

کارگران

کارگر و کارفرما مشهور است دبیر اتحادیه "مایکل بنت" خشنود نبود. این کارخانه با دشواری میزان تقاضا را تولید می کند و با اعتصاب کارگران کارخانه يك هفته تعطیل شد. به گزارش يك روزنامه در "دیترویت" آقای "بنت" از مقامات بین المللی اتحادیه خواست که مانع اعتصاب کارگران شوند و با عبور از خط بیعت قطعات مورد لزوم کارخانه "استرن" را تولید کنند.

بسته شدن بلافاصله ۹ کارخانه جنرال موتورز بدنبال اعتصاب، قدرت اتحادیه را در سیستم "گار مثل ساعت" جنرال موتورز نشان داد. این سیستم طوری است که قطعات تولید شده برحسب نیاز به کارخانه تحویل داده می شود و در انبار آنها ذخیره نمی شود.

يك اعتصاب استراتژیک؟

اتحادیه کارگران اتومبیل سازی در جنرال موتورز این مسئله را که اعتصاب کارگران "گرددز تاون" در دیترویت طراحی شده و يك پیام به جنرال موتورز است که اتحادیه مصمم است تا سیستم واگذاری کار کمپانی را متوقف کند، انکار کرد. در واقع مقامات بین المللی برای به توافق رسیدن سریع و ختم اعتصاب تلاش کردند.

تا یکسال آینده قرارداد "بیگ تری" بزرگ تمام خواهد شد. جنرال موتورز به اتحادیه هشدار داد که از هزینه درمانی کم خواهد کرد. مدیر فروش جدید جنرال موتورز به تمام کارخانه های کمپانی هشدار داد که با تمام شدن قرارداد آنها هیچ ارجحیتی بر تولید کنندگان خارج از کمپانی نخواهند داشت. در مجموع جنرال موتورز می خواهد از شر توافق نامه سال ۹۰ خلاص شود. بعضی از کارگران در اتحادیه اتومبیل سازی چنین تحلیل می کنند که شکست کاتریلار در آوریل گذشته، برخورد "بیگ تری" را در سپتامبر سال آینده تهاجمی تر خواهد کرد. اگر "بیگ تری" تصمیم بگیرد که در سال ۱۹۹۳ يك مواجهه جدی کند در واقع پس از ۴۵ سال به يك همزیستی صلح آمیز خاتمه خواهد داد. علیرغم اینکه اعتصابات وجود داشته است اما يك توافق ضمنی وجود دارد که منافع پایه ای طرفین را به مخاطره نخواهد انداخت.

این برنامه جنرال موتورز است تا قوانین را تغییر دهد اما روشن نیست که اتحادیه کارگران اتومبیل سازی چقدر برای این مبارزه آماده است.

بندفاع است تا کارگران برای دریافت دستمزد و ارتقای موقعیت شغلی براساس "توانایی و قابلیت فردی" خویش، به رقابت با هم برخیزند و اتحادیه هایی داشته باشند که تنها در سطح محلی و آتیم بصورت مشاورین کارفرماها در ارزشیابی کارگران فعال باشد.

ممنوعیت حق اعتصاب

در راستای پیروسی یکسان شدن حقوق اتحادیه های کارگری سوند با اتحادیه های کارگری اروپا یکی از حقوق اصلی کارگران بخش خدمات یعنی حق اعتصاب، زیر سوال میرود. اگر قرار باشد که دستمزدها از طریق قراردادهایی در سطح محلی و با گروههای کوچک کارگران بسته شود، و اگر قرار باشد حقوق اتحادیه های سوند با اتحادیه های اروپایی یکسان گردد، بخشی از قرارداد هم این خواهد شد که مانند بسیاری از کشورهای اروپایی، حق اعتصاب کارگران در بخش خدمات لغو گردد. این یکی از آرزوهای دیرینه بورژوازی سوند بوده است.

قوانین دولتی بجای قراردادهای

بنظر برخی از رهبران اتحادیه های متشکل در "آلبا" (اتحادیه سراسری کارگران سوند) و کارشناسان مسائل اتحادیه ها، در پیروسی عضویت سوند در بازار مشترک و یکسانی و هماهنگی اتحادیه های این کشور با اتحادیه های اروپا، مانند بیشتر کشورهای اروپایی، بسیاری از حقوق و اختیارات اتحادیه ها در تنظیم روابط بین کارگران و کارفرماها، جای خود را به حاکمیت قوانین دولتی میدهد. به این ترتیب که دولت و قوانین و دادگاههای دولتی در مسائل فی

بقیه از صفحه ۶ گنگره تی یوسی

اولین دستور جلسه گنگره دربارہ قوانین ضد اتحادیه ای بود. اختلافات میان نمایندگان در این مورد بالاخره با يك قطعنامه با جمله بندیهای مبهم حل شد. قطعنامه طوری بود که هم جناح چپ و هم جناح راست گنگره هر دو آنرا يك پیروزی می دانستند! به این ترتیب سیاست های حزب کارگر مبنی بر لغو نکردن قوانین ضد اتحادیه ای دولت محافظه کار نه رد و نه قبول شد و قرار شد که اتحادیه خود در مورد قوانین و آئین نامه های خویش و بر اساس تصمیمات "آی.ا.او" تصمیم بگیرد. از جمله قوانین ضد اتحادیه ای دولت محافظه کار در زمان تاجپر، رد مصونیت قانونی اتحادیه ها بود. قطعنامه اعلام داشت که باید برای بازگرداندن این مصونیت مبارزه شود.

در پایان قرار شد که اتحادیه ها برای يك "مشور مستخدمین" حول حق کار، ایمنی و سلامتی کارکنان و دیگر مسائل پایه ای اتحادیه کمیتهی براه بیاندازند.

یکی از مخالفین در جناح چپ آرتور اسکاگیل رهبر اتحادیه معدنیان بود که خواهان اعتراض عمومی نظیر آنچه در مورد مالیات سرانه اتفاق افتاد گشت. او طی سخنانش گفت: "بهرتر است روی پایمان بایستیم و به این قوانین غیرعادلانه اعتراض کنیم تا اینکه با تحقیر ژانو بزیم". قطعنامه پیشنهادی اسکاگیل جهت بازگرداندن قوانین به آنچه که قبل از ۱۸۷۹ بود با اختلاف رای پایایی رد شد.

برای اولین بار پس از ۱۲۵ سال، مدیر کنفدراسیون صنایع بریتانیا یعنی نماینده کارفرماها به گنگره اتحادیه های کارگری دعوت شده بود! بحض اینکه او برای ایراد سخنرانی از جا برخاست، آرتور اسکاگیل و حدود ۴۰ نفر از نمایندگان کارگران بعنوان

پایان اعتصاب ۷ هفته ای...

به مالکیت خود درآورد و در انتظار ختم اعتصاب بود. روز ۱۵ سپتامبر، ۳ هزار کارگر اعتصابی پس از اینکه نتوانستند به مطالبه شان برای افزایش دستمزد دست یابند به تحصن خود پایان دادند و کارخانه را ترک کردند. مطالبه کارگران افزایش دستمزد در ارتباط با قیمت فروش اتومبیل جدید مدل "سینکوستو" در بازار بود که برای کمپانی فیات تولید کرده اند. قبلاً در ماه ژوئیه کمپانی فیات پذیرفته بود که دستمزدها را

مابین کارگران منفرد و کارفرماها دخالت میکنند و حکم میرانند. علیرغم استقبال

بخش قابل توجهی از رهبران اتحادیه ها از این مساله، بنظر رهبران و کارشناسان فوق تحقق این امر زیر پای اتحادیه ها را خالی میکند و کارگران را بدون پشتیبان در مقابل فشارهای دولت و کارفرماها رها میسازد. بدین ترتیب کارگران منفرد، پراکنده و امتیزه بیش از پیش در مقابل نیروی سرمایه خلع سلاح میگردند.

انقباض سازمانی اتحادیه ها

ادغام اتحادیه ها در یکدیگر، بحران مالی اتحادیه ها، لغو سوسیال و حمایت مالیاتی دولت از اتحادیهها، کاهش فونکسیونهای مختلف اتحادیه ای از جمله فونکسیون آموزش اعضا و لغو کمک ۲۵۰ میلیون کرون دولت که به همین امر اختصاص دارد، از رتوس اقداماتی است که کارشناسان دولتی در مسائل شهرداریها انجام آن را در آینده موجودیت اتحادیه ها اجتناب ناپذیر میدانند. برخی از این اقدامات از جمله پیروسی ادغام اتحادیه ها از هم اکنون در پیروسی بررسی و اقدام است. به این ترتیب، این اعضای اتحادیه ها هستند که باید مخارج و هزینه فعالیتهای کارکردهای اتحادیه ای را بپردازند. "اتحادیه ها هم اکنون سازمانها و کارکردهایی ایجاد کرده اند که هزینه های آنها را طرف مقابل یعنی کارفرماها متحمل میشوند، اما کارفرماها دیگر نمیخواهند این هزینه ها را برای طرف مقابل یعنی کارگران بپردازند. "ما تنها برای فعالیتهای محلی اتحادیه ها، آنهم در صورت موثر و مفید بودنش می پردازیم". و یا چنانکه یکی از دست اندرکاران مسائل اتحادیه ای میگوید: "ما دیگر نمیخواهیم به سرمایه داران مهربانان

اعتراض جلسه را ترک کردند. تم اصلی سخنرانی او نیاز به تبادل نظر بین کنفدراسیون کارفرماها و "تی.یوسی" و همچنین نیاز به تجدید افزایش حقوق ها همراه با افزایش تولید بود.

آرتور اسکاگیل و نمایندگان همراهش در طی سخنرانی دبیر حزب کارگر "جان ایوانز" نیز سالن را ترک کردند. این حرکت در اعتراض به رد کاندیداتوری يك فعال معادن برای انتخابات آوریل گذشته صورت گرفت.

و بالاخره یکی از مهم ترین مسائل گنگره در رابطه با اتحادیه کارگران برق بود که بدنبال اعتراضات کارگران چاپ در ۴ سال قبل از "تی.یوسی" اخراج شده بود. این اتحادیه در حال حاضر به بخش برق اتحادیه کارگران معدنی پیوسته است و قرار است که سال دیگر تمامی اعضای این اتحادیه در مورد یکی شدن دو اتحادیه رای دهند. در اینصورت آنها مجدداً به "تی.یوسی" راه پیدا خواهند کرد. قرار بود که تعدادی از اتحادیه ها با ارائه قطعنامه در مورد شرایط پیوستن این دو اتحادیه، این امر را اگرچه نه غیرممکن بلکه مشکل کنند. اما با تاکید رهبری "تی.یوسی" به "اتحاد و نه تفرقه" عملاً این قطعنامه شکست خورد.

دولت نیز تصمیم دارد که در پاییز آتی قانونی را به مجلس ارائه کند که طبق آن کارگران می توانند خود اتحادیه خود نظرفشان را انتخاب کنند و بدین ترتیب قوانین سنتی اتحادیه ها را عملاً بی معنی کنند. در گنگره بحث بیشتر حول نیاز به مبارزه علیه این قانون پیشنهادی بود. تنها اتحادیه معدنیان به اجازه ورود اتحادیه کارگران برق به "تی.یوسی" رای مخالف داد.

گنگره اتحادیه ها هیئت رهبری را انتخاب کرد و آرتور اسکاگیل موفق به عضویت در آن نشد. گنگره پس از يك هفته به کار خود پایان داد.

۳۰ درصد افزایش دهد اما پس از اینکه ۹۰ درصد کارخانه را به مالکیت خود درآورد، ادامه اعتصاب و ۳۰ درصد افزایش دستمزد را مانع مالکیت کامل کمپانی می دانست. دولت لهستان در این امر مداخله نکرد.

با اینکه کارگران اعتصابی لهستان نتوانستند به مطالباتشان دست یابند اما این اعتصاب باعث شد که اسسال کمپانی فیات ۱۵ هزار اتومبیل کمتر از برنامه سالانه اش تولید کند و کمیته تبلیغاتی وسیع آن عملاً بی حاصل شد.

متکی باشیم بلکه میخواهیم اتحادیه ای باشیم که روی پای خود بایستد.

یکپارچگی اتحادیه ها در سطح اروپا

چشم انداز موجود دیگر در برابر اتحادیه های کارگری، یکی شدن اتحادیه ها در سطح اروپاست. اگر قرار باشد که سرمایه و نیروی کار فراتر از مرزهای کشوری و در سطح اروپا در گردش باشند، چرا اتحادیه های کارگری در سطح اروپا یکپارچه نباشند. بنظر برخی از رهبران و صاحب نظران اتحادیه های متشکل در آلبا هیچگونه استراتژی غیر از این نمیتواند در آینده فعالیت جنبش اتحادیه ای در سوند متصور باشد. اگر جنبش اتحادیه ای در سطح اروپا یکپارچه نگردد، ازویا به بازیچه برآزاده سرمایه تبدیل خواهد شد.

بنظر آنان اما، از سوی دیگر بین المللی شدن اتحادیه ها، منجر به ایجاد گسیختگی و شکاف در میان اتحادیه های ضعیف و قوی میگردد، مانند شکافی که طی دهه ۸۰ بین اتحادیه های کارگران فلز و شهرداری در سوند بوجود آمد. چرا که اتحادیه های قویتر همیشه نسبت به اتحادیه های ضعیفتر و یا بیکاران همبستگی نشان نمیدهند. اتحادیه های قویتر بقیمت افزایش بیکاری در بین اعضای اتحادیه های ضعیفتر دستمزدهای اعضای خود را بالا میبرند. ممنوعیت اعتصاب در بخش خدمات، حاکمیت قوانین بجای قراردادهای بین کارگران و کارفرماها که هر دو بعنوان اجزایی از پیروسی یکپارچه شدن اتحادیه ها در سطح اروپا مطرح میگردند، از جمله نگرانیهای جدی کارگران سوند در مورد اروپای واحد و اتحادیه های کارگری در ابعاد اروپایی است.



ناسیونالیسم ایرانی بیکاری را از چشم افغانیها می بیند

محمد احمد کریم یکی از کارگران پیشروی مهاجر افغانی در ایران است. قانع جهانی همکار کارگر امروز در ترکیه با محمد احمد کریم که طی مسافرتی به ترکیه آمده بود درباره وضع کارگران مهاجر افغانی و رابطه آنها با کارگران ایران، ناسیونالیسم ایرانی، اوضاع جنبش کارگری ایران و کمونیسم گفتگویی انجام داده است که آنرا خواهید خواند.

چرا به ایران مهاجرت کردید و چه انتظاراتی داشتید؟ آیا انتظارات شما برآورده شد؟

لشکری از کارگران افغانستان بدلیل شرایط سخت زندگی به کشورهای مختلف مهاجرت کرده اند. من هم یکی از کارگران بی حقوق افغانستان هستم. مهاجرت ما برخلاف میل و اراده خود بود. زندگی انسانها بخصوص کارگران تا حال با عواقب سخت و وحشتناک روبرو بوده است. بیکاری وسیع و میلیونی مثل خورده به جان مردم افتاده است. بیکاری تا حال عوارض نگران کننده ای در زندگی ما داشته است. امید به زندگی خوب در شرایط فعلی کم است و یا وجود ندارد. مرگ و میر کودکان حد و حسابی ندارد. گرسنگی، گرانی سرسام آور، بی حقوقی، بی حرمتی و نابرابری بیداد می کند. دویین دنبال نان کار شب و روز مردم است. بیماریهای گوناگون مردم را بی حال و بی جان کرده است و خبری از درمان و بهداشت نیست، اگر هم باشد پول دارها از آن استفاده می کنند. از طرف دیگر جنگ اجتماعی هزاران بلا و مصیبت به نگرانهای جامعه اضافه کرده است. تلاشی که برای زندگی مناسب می کردم هیچ وقت حتی گوشه ای از دره هایم را درمان نمی کرد. صفوف کارگران بیش از پیش پراکنده است. در همچون شرایطی آینده خانواده ام را تارک می دیدم. می دیدم که بچه های خردسال سرتوششان مثل ما می شود. آخرین تلاشم برای زندگی خوب و انسانی مهاجرت بود.

قبلا درباره ایران چیزهایی می دانستم. بر آن اساس به طرف ایران حرکت کردم و به گرگان رفتم. وقتی وارد ایران شدم نفس راحتی کشیدم اما خیلی زود متوجه شدم که در ایران هم بیکاری وسیع، بی حقوقی، گرانی، انواع نابرابری و غیره وجود دارد و حتی برای کارگران ایران کار نیست و یا سخت پیدا می شود. بنابراین زندگی خوبی را که آرزو داشتم فراموش کردم. مدتی سرگردان بودم و بعد مشغول دست فروشی شدم. زندگی بخور و نمیری داشتم. با گذشت یک سال سخت، عاقبت از طریق یک کارگر ایرانی در شرکتی کار پیدا کردم. او همچنین خانه ارزانی هم برام پیدا کرد. مردم محل وقتی دیدند خیلی فقیرم ما را در آغوش گرفتند و بعد هم کمک کردند تا بچه هایمان وارد مدرسه شوند. آنها الان باسوادند و هر کدام شخصیت مستقلی دارند و پر توقع شده اند. از عقب ماندگی و کمبود نفرت دارند. ۶/۵ سال زندگی در ایران جدا از یکسال اول پر است از خاطرات خوب و تاریخی. هم خودم و هم بچه هایم در ایران معنا و مفهوم زندگی را بیش از پیش یاد گرفتیم. هیچ وقت ایران و بخصوص آن دوستان کارگر و زحمتکش که به ما محبت کردند را فراموش نمی کنم. به آن امید که به زودی در جمع هایشان قرار بگیریم. راستش من نمی توانم مبارزه را ترک کنم. من بینش و تفکر امروز خود را مدیون جمعی از کمونیستهای ایران می دانم.

در ایران چه برخوردی با مهاجرین افغانی میشود؟

برخورد ایرانیها متفاوت است. اولاً جمهوری اسلامی نسبت به مهاجرین افغانی و غیر افغانی و حتی برای شهروندان خود هیچ حق

و حقوق انسانی قائل نیست. اگر برای بخشی از کارگران ایران چیزی بنام قانون کار که آن هم کارگران با مبارزه خود به رژیم تحمیل کردند، وجود دارد برای مهاجرین چیزی وجود ندارد. هر مهاجر حرف از قانون کار بزند، با اخراج از ایران روبرو می شود. حتی کارگران ایرانی در ارتباط با مطالبات و حق و حقوق خود زندانی و اعدام شده اند. از نظر جمهوری اسلامی مهاجرین برده هایی هستند که باید تن به پست ترین کارها بدهند. با کاری که جمهوری اسلامی کرده تشکیلی بنام مهاجرین وجود ندارد. اگر کارگری بخواهد به این نظام اعتراض کند باید با کارگران مبارز ایران هم صدا شود. هر مهاجر یا به ایران می گذارد باید برای خود مسکن و کار پیدا کند. جمهوری اسلامی هیچ وقت در فکر مهاجرین نبوده است. اگر چه کارگران ایرانی هم بی حقوق هستند اما بی حقوق ترین کارگران مهاجرینند و بطور وحشیانه استثمار می شوند. طبعاً هدف ما از مهاجرت دسترسی به زندگی خوب بود. ما از افغانستان از جنگ، گرانی و بی حقوقی فرار کردیم. در سالهای گذشته هر کارگر افغانی بیشتر روی پای خود متکی بود اما حالا خوشبختانه این پراکندگی بتدریج دارد تمام می شود. دلیل این مسئله ارتباط دوستانه با کارگران ایرانی بوده است. ما خواهان این رفاهت هستیم و این کار را بایستی زودتر می کردیم. حالا دیگر کارگران افغانی که در محل و مراکز کارگری کار می کنند با کارگران ایرانی هم صدا شده اند و برای افزایش دستمزدها، علیه شرایط سخت کار و غیره مبارزه می کنند. اگر این همبستگی عمیق تر شود جمهوری اسلامی دیگر نمی تواند بدلیل اینکه مهاجرین بر ما فشار آورد. مسئله دیگری که به افغانیها فشار می آورد پدیده ارتجاعی ناسیونالیسم ایرانی است. این پدیده ارتجاعی نه تنها ما افغانیها را روزانه تهدید می کند بلکه از راههای مختلف می کوشد روی جمهوری اسلامی فشار آورد تا مهاجرین را از ایران اخراج کنند. ناسیونالیسم ایرانی بیکاری، گرانی، بی حقوقی را از چشم افغانیها می بیند. همین پدیده ارتجاعی حالا در اروپا و غیره به اسم راسیسم عمل می کند. من فشار ناسیونالیسم بر افغانیها را از یک طرف بعلمت فقدان تشکیلهای کارگری ایران و از سوی دیگر لاقیدی و بی تفاوتی بخش زیادی از خود کارگران افغان می دانم. این فشار و بی حقوقیها ما با همبستگی کارگران ایران و مهاجرین افغان و اعتراض هر دو خاتمه می یابد. اگر روزهای اول افغانیها تن به پست ترین کارها نمی دادند حال با پشتیبانی زیادتری از طرف کارگران ایران روبرو می شدند. حال هم دیر نشده باید این کار را کرد و به شرایط زندگی موجود اعتراض داشت. بی شک در این راه تنها نخواهیم ماند و در آغوش گرم کارگران وسیعی قرار خواهیم گرفت. با هر درجه ای که افغانیها با کارگران و انسانهای شریف جوش خورده باشند به آن میزان زمینه این حرکت سریعتر شده است. اگر چه متأسفانه این مسئله تا حال اکثریت افغانیها و ایرانیها را در برنگرفته است اما از طرف کارگران آگاه و مبارز و بخصوص کارگران سوسیالیست کم کم جو و فضای دارد شکل می گیرد که برادری و هم سرنوشتی در آن علنا و عملاً ثابت شود. جو و فضای موجود در دنیای رفاهت توانسته سطح فرهنگ کارگران افغانی را نه تنها بالا ببرد بلکه آنها در مراکز کار به اعتراض و مبارزه در دفاع از مطالبات کارگری خود برخاسته اند. اگر تضاد بین کارگران ایرانی و افغانی هست، باید آنرا از دو زاویه دید. اول ناسیونالیسم ایرانی نمی خواهد قد و قیافه خارجیها را ببیند. آنها احساس می کنند خارجیها نان آنها را می خورند. دوم اینکه خود افغانیها از روی شرایط سختی که در افغانستان داشتند و وجود بیکاری وسیع در ایران، هنگامی که کار پیدا می کنند چانه نمی زنند. وجود این مسئله احساسات ایرانیها را جریحه دار

کرده است. اما تنها افغانیها نیستند که تن به کار پست و دستمزده کم می دهند. لشکری از بیکاران ایران همین کار را می کنند. به دلایلی که گفتم برخوردها نسبت به مهاجران افغانی متفاوت است. اما من به همبستگی بیشتر کارگران افغانی و ایرانی زیاد امید بسته ام. امیدوارم کارگران سوسیالیست ایران با دخالتگریشان بتوانند با یک یک افغانیها در سنگری متحد علیه سرمایه داری قرار گیرند.

از زندگی و وضعی که در ایران داشتید رضایت دارید؟

اوضاع زندگی من بعنوان مهاجر که ۶/۵ سال در ایران زندگی کردم قطعاً منعکس کننده شرایط زندگی اکثر مهاجرین افغانی در ایران نیز هست. در بطن اوضاع و احوال فعلی ایران و با وجود نکیت جمهوری اسلامی انسانهای شریف روزی صد بار می میرند و زنده می شوند. طبعاً فشارهای موجود بیشتر روی مهاجرین متمرکز می شود. در چهار گوشه ایران بیکاری، بی مسکنی، گرانی، نابرابری، اعدام، زندان و گرسنگی بیداد می کند. اعتراضات ضد رژیم هیچ وقت با وجود آن همه فشار پلیسی خاتمه نیافته است. قیمت مایحتاج زندگی در برابر درآمد روزانه کارگران آسمان تا زمین فرق دارد. بدلیل وضع خراب زندگی خانواده ها مجبور شدند بچه هایشان را از ادامه تحصیل محروم کنند. لشکری از کودکان روزانه دنبال کار در حرکت هستند و بطور وحشیانه استثمار می شوند. خانواده ها برای خودشان تقسیم کار کرده اند یکی در صف روغن و قند، یکی در صف نان، یکی دنبال کار و دیگری مشغول بافند و غیره هستند. نگاه که می کنید اکثریت جامعه روزانه دنبال نان هستند اما آنچه را که می یابند حتی جواب گوشه ای از زندگی بخور و نمیر را نمی دهد و هنوز گرسنه اند. دیگر باید از خیر تفریح بچه ها و غذای خوب گذشت، البته خیلی ها مدتهاست از خیر تلوزیون، یخچال و حتی در هفته یک وعده گوشت گذشته اند.

در چنین شرایطی زندگی مهاجرین طبعاً سخت تر است. برای مهاجر اولاً کمتر کار پیدا می شود و دوماً اگر پیدا شود سیاه است. وضع مهاجرینی که کار ثابت دارند و یا در شرکتها بطور فصلی کار می کنند به نسبت دست فروشا بهتر است. زندگی من هم در ایران خارج از این وضع نبود. شرایط سخت زندگی مجبورم می کرد شبها دست فروشی کنم و روز هم به شرکت بروم و به این صورت زندگی بخور و نمیر خود را تامین می کردم. اکثر وقتها شام و نهارمان تخم مرغ، سیب زمینی، آش و ماست بود و در هفته یک یا دو بار برنج و گوشت می خوردیم. سن واقعی من ۳۰ سال است اما ۴۵ ساله و حتی بیشتر بنظر می رسم. شرایط زندگی در ایران برای کارگران خارجی و غیر خارجی سخت است. هیچ خانواده کارگری را پیدا نمی کنید که از زندگی اظهار رضایت کند. اما آنجا که بیسوا اطرافیان و بخصوص با کارگران پیشرو مراد اجتماعی داشتیم و سر مسائل مختلف مشورت و صحبت می کردیم از آن جو پر از رفاهت اظهار رضایت می کنیم. در این روابط و مناسبات خیلی چیزها یاد گرفتیم و حال از آنها در زندگی خود و خانواده ام بعنوان دوره ای لذت بخش همیشه یاد می کنم.

به کارگران افغانی می گویند اعتصاب شکن. نظرت در این مورد چیست؟

اولاً چنین صحبتی در جنبش کارگری مطرح نیست و کارگران سوسیالیست هم وقت خود را صرف این حرفها نمی کنند. حال بیش از نیش کارگران افغانی و ایرانی دوستی و برادری خود را بیشتر کرده اند. کم کم ذهنیت های غلط در مورد افغانیها دارد به حاشیه رانده میشود. حال بخش زیادی از مهاجرین افغانی در ایران خود را با دیگر کارگران این کشور همسرنوشت می دانند و

برای رسیدن به زندگی خوب و انسانی با همدیگر مشورت و تبادل نظر می کنند و در مبارزه و اعتراض کارگران ایران شرکت می کنند. کارگران افغانی هر چند به لحاظ سیاسی و مبارزاتی عقب تر از کارگران ایران هستند، اما مهاجرت آنان به این کشور و آن کشور باعث شده آنان هم بیشتر روی نیروی مبارزه جمعی متکی باشند. بدینوسیله تلاش می کنند بیشتر اطرافیان خود و بخصوص کارگران مبارز را بشناسند. امروز می بینید اکثر مهاجرین افغانی نسبت به جمهوری اسلامی و سرمایه داری نفرت دارند. انگیزه مبارزاتی و کمونیستی در بین آنان زیادتر شده است. کارگران سوسیالیست باید به این نیرو توجه کنند و برای متشکل کردن آنان تلاش کنند. قضاوت کورکورانه نه تنها به اتحاد ما کمک نمی کند بلکه ذهنیت های غلط را نسبت به مهاجرین تقویت می کند. مهاجرین افغانی دارای هیچ حق و حقوق انسانی نیستند. به انسان بودن آنان روزانه اهانت می شود. آنان از روزی که پا به ایران و یا جای دیگر می گذارند هر کدام سر از شهری در می آورند و هزار و یک مشکل دارند. کسی که خیلی طرفدار اعتصاب است بیاید به مهاجرین کمک کند و آنها را به نیروی مبارزه اضافه کند. آنان مشکل نان، مسکن و شغل دارند. تحقیر می شوند. تا حال هیچ تشکیلی کارگری نبوده که به آنان کمک کند و رهنمود بدهد. بنابراین اگر در چنین دنیایی بدلیل گرسنگی تن به اضافه کاری و شبکاری با کمترین حقوق می دهند و بله هم به صاحب کار می گویند، دلیل خود را دارد. این اعتصاب شکنی نیست.

لشکری از کارگران بیکار ایرانی در میدانها در برابر همدیگر قیمت شکنی می کنند تا کاری پیدا کنند. صاحب کاران هر وقت در کارگاه و کارخانه ای بخواهند کارگر مبارزی را اخراج کنند از این بیکاران استفاده می کنند و تا حال هم کرده اند. اگر اینطور باشد کارگران ایرانی هم اعتصاب شکن هستند. بنظر من اینطور قضاوت کردن نادرست و غلط است. اگر وضع اینطور است ضعف ماهاست و باید به آن اعتراف کنیم. کارگران سوسیالیست در این میدان مبارزه نقش مفیدی می توانند بازی کنند. باید کارگران بیکار و دست فروش و غیره را متوجه این واقعیت کرد که این شیوه راه حل داشتن زندگی خوب نیست. این نیرو باید با خواست کار، شغل، بیمه بیکاری و قانون کار کارگری دور هم جمع شوند، تشکل خود را بوجود آورند و به این شیوه راحت می توانند مطالبات خود را به هر کسری نشانند. راه حل رفع گرسنگی، بیکاری و پراکندگی در همین حرکتها امکانپذیر است.

بعنوان یک کارگر مبارز افغانی که ۶/۵ سال در ایران کار و زندگی کردید می توانید درباره جنبش طبقه کارگر ایران و مسائل مربوط به آن صحبت کنید؟

جنبش طبقه کارگر ایران جنبش زنده ای است و همیشه شاهد مبارزاتش در گوشه و کنار ایران هستیم. متأسفانه در حال حاضر پراکنده است و آمادگی صف آرایی در مقابل بورژوازی کشور خود را ندارد. جنبش کارگری ایران در حال حاضر درگیر مسائل اقتصادی و مطالبات مربوط به آن است. قوانین و نظام حاکم بر ایران تا حال یکی از جدی ترین موانع تشکل یابی کارگران بوده است. مبارزه برای تشکیلهای کارگری در ایران از نظر جمهوری اسلامی جرم سیاسی است. در این جدال طبقاتی تا حال کارگران زیادی دستگیر و اعدام شده اند. کارگران ایران از هر گونه تشکل واقعی خود محروم هستند. ایجاد تشکیلهای کارگری در ایران برای جمهوری اسلامی قابل تحمل نیست. قوانین سیاه سرمایه در ایران با جنایت، اعدام، دستگیری و شیوه ها و شگردهای دیگر تا حال توانسته کارگران را پراکنده نگاه دارد. با وجود تمام این اعمال ضد کارگری هنوز مسئله تشکل مطرح است و بارها بعنوان ضرورتی سیاسی و اقتصادی در شرایط فعلی مطرح شده است و برای آن اعتصاب و اعتراض راه افتاده است. البته موانع ایجاد تشکیلهای کارگری تنها تنها به قوانین جمهوری اسلامی مربوط نیست، بلکه گرایشهای اجتماعی و غیر کارگری هم در جنبش کارگری عمل می کنند. ناسیونالیسم

ایرانی به شیوه های مختلف گاردگیری می کند. می گوید افغانیها و خارجیها نان ما را خوردند. کار ارزان می کنند. این گرایش ارتجاعی راستش مسئله اش دستمزدها و افزایش آن نیست. بلکه از خارجیها نفرت دارد. عین پدیده راسیسم عمل می کند. اختلاف شیعه و سنی و روشنفکر بازی و غیره گوشه ای دیگر از این موانع است. فعلاً تنها گرایش که مطالبات کارگری را جدی گرفته گرایش سوسیالیستی کارگری است. متأسفانه این گرایش هنوز غالب نیست ولی اگر به این شیوه که هست پیش برود امید به پیروزی بیشتر خواهد شد. من فکر می کنم اگر در بطن مبارزه فعلی برای مطالبات اقتصادی جنبش کارگری بتواند به تشکیلهای واقعی برسد، آن زمان لاقیدی، بی تفاوتی، محافظه کاری و دست روی دست گذاشتن خود بخود از بین خواهد رفت. و این بار در تشکیلهای کارگری نیروی وسیعی ثبت نام خواهند کرد و به مبارزه جدی تری تن خواهند داد. حال صاحب کاران از تنها گرایشی که ترس و وحشت دارند نیروی سوسیالیستی کارگران است. من جنبش کارگری ایران را جدی می دانم و خودم از این جنبش چیزهای بسیاری آموختم و تجارب زیادی کسب کرده ام. من دوره ای کمونیسم را در سطح زندگی خوب و دمکراسی می شناختم اما زمانی که یک بعنوان استثمار شونده با کارگران سوسیالیست ایران صحبت می کردم متوجه شدم که کمونیسم چیزی دیگری است. فکر می کنم اگر شرایط موجود اروپا در ایران عمل می کرد بی شک صف سوسیالیستی کارگران نیروی اجتماعی وسیعی را پشت سر خود بسیج می کرد. نه تنها به سرنگونی رژیم می انجامید بلکه نظام سرمایه را زیر و رو می کرد. کارگران اروپا باید از فرصت زیادت استفاده کنند. من مخالف هیچ نوع تشکیلی کارگری نیستم اما مانند در سطح اتحادیه ای آن هم با آن سیاست و برنامه ای که دارد، کارگران را ناامید می کند. اتحادیه ها روز به روز نیرو از دست می دهند و این دلیل سیاسی و اقتصادی دارد. کارگران اروپا در فضای باز سیاسی باید به مبارزه سیاسی و مطالبات وسیعتری بپردازند. در جا زدن ماندن در اتحادیه بدون اینکه دردی از دردهای کارگران جواب بدهد را باید ضعف اساسی آنها دانست. با توجه به سیاست و برنامه اتحادیه ها احساس می کنم از زمین تا آسمان از منافع کارگران دور هستند. باید آنرا تغییر داد و به مطالبات اساسی کارگران جواب داد. حال جنبش کارگری ایران ایده شورا را مطرح کرده است و فکر می کنم شورا و سنتهای آن نیروی وسیعی را پشت سر خود بسیج می کند. کارگر ایرانی هر چند زیر فشارهای وحشیانه اسلامی قرار دارد اما مطالبات بسیاری را مطرح کرده است. همه ما شاهد قانون کار ضد کارگری جمهوری اسلامی هستیم.

چندین بار از ترس مبارزه کارگران آنرا تغییر دادند. آنهم در شرایط فعلی ایران. فکر می کنم اگر مبارزین سوسیالیست ایران در حال حاضر بر مشکلات فعلی فائق آیند روند مبارزه برای آینده جنبش کارگری جدی تر و قاطعتر خواهد شد و رسیدن به مطالبات کارگری و تشکیلهای پر قدرت امکان پذیرتر خواهد شد. به آن امید که این حرکت سریعتر عمل کند.

در حال حاضر دنیای سرمایه داری شکست کمونیسم را چار می زند. آیا شما از کمونیسم دفاع می کنید؟

بله، من از کمونیسم دفاع می کنم و به موجودیت آن ایمان دارم. نه تنها از کمونیسم دفاع می کنم بلکه برایش فعالیت می کنم. آنچه سرمایه داران چار می زند روی مشغله بخش زیادی از انسانها سنگینی می کند. باید شما هم متوجه شوید آنچه شکست خورد یکی از سیاستهای سرمایه دارن یعنی سرمایه دولتی و سوسیالیزم بورژوازی بود. موجودیت کمونیسم و حقانیتش پا برجاست. کمونیسم همین اعتراض من و تو است. شکست سوسیالیزم بورژوازی و آلترناتیو آن نظم نوین و بازار آزاد فعلاً توانسته جامعه را سرگردم کند. این هم مدت کوتاهی عمر خواهد کرد.

مسعود رازی از دست اندرکاران نشریه آلمانی زبان پیک کارگر هدف ما ایجاد یک پشتیبان فعال در آلمان برای جنبش کارگری ایران است

نشریه "آریایتر کویر" - ایران (پیک کارگری) از ژوئیه سال ۱۹۹۰ تاکنون ماهانه، با تیراژ ۱۰۰۰ - ۷۰۰ و به زبان آلمانی منتشر شده است. این نشریه که مطالبش اساسا درباره جنبش کارگری ایران است در آلمان برای بیش از ۱۰۰ اتحادیه کارگری، نشریه، گرایش و سازمانهای چپ و متمایل به چپ جنبش کارگری ارسال می گردد و همچنین در چند شهر آلمان از طریق شبکه کتابفروشی های چپ و آلترناتیو به دست علاقه مندان می رسد. این نشریه که تا کنون ۲۲ شماره از آن منتشر شده است، مجانا در اختیار علاقمندان قرار می گیرد و هزینه انتشارش توسط دست اندرکاران آن و کمک مالی دوستدارانش تامین می شود. با مسعود رازی که از دست اندرکاران انتشار نشریه پیک کارگری است درباره اهداف، تاثیرات و آینده این نشریه گفتگویی داشته ایم که آنرا خواهیم خواند.

چطور شد بفکر انتشار این نشریه افتادید؟

با انتشار نشریه کارگر امروز به این فکر افتادیم که با اتکا به مطالب آن، یک نشریه بزبان آلمانی منتشر کنیم. البته قبلا نیز این فکر و نیاز احساس می شد که می باید بطور مرتب مسائل جنبش کارگری ایران را با افکار عمومی محل در میان گذاشت. انتشار کارگر امروز در واقع به ما قوت قلب داد که از لحاظ منبع خبر و اطلاعات در مضیقه نخواهیم ماند.

مطالب آنرا چگونه انتخاب می کنید؟

ما در انتخاب مطالب به موضوعاتی توجه

می کنیم که جنبه های زندگی و مبارزه کارگران ایرانی را برای خواننده آلمانی زبان می تواند روشنتر کند. در عین با انعکاس اخبار مهم کارگری نظیر مبارزات کارگران صنعت نفت سعی داریم جنبه های عمومی تر و کلی تر زندگی و دنیای کارگران مثلا قانون کار و یا تاریخچه اول ماه مه، ساعات کار و غیره را انعکاس دهیم. بعلاوه مباحث پایه ای گرایش سوسیالیستی در جنبش کارگری ایران را نیز انعکاس داده ایم. بنظر ما مهم است که خواننده و فعال کارگری در اینجا بدانند از نظر ذهنی در جنبش کارگری و سوسیالیستی در ایران چه می گذرد و برای معضلات پیش رو چه راه حلهایی ارائه می شود.

آیا خودتان مطلب اورژانسی هم برای نشریه می نویسید؟

بله، مثلا هنگامی که مسائلی در رابطه با ایران حاد میگردند و لازم است فوراً اطلاعاتی را در نشریه مان درج کنیم. بطور نمونه سال گذشته در زمان شایع شدن خبر سفر رفسنجان به آلمان مطالبی راجع به پرونده جنایتهای این رژیم منتشر کردیم و یا هنگام بالا گرفتن موج حملات تنونزها به خارجیان مطالبی نوشتیم.

هدفتان از انتشار این نشریه چیست؟

هدف ما از انتشار این نشریه مطلع کردن افکار عمومی بطور اعم و اتحادیه ها و جریانهای کارگری بطور اخص در مورد وضعیت زندگی و مبارزات کارگران در ایران است. و امیدوار بوده ایم که از این طریق پای جریانهای کارگری آلمان را به مسائل کارگری ایران باز کنیم. هدف ما ایجاد یک پشتیبان فعال در آلمان برای جنبش کارگری

نسبت به جنبش کارگری ایران از طریق انتشار این نشریه است. البته در این مورد تحلیلها و نظرات گوناگونی ابراز می شود و من اینجا قصد دفاع و یا جانبداری از تحلیل و یا نظر معینی را ندارم. ولی می خواهم تاکید کنم که همه کسانی که مستقیم دست اندرکار نشریه هستند و یا کسانی که غیر مستقیم به آن یاری رسانده اند و سرنوشت آن را دنبال می کنند لزوم تغییر کیفیت در نوع فعالیت آن را می بینند. بنوعی همه به این رسیده ایم که انتشار نشریه تنها برای ایجاد رابطه نزدیک میان کارگران آلمان و ایران کافی نیست. باید کارهای دیگری نیز کرد. حالا اینکه آیا این نشریه باید تبدیل به چیز دیگری شود و یا دیگرانی باید برای انجام کارهای جدیدتری مثلا کمیته های همبستگی با کارگران ایران یا جلو بگذارند و از امکانات تاکتونی این نشریه استفاده کنند و غیره سئوالاتی هستند که باید در پروسه کار جواب بگیرند.

چگونه می توان با نشریه شما همکاری کرد؟ چگونه می شود به آن کمک کرد؟

بطور عموم تقاضای ما از کلیه کسانی که نشریه ما را دیده و آن را مفید تشخیص داده اند این است که از طریق آدرس پستی مان با ما تماس گرفته و کمک کنند که این نشریه هر چه وسیعتر بدست خوانندگانش برسد. بطور ویژه کمکی که ما از شما یعنی کارگر امروز انتظار داریم این است که در حد توان خود بکوشید تا بتوانیم ملزومات تحول این نشریه به یک کار با کیفیت جدیدتر را فراهم کنیم. چیزی که در حال حاضر فکر ما را بخود مشغول می کند این جنبه مسئله است و نه کمکهای تکنیکی و غیره.

Postfach 201821,
2000 Hamburg 20,
Germany

پراکنده است و به حرکتی جهانی تبدیل نشده ولی مراحل این روند را طی می کند. فکر می کنم چینی که بعد از شکست سوسیالیسم بورژوازی دارد شکل می گیرد از همین اوائل نشان داده که شایستگی رهبری حرکتی جهانی را دارد. بنظر فعالین این دوره تواناتر و با تجربه تر از بلشویکها هستند. تذکر یک نکته را لازم می دانم. خیلیها می گویند ما هم این را دوست داریم اما از خود هیچ حرکتی نشان نداده ایم. این درست است کجامعه می شویم، ولی باید برای امروز حرف داشت و زندگی انسانی داشت. اگر اینطور است هر دو بدون مبارزه و حرکتی جمعی امکان پذیر نیست. تلاش دسته جمعی ما روند این حرکت را سریعتر خواهد کرد و در این میان رهبران کارگری با دست بازتری در سازماندهی مبارزه فعالیت خواهند کرد. شاید کسی پیدا شود و بگوید اینها خوش خیالی و خود را می بیند. به این حرفها نباید گوش داد. ببینید ما هر کدام عضوی از این جامعه هستیم. طبعاً با سنتها و مردم آن آشنا هستیم و سر مسائل زندگی و غیره با همدیگر به مناسباتی مختلف حرف زدیم و می زنیم. بجز مزدوران و نیزه بدستان سرمایه چه کسانی هستند که از حکومتی موجود در دنیا اظهار رضایت کنند. مگر روزانه هزاران بار اعتراض علیه آنها را بگوش نمی شنویم. مگر علیه آنها مبارزه و حرف نیست. جدا از این مگر شاهد زندان، اعدام، مرگ و میر، سرکوب، وحشیگری و جنایت نیستیم. این حکومتها اگر به سر نیزه و اعدام متکی نبودند آیا تا حال زند می ماندند. با وجود اینها هم تا حال حکومتهای وحشی بسیاری را زیر و رو کرده ایم و باز هم می کنیم. از هر انسانی می پرسید چه می خواهید می گوید زندگی انسانی در همین امروز و در آینده. ببینید کدام قوانین و چه حکومتی می تواند به این خواست جواب مثبت دهد. کارگران و انسانهای شریف پرتوچتر شده اند و فقط به زندگی خوب رضایت نمی دهند. آنان خواهان برابری تمام انسانها هستند. قوانین و حکومت همین انسانها می تواند مالکیت خصوصی را از بین ببرد. پس زنده باد حکومت کارگران.

جنبش سندیکایی در ایران

بازار از نظر اهمیت، اقدامی است مهمتر از اعتصاب عمومی. در آخر استاندار امتیازاتی بسود حزب کارگری قائل شد و مسئله خاتمه یافت.

در سایر مناطق ایران، اتحادیه های کارگری مطابق همان روش تهران سازمان داده شده اند. نیرومندترین در میان آنها عبارتند از اتحادیه کارگران و کارمندان شیلات دریای مازندران. این اتحادیه ۵ هزار عضو دارد. تعداد معمولی کارگران در حدود ۹ هزار نفر است. در رشت، انزلی و قم و غیره نیز اتحادیه کارگری وجود دارد. در مجموع در ایران ۲۰ هزار کارگر سازمان داده شده وجود دارد. چنین انکشافی برای اتحادیه های کارگری، وضع اقتصادی بسیار سختی را که کارگران ایرانی با آن دست یگریانند، توضیح می دهد. اتحادیه های کارگری ایران، علیرغم جوانی شان، در نیمه دوم سال ۱۹۹۱ چندین اعتصاب بسیار موفق سازمان دادند. از آنجمله باید اعتصاب خبازان، کارگران چاپخانه ها، کارگران ریسندگی ها، پست و تلگراف و تلفن را یاد کرد. در انزلی اعتصاب کارگران بندر سازمان داده شد. همه این اعتصابات ماهیتی صرفاً اقتصادی داشتند. و اما در مورد اعتصاب معلمان (ژانویه ۱۹۹۲) که ۲۱ روز بطول انجامید، این اعتصاب سرانجام شکل یک نمایش واقعا سیاسی علیه دولت را بخود گرفت. دولتی که بدت ۶ ماه پرداخت حقوق آنان را متوقف ساخته بود. نمایشات بدت سه روز ادامه یافت. در این تظاهرات دانش آموزان نیز به تعداد زیادی شرکت داشتند. هیجان عمومی در تهران بعد اعلای رسیده بود. عاقبت دولت شتافت و به معلمان وعده داد حقوق آنانرا بپردازد. ولی دیگر بسیار دیر شده بود. یک تظاهر عظیم، که در تاریخ ایران نخستین نمایش بزرگ بحساب می آید، موضوع کابینه قوام السلطنه را که از قبل متزلزل بود درهم کوفت و وی را مجبور به استعفا ساخت. کابینه لیبرال مشیرالدوله جای وی را گرفت و قول داد که یک سلسله اصلاحات رادیکال را متحقق سازد. با اینکه اتحادیه های کارگری در ایران از شخصیت حقوقی برخوردارند، مقامات دولتی موانع بسیار بر سر راه انکشاف آنها ایجاد می کنند. این مریبان (مستشاران) اروپایی هستند که بیش از همه در این مورد سرکوب شدید را بمورد اجرا می گذارند. یک سوندلی بنام مولیتور که مدیر پست و تلگراف است، توانست انحلال موقتی اتحادیه کارمندان اداره تلگراف را فراهم آورد و سپس کوشید پستچیان را نیز مشمول همین سرنوشت سازد.

این مبارزه ای طولانی بود. پستچیان جزوای علیه مولیتور منتشر ساختند و برکناری وی را خواستار شدند. مسئله در مجلس مطرح گردید. دولت جانب فونکسیونر خود را گرفت. اتحادیه های کارگری بکار تهیچی خود ادامه دادند. در این زمان کابینه قوام السلطنه طی تصویبنامه ای شرکت کارمندان دولتی در اتحادیه های کارگری را ممنوع ساخت. این تصویبنامه خشم و نفرت توده های مردم را برانگیخت و به سقوط کابینه منتهی شد. بدین سان اتحادیه های کارگری ایفای نقش نسبتاً قابل ملاحظه ای را در زندگی سیاسی ایران آغاز می کنند. دفتر مرکزی اتحادیه های کارگری که در نوامبر ۱۹۹۱ پایه گذاری شد، اکنون مشغول سازماندهی کارگران معادن نفت جنوب ایران، کارگران روزمزد و همچنین کارگران سایر رشته هاست. دفتر مذکور وظیفه سنگینی بعهده دارد. سازماندهی توده ها در کشور عقب افتاده ای چون ایران که اوضاع و احوال ویژه زندگی، شیوه های سازماندهی ویژه ای را می طلبد که نسبت به آنچه پس از دهها سال فعالیت سندیکایی در کشورهای اروپایی متداول گشت، تا حدی متفاوت است.

ما امیدواریم که با حمایت بین الملل سندیکاهای سرخ، جنبش سندیکایی ایران وظایفی را که در برابر دارد، با موفقیت انجام برساند.

بقیه از صفحه ۸

ناسیونالیسم ایرانی بیکاری را...

سرمایه داران هر کاری کنند و هر آلترناتیوی بیابند نخواهند توانست از دست ما فرار کنند عاقبت آنان را به گور می اندازیم. من کمونیسم مارکس را می خواهم و آنرا با زندگی و آینده خودم و تمام بشریت همخوان می دانم. هم سرنوشتان کارگر ما باید بداند و خوب درک کنند مدلی که شکست خورده و امروز جایش را به بازار آزاد داده تمام الگوهایش متمرکز روی استثمار ما، نابرابری، بی حقوقی و بردگی است. شکست سوسیالیسم بورژوازی قابل پیش بینی بود. اگر شکست آنرا اعلام نمی کردند خود جامعه وجودش را نمی خواست. قبل از اینکه کارگران برای نابودیش اقدام کنند سرمایه داران نابودش کردند و اسم کمونیسم را روی آن گذاشتند. در حال حاضر نباید ناامید شد.

مسائل و سئوالات زیادی در برابر ما قرار گرفته است و باید پای عملی کردن آن رفت. مدلهای سرمایه داری و تغییرات پشت سر هم آن جواب به مشکلات ما نیست، بلکه تعرضی است به منافع ما کارگران. جواب به زندگی انسانی ما و دنیای ما بدست خودمان امکانپذیر است. این دنیا مبارزه جدی همگی ما را می خواهد. کمونیسم هیچ وقت خاصیت خود را از دست نخواهد داد. تا سرمایه داری، تا استثمار، تا نابرابری وجود داشته باشد این جدال اجتماعی هست. اگر امروز نیروی اجتماعی ما پراکنده است و در دوره های مختلف ضربه خورده است بالاخره دهه آینده طبقه ما جوهری خواهد بود که دیگر استثمار شوندگی ای نخواهد توانست آنرا تحمل کند و دست روی دست بگذارد. بیکاری، فحشا، خودکشی، مرگ و میر کودکان، نابرابری، بی حقوقی و گرسنگی را نگاه کنید، بی شک روز به روز به آن اضافه می شود. حال اقلیتی از انگلها بهترین زندگی را دارند بدون اینکه کاری کرده باشند. ما هم این زندگی را خواهیم. همین امروز هم اعتراضات علیه

نظم و قوانین موجود است. جواب به اینها را فقط کمونیستها دارند. از بین بردن سرمایه داری و برقراری برابری، من فکر می کنم انسانها بیش از پیش به این دنیای انسانی احتیاج دارند و برای این امر نیروی اجتماعی خود را بسیج خواهند کرد. اما در درجه اول این حرکت بستگی به دامنه فعالیت و دخالتگری کارگران سوسیالیست دارد که در ابعاد وسیعی حضور یابند. کارگران و رهبران پر نفوذ در سراسر دنیا باید در این دوره بکوشند تشکلهای زنجیره ای بوجود آورند و جنبش اعتراضی وسیعی را نمایندگی کنند. اگر طبقه کارگریم و نیروی محرکه انقلاب هستیم و دنیا روی پای ما ایستاده و اگر به نظام موجود اعتراض داریم از این طریق نابرابری را ریشه کن خواهیم کرد، که اتحاد بین المللی کارگری بوجود آید. نیروی حرکت هست ولی قبل از هر چیز باید پای گیر و گرفتهای امروز رفت و آنرا جواب داد. تشکل بین المللی کارگری ما ضرورتی است که باید دنبالش رفت. من به این حرکت اعتقاد دارم و برایش تلاش می کنم. شاید کسی بگوید این خیال است و در برابر ما استدلال کند که آن انگلها ارتش سرکوبگر دارند و مجهز به اتم و لیزر هستند. و شاید هیروشیما و ناکازانی را برای استدلال خود سنگ محک قرار دهند. واقعیتی است که سرمایه هیچ رحمی ندارد و تا حال هم رحمی نکرده است. همین امروز هم زندان و اعدام وسیعی هست. اما راستش نفرت کارگران محکمتر از آن خیالهایی است که سرمایه می کند. تحولات دنیا تا امروز ثابت کرده که آنها در برابر نیروی متشکل هیچ هستند.

بعنوان آخرین سئوال چه مورد نظر شما امروز در چه موقعیتی قرار دارد و آینده اش را چطور می بینید؟

فکر می کنم این سئوال ساده ای نیست. بررسی موقعیت امروز چپ یعنی کمونیسم اصیل کارگری در دنیا بحث جدایی است. اما در پاسخ به سئوالتان مختصراً مواضع خود را بیان می کنم و امیدوارم در آینده مفصل تر در این مورد صحبت کنیم. لازم است جوانب این مسئله را دسته بندی کرد.

"چتین اوی قوی" رهبر اتحادیه معادن ترکیه و از فعالین دیسک رهبری دیسک در حال دور شدن از طبقه و رفتن بسمت رهبری بوروکراتیک است

شدند و از طرف دیگر بیشتر راه حل مشکلات اقتصادی و سیاسی دولت را هموار می کردند و هدفشان نهایتا ساکت کردن طبقه کارگر و زحمتکش بود. حقیقتا گردانندگان این نظریه جدا از طبقه کارگر که همواره با مسئولین دولتی، برگزاری جشن همبستگی جهانی کارگران را تا کنج سالنها عقب برده بودند روشن ساختند که این مراسم را اجبارا برگزار می کنند.

امروز ما در عصری بسر می بریم که گرایشات ناسیونالیستی و مذهبی در بهترین شکل خود گلوی همدیگر را پاره می کنند و خونریزی راه می اندازند. کارگران در سنیکاها، در حزب و در دولت "شوری" هیچ شرکتی نداشتند. بعد از فروپاشی آن حرکتهای ناسیونالیستی وارد میدان شده اند و تحت لوی "نظم نوین جهانی" و تقسیم خاک خون مردم را جاری می کنند. کارگران و سوسیالیسم را مورد آماج حملات خود قرار می دهند. بنابراین برای برابری و برادری مردم و طبقه کارگر باید با اندیشه "نظم نوین جهانی" به مخالفت برخیزیم و اول ماه مه باید در اوج مبارزه و تبلیغ برادری و همبستگی طبقه صورت گیرد.

در ترکیه نیز چنین مطالبه ای در مورد ترکها و کردها صدق می کند. در واقع امپریالیسم برای خروج از بحران "نظم نوین جهانی" را بوجود آورد، در چنین فضایی ضرورت دارد طبقه کارگر و زحمتکش در مقابل با آن، با صدای رسا و در سطح اجتماعی، در اول ماه مه فراخوانهای برابری و همبستگی بدهد. همچنین مطرح ساختن مطالبات دمکراتیک اقتصادی و سیاسی کارگران نیز در مراسم اول ماه مه از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

تمام این موارد در محیط کار و زندگی کارگران در سطح گسترده ای بیان شده است. ضروری است کارگران، حقوق یگیران، اصناف و جوانان در اول ماه مه امسال با شرکت وسیع امپریالیستی سرمایه داری و مدافع حقوق برادری انسانها باشند. از بیکاری به کار، از بیسوادی به آموزش و از بی تشکلی به تشکیلات و دستیابی به فضای سالم دمکراتیک، مطالباتی هستند که به نظر ما باید در میدانهای مراسم اول ماه مه مطرح گردند.

در این صورت، چرا "دیسک"، ترک ایش و "حق ایش" در اول ماه مه مشترکا شرکت می کنند؟

دیسک بعلت محاکمات طولانی و ممنوع بودن فعالیتش دخالت در مسائل روزانه کارگران را تازه آغاز کرده است. در چنین شرایطی مجبور است بدو گرد و خاکی را که بر روی مقوله هایی چون سنیکا و

مبارزه متحدانه و همبسته کارگران تقریبا حالت پایدارتری بخود گرفته است و برای پیگیری مبارزه و مطالبات، فعالیتهای گسترده ای آغاز گردیده است. پیشنهاد و فعالیتهای کمیته های کارخانه و شوراهای کارگری و متشکل شدن به این طریق، دیگر امروز موثر بودن و عملی بودن خود را به اثبات رسانده است. کارگران شوراها را مغز و کمیته ها را قلب تشکیلات طبقاتی خود می دانند و در سطح وسیعی در محل کار مانند یک مجلس دور هم جمع می شوند. بنابراین یک واقعیت عینی است که از این طریق سنگ زیر بنای سنیکاها پی ریزی می شود و سنیکاها کارگران بر روی پایه های آن در حال شکل گیری هستند. کارگر آموزشی طبقاتی خود برای ساختن سنیکا و تجربه های لازم برای متشکل شدن اولیه را در محل کار خود از این راه کسب می کند. رهبران مبارز سیاسی و اقتصادی کارگران نیز از همین مکانها سر بلند خواهند کرد. چنین تشکلی در زیر بدترین شرایط نیز موجودیت خود را حفظ خواهد کرد، در مقابل وقایع، پیش آمدها و کودتاهای فاشیستی، دیگر سنیکاها از هم پاشیده نخواهند شد. سنیکاها و تشکلهای موافق شرایط موجود دو تکه خواهند شد و بجای آنها سنیکاها مبارز و کارگری و یا سازمانهای کارگری شکل خواهد گرفت. قدرت و نفوذ کارگری که امروز در محیطهای کارگری بوجود آمده است به رهبری سنیکاها نیز منتقل خواهد شد و در آن کارگران صاحب نظر و قدرت خواهند بود. پیشروان کارگری با آرای خود کارگران به رهبری مسئولیتها انتخاب خواهند شد.

این راه کسب می کند. رهبران مبارز سیاسی و اقتصادی کارگران نیز از همین مکانها سر بلند خواهند کرد. چنین تشکلی در زیر بدترین شرایط نیز موجودیت خود را حفظ خواهد کرد، در مقابل وقایع، پیش آمدها و کودتاهای فاشیستی، دیگر سنیکاها از هم پاشیده نخواهند شد. سنیکاها و تشکلهای موافق شرایط موجود دو تکه خواهند شد و بجای آنها سنیکاها مبارز و کارگری و یا سازمانهای کارگری شکل خواهد گرفت. قدرت و نفوذ کارگری که امروز در محیطهای کارگری بوجود آمده است به رهبری سنیکاها نیز منتقل خواهد شد و در آن کارگران صاحب نظر و قدرت خواهند بود. پیشروان کارگری با آرای خود کارگران به رهبری مسئولیتها انتخاب خواهند شد.

می گویند در ترکیه دمکراسی وجود دارد. در این مورد چه می گویند؟

در انتخابات اخیر، مردم به احزابی که به آنها قول دمکراسی داده بودند، رای دادند. در مقابل فقط زرمه دمکراسی را شنیدند و عملا نیز مواد و قوانین ضد دمکراتیک در قانون اساسی و در قوانین دیگر کوچکترین تغییری نکرده است. مردم علیرغم فشارهای سنگین اقتصادی که بدوش خود حس میکنند، هنوز هم منتظرند که وعده دمکراسی، به تحقق پیوندد. ذر غیبت یک رهبری سیاسی انقلابی و نداشتن سازمان سنیکائی مبارز، همیشه تلاشهای کارگران نصفه کاره می ماند. سیستمی که با بحران سیاسی و اقتصادی دست و پنجه نرم میکند هرگونه مخالفتی را در چارچوب "تورم" و "آتارشی" قرار می دهد و برای وادار کردن جامعه به سکوت، رعب و وحشت را گسترش میدهد. در مقابل حل واقیتهای مردم کردستان، تروریسم دولتی، شوریسم و مذهب هیچ راه برون رفتی ندارند و فقط سوسیالیسم راه حل اجتناب ناپذیر است. حرف آخر اینستکه کارگران در هر عرصه زندگی که با اجحافات روبرو می شوند، به مبارزه علیه آن برخیزند و دستاوردها و تجربه های خود را تثبیت کنند تا از این رهنگر به حل مسئله تشکیلاتی خود نیز برسند.

مراسم روز کارگر را ممنوع کند. اتحادیه حق ایش هم مراسم روز کارگر را ممنوع می دانست. در سال گذشته در دیداری که با آنها داشتیم دبیر حق ایش (اتحادیه کارگران مسلمان و برادر خانه کارگر ایران) در مقابل نجات شریف گفت ما تا همین چندی پیش روز جهانی کارگر را عید کمونیستها می دانستیم. اما دیدیم که حتی رژیم ایران این روز را قبول دارد و ما هم این روز را روز خودمان می دانیم. از دو سال پیش و آمدن دولت جدید، با آنکه برگزاری مراسم و جشن روز جهانی کارگر آزاد نشده است ولی آنچهان سخت هم نمی گیرند.

امسال دیسک، ترک ایش و حق ایش توافق کردند که این روز را جشن بگیرند و در یک سالن کوچک جشن گرفتند. ولی برگزاری مراسم روز جهانی کارگر هنوز در خیابانها و میدانها ممنوع است.

آیا تشکلهای کارگری رادیکالی در ترکیه وجود دارد که جدا از سنیکا حرکت کنند؟

بله هستند. سنیکاها رادیکال هم وجود دارند. **بفیه در صفحه ۱۱**

مبارزه متحدانه و همبسته کارگران تقریبا حالت پایدارتری بخود گرفته است و برای پیگیری مبارزه و مطالبات، فعالیتهای گسترده ای آغاز گردیده است. پیشنهاد و فعالیتهای کمیته های کارخانه و شوراهای کارگری و متشکل شدن به این طریق، دیگر امروز موثر بودن و عملی بودن خود را به اثبات رسانده است. کارگران شوراها را مغز و کمیته ها را قلب تشکیلات طبقاتی خود می دانند و در سطح وسیعی در محل کار مانند یک مجلس دور هم جمع می شوند. بنابراین یک واقعیت عینی است که از این طریق سنگ زیر بنای سنیکاها پی ریزی می شود و سنیکاها کارگران بر روی پایه های آن در حال شکل گیری هستند. کارگر آموزشی طبقاتی خود برای ساختن سنیکا و تجربه های لازم برای متشکل شدن اولیه را در محل کار خود از این راه کسب می کند. رهبران مبارز سیاسی و اقتصادی کارگران نیز از همین مکانها سر بلند خواهند کرد. چنین تشکلی در زیر بدترین شرایط نیز موجودیت خود را حفظ خواهد کرد، در مقابل وقایع، پیش آمدها و کودتاهای فاشیستی، دیگر سنیکاها از هم پاشیده نخواهند شد. سنیکاها و تشکلهای موافق شرایط موجود دو تکه خواهند شد و بجای آنها سنیکاها مبارز و کارگری و یا سازمانهای کارگری شکل خواهد گرفت. قدرت و نفوذ کارگری که امروز در محیطهای کارگری بوجود آمده است به رهبری سنیکاها نیز منتقل خواهد شد و در آن کارگران صاحب نظر و قدرت خواهند بود. پیشروان کارگری با آرای خود کارگران به رهبری مسئولیتها انتخاب خواهند شد.

موقعیت زنان در سنیکاها چگونه است؟

سنیکاها بعنوان تشکل مردان دیده می شوند. در مورد پیگیری مسائل زنان کارگر، کمیسیونهایی بوجود می آید و تحت عنوان مسائل زنان کارگر فعالیت خود را پیش می برند. مانعی که باید آنرا پشت سر گذاشت، قبول مسائل مشترک زنان و مردان کارگر، به رسمیت شناختن سهم زنان در نقش رهبری که سمبولیک نباشد، پیدا کردن راه حل مشترک برای مسائل و دردهای مشترک زنان و مردان کارگر است. امروز زنان کارگر در صف مقدم مبارزات دمکراتیک و مطالبات اقتصادی طبقه گام برمی دارند. اما متاسفانه بعد از آن از سوی شوهران و کار طاقت فرسایی مانند کار منزل به خفه شدن رانده می شوند.

در مورد بازار مشترک اروپا چه نظری دارید؟ در مورد "نظم نوین جهانی" چه می گویند؟

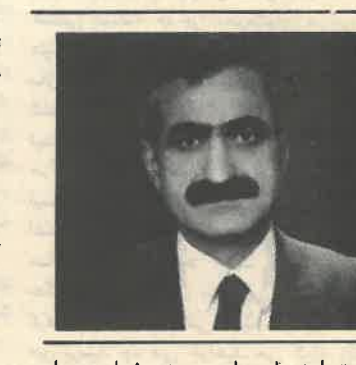
بازار مشترک اروپا اتحادی است که آنرا سرمایه خلق کرده است. ما از ورود ترکیه به آن حمایت نمی کنیم، آنچه اتحادی که قرار است منجر بشود به قانون اساسی مشترک، پارلمان مشترک، پول مشترک و

از سنیکاها را بستند، از جمله دیسک که سنیکای واقعی کارگران بود غیر قانونی اعلام شد. سنیکاها باقیمانده زرد بودند و در حال حاضر هم وجود دارند. در اثر فشار کارگران حدود ۲ سال پیش دولت قولهایی به کارگران داد ولی به هیچکدام از قولهایش عمل نکرده است، همین دولت جدید قبل از بقدرت رسیدن در تمام تبلیغاتش برای نیل به اهدافش که فقط بقدرت رسیدن بود میگفت، دمکراسی خواهیم آورد. ممنوعیتهای را برخوایم داشت. دستزدها را بالا خواهیم برد. حق اعتصاب، حق تشکل و فعالیت سنیکاها را برسمیت خواهیم شناخت. ولی بعد از گذشت ۹-۸ ماه از به قدرت رسیدنش، وضع همان است که بود. حتی نرخ تورم روز بروز افزایش می یابد، نرخ اجناس چندین برابر شده است. اجناس آنقدر گران است که دستمزدها به نان بخور و نمیر هم نمی رسد. یکی از تبلیغات این دولت در دوران انتخابات مسئله دمکراسی بود. از حق اعتصاب حرف میزد. اما در هر اعتصابی با دخالت پلیس روبرو بوده ایم و دستگیری ها کماکان وجود دارد.

درباره قانون کار ترکیه چه نظری دارید؟ شما چه نوع قانون کاری را برای

ولی سالتک فعال جنبش کارگری ترکیه:

دبیر ترک ایش علنا مراسم روز کارگر را ممنوع کرد



ولی سالتک کارگر با سابقه شهرداری آنکارا است. وی که از فعالین و اعضای دیسک بود با کودتای نظامی در سال ۸۰ چند ماه زندانی شد و هم اکنون عضو سنیکای ترک ایش است. علی خدیری از همکاران کارگر امروز در ترکیه با ولی سالتک درباره اوضاع کارگران، جنبش کارگری ترکیه و سنیکاها آن گفتگویی انجام داده است که خواهید خواند.

وضعیت زندگی کارگران در ترکیه در حال حاضر و در گذشته چگونه است؟

در گذشته وضع کارگران نسبت به حال بهتر بود، منظوم قبل از کودتا است. چون سنیکا از طریق مبارزات متشکل خود توانسته بود دولت را وادار به قبول بسیاری از خواسته ها بکند، دولت مجبور شده بود

مراسم اول ماه مه در ترکیه چگونه برگزار می شود؟ شما خواستار برگزاری چه نوع مراسمی هستید؟

اول ماه مه روز جهانی کارگران برای مبارزه و همبستگی است. در ترکیه سالهاست که جشنها و مراسم اول ماه مه ممنوع است. اول ماه مه را "عید بهار" نام گذاری کرده اند. در سال ۱۹۷۷ به برگزار کنندگان اول ماه مه با اسلحه گرم و بمب حمله کردند و ۳۷ نفر از کارگران را بقتل رساندند. بورژوازی با این اقدام قصد داشت جو ترور و وحشت بیافریند. هنوز هم که هنوز است میسبین این حمله جنایتکارانه معلوم نشده اند. در سال ۱۹۷۸ جشن وسیعی برگزار شد. در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ برگزاری جشنهای اول ماه مه ممنوع گردید و در روز کارگر در خیابانها مقررات منع آمد و شد برقرار شد. بعد از ۱۹۸۰ و ۸۵ و ۸۶ برگزاری مراسم از سر گرفته شد. اصولا کارگران و زحمتکشان علاقه مند به برگزاری اول ماه مه بودند اما بگیر و ببندها و فضای رعب و وحشت توسط دولت مانع می شد که در سطح گسترده ای آنان حضور داشته باشند. در سال ۱۹۹۲ دیگر خواست برگزاری مراسم اول ماه مه به پیشروان، انقلابیون و آزادیخواهان محدود نبود. این بار یک جنبش جدی متفاوت خود را نشان داد. مراسم در سالنها و میدانها برگزار شد و جدائی گرایشات مختلف را تحت تاثیر قرار می داد. کسانی که هدفشان برگزاری مراسمهای اول ماه مه در سالنها بود از یک طرف از طبقه کارگر دور می

پیروزی رفرم در اتحادیه رانندگان کامیون آمریکا و کانادا ران کاری شاخه زیتون بدست گرفته اما اعضا از پائین فشار می آورند

کامیون است و افق جدیدی به اعضای اتحادیه منجمد آنهایی که مخالفش بودند، داده است. ران کاری موفق شده تغییرات موثری ایجاد کند.

موسسه "سیف وی" کالیفرنیا قصد داشت که یک انبار بزرگ باز کند و کلیه کارکنان عضو اتحادیه ما را بعد از اتمام قراردادشان اخراج کند و آنها را دوباره با نصف دستمزد سابق استخدام کند. از طریق یک کمپین هماهنگ ترانسیتیم این اقدام را خنثی کنیم. وقتی ما به سر کار آمدیم ۷۰ درصد از ۸۵۰۰ همکاران شرکت هواپیمایی "نورث وست" به جدا شدن از اتحادیه ما رای داده بودند. ران کاری موفق شد آنها را متقاعد کند که ما شیوه جدید و یک اتحادیه جدید داریم. در نتیجه آنها دو به یک به ماندن در اتحادیه رای دادند.

در نتیجه ما موفقیت های بسیاری داشتیم و کار زیادی هم داریم که باید انجام دهیم. فکر می کنیم که یک سالی طول می کشد تا برنامه ها کاملاً پیاده شود ولی دستاوردهای زیادی هم داشتیم. همه خیلی خوشبین هستند.

برخی بر این عقیده اند که تغییرات فقط در سطح بالای اتحادیه پروجک پیوسته و فقط اداره بین المللی تغییر کرده است. و در نتیجه میان رهبران محلی و اداره بین المللی اختلافات وجود دارد. وضعیت چگونه است؟

شما باید متوجه باشید که "جیم هانا" رئیس کل اتحادیه که در اواسط دهه ۷۰ به قتل رسید، یک سیستم بسیار سانسوریزه و اتوکراتیک داشت. وقتی "فرانک فیتزسیمونز" جای او را گرفت اجازه داد که لوکال ها خودمختاری و قدرت بیشتری داشته باشند. این مساله در اساسنامه منعکس است. رئیس کل قدرت خیلی زیادی دارد، ولی همچنین کنفرانس ها و لوکال ها هم دارای قدرت زیادی هستند. و البته صرف نظر از اینکه اساسنامه چه می گوید، این افراد امپراطوری های کوچک خود را ایجاد کرده اند و خوب جا ست کرده اند و هیچ علقه ای ندارند که کسی بیاید و به آنها بگوید که چه بکنند. این مساله است.

ولی راه حل آن در اینجاست که اعضا بشدت خواهان تغییرند. آنها با اکثریت بالایی به ران کاری و برنامه جدید رای دادند. فشار نه از طرف بالا، بلکه از طرف پائین، از طرف اعضاست. در نتیجه شرایط به این شکل است که ران کاری شاخه زیتون به دست گرفته است ولی اعضا از پائین فشار می آورند. ما به این اهمیت نمی دهیم که چه کسی این کار را می کند، برای ما مهم نیست که مسئول امور اتحادیه چه کسی است، اگر او در اتحادیه جدید فعالیت می کند. راستش را بخواهید در بعضی مناطق همه چی خوب پیش می رود، در بعضی مناطق اوضاع خیلی بر وفق

هنوز برای دادن جواب قطعی به این سوال زود است. ما کمی بیش از ۱۰۰ روز است که در این پست قرار گرفته ایم. ما در شرایطی وارد کار شدیم که مبلغ هنگفتی پول صرف هزینه های لوکس شده بود، بعضی چندین درآمد داشتند و غیره. وقت می گیرد تا این وضع را درست کنیم. ما چندین قطعنامه به تصویب رسانده ایم، از متخصصین برای سروسامان دادن به امور مالیات کمک گرفته ایم، هواپیمای جت و لیموزین های لوکس را فروخته ایم، و پول آنرا در صندوق سازماندهی و کمپین اتحادیه گذاشتیم. پس از این امیدواریم که بتوانیم مذاکرات را موثرتر به پیش ببریم. ما تعدادی را که چندین درآمد داشتند اخراج کرده ایم.

ران کاری رئیس کل اتحادیه رانندگان

بقیه از صفحه ۱۰
دبیر ترک ایش علنا...

با ممنوع کردن فعالیت آن اموالش را مصادره کردند. حالا مشکلات وسیعی در پیش رو دارد و کارهای بخوبی پیش نمی رود و کارگران به سختی دور آن جمع می شوند. اما علیرغم آن بدلیل سوابق درخشانی که داشته هواداران زیادی دارد. ترک ایش مثل همان سندیکاهای آمریکایی زرد است. در سال ۸۰ با کودتا همکاری کرد و درست در جبهه مقابل کارگران بود. در حال حاضر هم وسیله ایست در دست دولت. خودش ادعا می کند که حدود یک میلیون و دویست هزار عضو دارد. کلاً حدود ۱/۵ میلیون کارگر عضو سندیکاهای هستند.

حق ایش یک سندیکای مذهبی است و به دولت ایران نزدیک است، می کوشد خودی نشان می دهد اما در اصل اصلاح طلب است. حق ایش در میان کارگران در واقع برد زیادی ندارد، زیرا خودشان ادعا می کنند که حدود ۲۰۰ هزار نفر عضو دارند.

سندیکاهای رادیکالی که در کنار دیسک

وسیعتر از این دیدگاه برای آن قائلید؟

قطعا. ما تقریباً هر نوع صنعتی را نمایندگی می کنیم. ما تقریباً ۱۰۰ میلیارد دلار صندوق بازنشستگی را تحت کنترل داریم. اهمیت اقتصادی عظیمی داریم. ما بزرگترین کمیته عمل سیاسی در آمریکا را کنترل می کنیم. این با ارزش است اگر ما این منابع گسترده را برای آموزش نه فقط اعضای خودمان، بلکه کارگران بطور کلی استفاده کنیم. ما در شورای اجرایی فدراسیون کارگران آمریکا در این مورد که آیا آنها از طرح طب ملی مدل کانادا پشتیبانی می کنند یا نه، رای قطعی داشتیم و در آخرین جلسه هیات اجرایی به آن رای دادیم.

ما با شعبه بازی سر و کار نداریم. مبارزه بر سر پس گرفتن ذره ذره آن چیزی است که بخاطر ولع، فساد، یا بی تفاوتی صرف از میان رفته است. و این تنها تقصیر اتحادیه رانندگان کامیون نیست. این مساله کل جنبش کارگری بوده است. بمدت ۲۰ سال هیچ کس اهمیتی نداد. میدانید که موسسات بزرگ ویژه داغان کردن اتحادیه ها وجود دارد. هر مقدار پولی حاضرند برای از بین بردن اتحادیه ها خرج کنند. ما در نبردیم. در جنگیم. اتحادیه رانندگان کامیون برای مبارزه به شیوه موثر سر پایش می ایستد. این اتحادیه همیشه محکم بوده است. ما میخواهیم که باز هم محکم بایستیم.

رابطه تان با رهبری فدراسیون کارگران آمریکا چگونه بوده است؟ آیا آنها از ران کاری و اتحادیه رانندگان کامیون جدید استقبال می کنند، یا می کوشند که تلاش این اتحادیه را برای احیای جنبش کارگری متوقف کنند؟

من نمی توانم از جانب آنها صحبت کنم. ولی اینطور حدس می زنم: ما همیشه مایع دودر آنها بوده ایم. بنوعی مرتدین جنبش کارگری بودیم. قطعاً فساد موجود برای نام جنبش متشکل کارگری بد تمام شد. به این ترتیب مطمئنم که آنها از اینکه ما رفتارمان را درست کردیم خیلی خوشحالند. مطمئنم که از ۶ میلیون دلاری که سالانه به آنها می پردازیم بسیار خوشنودند. و فکر می کنم که از دستور کار آمریکایی کمیتهها به اندازه کافی هراسان هستند که از اینکه ما دوباره سر پایمان ایستاده و مبارزه می کنیم بسیار خوشحال باشند.

اما اینها بطور مثال از این سیاست پیروی می کنند که قدرت رقابت کمیانی خود را در مقابل کمیتههای کشورهای دیگر بالا ببرند، بجای اینکه با کارگران سراسر جهان همبستگی نشان دهند. شما این مساله را چگونه می بینید؟ چگونه این نوع مسائل بر رابطه اتحادیه رانندگان کامیون و فدراسیون کارگران آمریکا تاثیر خواهد گذاشت؟

مثل هر سازمان دیگر است. یک تعداد آدم هستند که نمی خواهند هیچ مشکلی را ببینند. افراد دیگری هستند که مسائل را به روشنی می بینند، ولی سر چه باید کرد اختلاف دارند. ولی روشن است که ما اینجا به بن بست می رسیم. موافقتنامه تجارت آزاد آمریکا - مکزیک - کانادا در کنار تلاشهای جایگزینی بمعنای پایان جنبش متشکل کارگری خواهد بود. مهم نیست از کجا شروع کرده ایم. همه به صحنه نبرد ختم می شویم.

جنگ کارگر علیه کارگر برای کسی کار بوجود نمی آورد. مردم باید بفهمند که این شرکتهای چند ملیتی آنها را مثل پیاده روی صحنه شطرنج بازی می دهند. کلی آمار وجود دارد که چگونه بار مالیات از روی شروتمند برداشته شده و بر دوش کارگران گذاشته شده است. این ضرب المثل "غنی غنی تر می شود و فقیر فقیرتر" هیچوقت مثل امروز مصداق نداشته است. حتی کسانی که در اتحادیه نیستند می گویند که ما آخرین نسلی هستیم که می توانیم بچه هایمان را به دانشگاه بفرستیم. این آگاهی در کلیه اقشار جامعه دارد نفوذ می کند. بنظر من خیلی جالب است که طی شورش لوس آنجلس با هر آدمی که در خیابان مصاحبه می کردند، بر سر مساله نوادی نرفت، آنها می فهمیدند که مساله

اقتصاد است. وقتی مردم را به این وضع استیصال سوق می دهند و شغلی در کار نیست، این اتفاق خواهد افتاد.

تی.دی.یو و نقش آن در شرایط حاضر چیست؟

این اتحادیه یک حوزه رفرم درون اتحادیه رانندگان کامیون است. تعداد زیادی هستند که نظراتش را قبول دارند و در لوکالشان برای بهبود اوضاع فعالیت می کنند، با سازش مبارزه می کنند، کارگران را آموزش می دهند. تی.دی.یو یک حوزه مستقل درون اتحادیه رانندگان کامیون آمریکا است.

تی.دی.یو چه تغییراتی را تبلیغ می کند که با کارهای ران کاری متفاوت است؟ آیا تی.دی.یو از ران کاری فراتر می رود؟

فکر نمی کنم که ما هنوز به اختلاف نظر رسیده باشیم. ممکن است بر سر سرعت تغییرات اختلاف نظر ناچیزی موجود باشد. ولی میدانید هیچکس نمی تواند کتابی از کتابخانه بگیرد و نشان دهد که مثلاً در فصل ۱۲ نوشته که باید یک هفته و نیم طول بکشد. وقتی که باید بشود می شود. و تا زمانیکه ما بجلو می رویم تی.دی.یو نمی تواند شکوه کند. ما ۱۵ سال صبر کردیم خوب حالا چه می شود اگر دو سه ماه دیگر هم طول بکشد. ما به اندازه کافی صبور هستیم.

رهبری اتحادیه رانندگان آمریکا و کانادا تغییر کرده و رفرمها آغاز شده است. حال چه چیزی وجود تی.دی.یو را ضروری می سازد؟

برای اینکه ساختار اتحادیه رانندگان کامیون توانایی محدودی دارد. ۶۱۵ لوکال هست، ۴۵۰ شوری مشترک هست، بین الملل و یک و نیم میلیون عضو. دسترسی بین الملل محدود است. شما فقط در صورتی که لوکال ازتان دعوت کند می توانید یک سینار خوب نمایندگان داشته باشید. در بین الملل شما هیچ قدرتی ندارید. و حتی اگر قدرت این را داشتید که به مردم دستور دهید چگونه فکر کنند، فایده ای نداشت. کاری که ما می کنیم اینست که همه را با این برنامه موافق کنیم. ولی هنوز لوکال هایی هستند که تحت کنترل آدم های بسیار بدی قرار دارند. تنها راهی که اعضا برای انجام کاری دارند اینست که با هم متحد شوند. تنها راه برای آموزش انجام یک کار ساده، مثلاً اینکه کاری کنید که نماینده شما انتخاب شود، از طریق سازمانی مثل تی.دی.یو انجام پذیر است. این کاری است که ما همیشه انجام داده ایم و کمکان انجام خواهیم داد. بعلاوه ما می خواهیم که اعتبار زیادی به رفرم هایی که ران کاری به انجام می رساند بدهیم.

آیا بعد از زمان انتخابات اوائل امسال اعضای تی.دی.یو افزایش یافته است؟

تی.دی.یو رشد زیادی کرده است. اعضا هنوز هیجان زیادی دارند و با احساس قدرت به موفقیت هایشان نگاه می کنند. ما لوکال هایی داریم که کاملاً دست تی.دی.یو است. آنها یک نمونه درخشان از اتحادیه گری خوب هستند. توانستند ۵۰۰ - ۴۰۰ نفر از اعضا را به جلسه اتحادیه بکشانند. مشغول پیکت کردن و سازمان دادن هستند. دیگران به این لوکال ها نگاه می کنند و می گویند که ما هم لوکال اینطوری می خواهیم. و واقعا تنها کسانی که می توانند موفق به انجام این کار بشوند، نه هیات اجرایی کلی، نه ران کاری، بلکه خود اعضا هستند.

می خواهید چیزی در آخر اضافه کنید؟

خیلی خوشحالم که انتخابات را بردیم. واقعا خیل زحمت کشیدیم. کارها خوب پیش می رود. بدون نقص نیست، ولی خوب کسی هم چنین انتظاری نداشت. فکر می کنم که ما همچنان برنده می شویم و در سال ۲۰۱۰ وقتی مردم به عقب نگاه کنند خواهند گفت نقطه عطف جنبش کارگری روزی بود که اعضای اتحادیه رانندگان کامیون اتحادیه را بدست گرفتند.

کارگران امروز

یکی از فعالین اعتصاب مرغداری اربیل کردستان عراق:

جبهه کردستان برای مهار جنبش اعتراضی کارگران اقدام به احیای اتحادیه های زرد سابق کرده است

کارگران

افزایش ۲۰ دینار حقوق ماهانه و افزایش ۸ روز مرخصی در سال اینها و تعدادی مطالبات دیگر خواست کارگران بود که آنها را رسماً پذیرفتند. البته اداره اعلام کرد اگر کارگران از اعتصاب دست بردارند و اعلام نکنند که کسب این خواسته ها نتیجه اعتصاب کارگران است آماده است همه مطالبات کارگران را بپذیرد. اما کارگران تسلیم این خواست نشدند.

ملزومات اعتصاب چی بود؟ رای کارگران را جهت اعتصاب چگونه بستم آوردید؟

در مرغداری شرایط کار بسیار سخت است. رفتار کارفرما و اداره با کارگران خصوصاً دستگاه سانسور به گونه ایست که به هیچ وجه امکان تجمع و دیدار کارگران باهم سر کار و داخل کارگاه وجود ندارد. وضعیت کارگاه طوری است که کارگران از همدیگر دورند و دوری و پراکندگی امکان آشنا شدن و ملاقات همدیگر را از آنان سلب کرده است از طرف دیگر همه کارگران موقت هستند. بنابراین اخراج و تعویض کارگران مستمراً تکرار می شود. به همین دلیل کارگران خارج از کارگاه به مشورت و دیدار با هم می پردازند. در یکی از جلسات خارج از کارگاه که تعداد زیادی از نمایندگان و رهبران بخشهای مختلف حضور داشتند تصمیم گرفته شد که با نیروی موجود، کارگران قدرت تحمیل برخی از خواسته ها را به کارفرما دارند. دو روز بعد از این نشست اتحادیه زرد جبهه کردستان به کارگاه آمد و با تشکیل جلساتی در دو محل سعی داشت کارگران را از اعتصاب برطرف دارد. این فرصت مناسبی بنا داد که بعد از افشا و اخراج مسئولین اتحادیه، جلسه را خودمان بدست گرفته و همانجا تصمیم اقدام برای اعتصاب را به همه اعلام کنیم، فراخوان ما روز بعد جواب شایسته خود را گرفت. بدنبال آن ما بطور رسمی و با تعیین محل اعتصاب، فراخوان اعتصاب را پخش کردیم و همچنین کمیته ای مرکب از کارگران دلسوز و رهبر جهت هدایت اعتصاب انتخاب کردیم.

کدامیک از این خواسته ها تحقق یافتند؟

بعد از مبارزه و تحت فشار قرار دادن کارفرما به بعضی از خواسته هایمان رسیدیم که عبارت بودند از: - تشکیل کمیته کارگری به انتخاب مجمع عمومی کارگران - بهبود وضع دکتر و درمان و محلی برای درمانگاه - دادن مساعده به کارگران در مواقع ضروری - تامین اینترنت محل کار - لغو قرار ضد انسانی اداره که مجموعه شرط و شروط جهت استخدام کارگران قائل بود چون: کارگر باید مسلمان باشد، متاهل باشد، قسم بخورد و یا قوم و خویش و آشنایی در بین مسئولین داشته باشد. - حفظ حرمت و کرامت انسانی کارگران - تامین مرغ و تخم مرغ برای همه

کمیته اعتصاب چگونه تشکیل شد و نقش در جریان اعتصاب داشت؟

این کمیته از رهبران و فعالین کارگری تشکیل شده بود که بتواند میله و فاکتیکهای مدیریت را خنثی کند. روحیه مبارزه جوی کارگران را حفظ کند و در مدت اعتصاب با رسوا کردن عوامل مدیریت و ایجاد شور و شوق مبارزه ادامه

ماشین از محل اعتصاب با زور روانه سر کار می کردند و به اتهام اینکه حرکت کارگران به نفع رژیم مرکزی است و این کار ممنوع است آنان را تهدید می کردند. اینها از اول اعتصاب به کارگران می گفتند که ما خواسته هایتان را تامین می کنیم. بسر کار برگردید وگرنه اخراج می شوید و یا اینکه تهدید می کردند نیروهای مسلح جبهه کردستان فراخوان داده می شوند و با زور اسلحه اعتصابیون را سر کار می برند. خلاصه جهت دلسرد کردن کارگران و شکست اعتصاب به هر شیوه ای متوسل می شدند. در جریان اعتصاب آنان موفق شدند با زور تا یک دوم کارگران را سر کار بفرستند. در واقع آنان با حرکت خود ماهیت ضد کارگریشان را به همه کارگران نشان دادند. کارگران با آنان مقابله کردند با آنان درگیر شدند و حتی نماینده آنان را کتک زدند.

در جریان این اعتصاب تاثیر گرایشات سیاسی درون کارگران چگونه بود؟

گرایشات مختلف حضور داشتند. مثلاً می توان گرایش ناسیونالیستی و کمونیستی را نام برد. اما به لحاظ تاثیر این کارگران کمونیست بودند که نقش فعالانه ای در رهبری داشتند، چه به لحاظ سازماندهی اعتراض و چه آگاهگری در میان کارگران. اینها پیشنهاد و حرف درست داشتند و بقیه گرایشات نداشتند. با این حال به لحاظ کمیت گرایش ناسیونالیستی نیروی بیشتری داشت و از بیرون تقویت می شد.

کارگران سایر بخشها از اعتصاب شما اطلاع داشتند؟ موضع آنان چه بود؟

بله. کارگران تعدادی از کارگاهها اطلاع داشتند. آنها هم همبستگی خود را با ما اعلام داشتند. برای نمونه کارگران کارگاه نساجی، کارگران گمرک، کارگران کارگاه کفش و جمعی از کارگران بیکار اطلاعیه ای در حمایت از ما صادر کردند.

مدیریت جهت ایجاد اختلال و تفرقه میان کارگران به چه چیزهایی متوسل شد؟

آنها هر چه از دستشان ساخته بود کردند. روز قبل از اعتصاب همراه با افراد اتحادیه زرد جبهه کردستان منزل کارگران سرکشی کردند و از آنها خواستند که در اعتصاب شرکت نکنند. به رهبران و فعالین کارگری انواع تهمت و برهسپ را زدند. به کارگران قوم و خویش پیشنهاد همکاری با کارفرما را می دادند. آنها برای اینکه کارگران به رهبران خود اعتماد نکنند هر چه از دستشان ساخته بود کردند. البته این برای کارگران تعجب آور نبود.

آیا در میان کارگران حرکتی برای ایجاد تشکل مستقل کارگری وجود دارد؟

بیشتر مباحثات جنبش کارگری عراق و کردستان حول ایجاد تشکل مستقل کارگری

اعتصاب را تا سرانجامش تضمین کند. کمیته در جریان اعتصاب بطور فعال و جدی علیه موانع و مشکلاتی که سرمایه داران و مامورین مسلح مدیریت و اتحادیه سندیکاهای کارگران کردستان (که توسط جبهه کردستان تشکیل شده است) برای به شکست کشاندن و خنثی کردن اعتصاب ایجاد می کردند مقابله کرد.

گفتید مدیریت جهت مقابله با کارگران از نیروی مسلح استفاده می کرد. آیا خود مدیریت نیروی مسلح دارد؟

بله. خود مدیریت ۸۰ نفر نیروی مسلح دارد که تعدادی جزو نیروی مسلح جبهه کردستان و بقیه هم مستقیماً تحت نظارت خودش می باشند. مدیریت روز قبل از اعتصاب جبهه کردستان را مطلع کرده بود، تازه جهت تحریک بیشتر جبهه کردستان اتهامات سیاسی هم به کارگران نسبت داده بود. بعلاوه به نیروی مسلح خود دستور داده بود که روز اعتصاب با تحت کنترل قرار دادن محل اعتصاب از اعتصاب جلوگیری کنند. اما این نیروها اقدامی نکردند. تنها بعد از توافق سر ایجاد کمیته ای برای گفتگو تعدادی از آنان برای قدرت نمایی در محل گفتگو حاضر شدند که با اعتراض کارگران اخراج شدند. اما در عوض اتحادیه زرد طرفدار جبهه کردستان خلاف نیروهای مسلح مدیریت را پر کرد.

در جریان اعتصاب اتحادیه ای که جبهه کردستان تشکیل داده است هم موجود گرفت. این اتحادیه چگونه بوجود آمده و چه موضعی داشت؟

این اوایل همزمان با رشد قابل توجه جنبش اعتراضی کارگران بورژوازی هم به این فکر افتاد که چگونه سب راه این جنبش شود. مسلماً بهترین و مناسبترین وسیله برای اینکار تشکیل اتحادیه است. جبهه کردستان برای مهار جنبش اعتراضی کارگران اقدام به باز تشکیل همان اتحادیه هایی کرد که بعد از سال ۱۹۸۷ با قرار کارمند کردن کارگران از طرف رژیم بعث ملغی اعلام شده بودند. آنچه به همان شیوه رژیم بعث، این بود که با انتخاب ۹ نفر و نمایندگان هر کدام از احزاب جبهه کردستان و چند نفر میلیتاریست و اعضای اتحادیه های قبلی، اتحادیه سندیکاهای کارگران کردستان را تشکیل دادند. البته در جریان ایجاد این اتحادیه نه تنها کارگران بلکه هواداران کارگر احزاب هم نه اطلاع داشتند و نه در آن شرکت کردند.

این اتحادیه در جریان اعتصاب به گونه قابل توجهی دشمنی خود را با کارگران و اعتصاب نشان دادند. کارگران را سوار بر

است. امروزه مسئله تشکل مستقل کارگری در کردستان یکی از اصلی ترین خواسته هاست و برای کارگران و جنبش کارگری کاملاً حیاتی است. جریانات بورژوازی خصوصاً ناسیونالیسم بورژوازی کرد، اوایل کوشیدند با نشان دادن و ایجاد اتحادیه های زردشان کارگران را منحرف کنند و جنبش کارگری را عقب بزنند. اما کارها مطابق برنامه ریزی آنها پیش نرفت. از همان اوایل کارگران رادیکال و سوسیالیست این سیاست بورژوازی را مورد انتقاد شدید قرار دادند و بدیل تشکل مستقل کارگری را در مقابل آن مطرح کردند. بعلاوه آنچه در حال حاضر مورد بحث است و کارگران و فعالین کارگری در تلاش آنند مجمع عمومی است که امکان پذیرترین و درست ترین صحنه جنبش کارگری در مقابل سرمایه داران و سیاستهایشان است.

اما چرا دوباره یعنی در ۹۲/۶/۱۸ دست به اعتصاب زدید؟

روز ۹۲/۵/۳۱ بدنبال قبول مجموعه ای از خواسته های کارگران از جانب کارفرما، وی حکم اخراج ۳ تن از کارگران را روز ۹۲/۶/۳ صادر کرد. البته به بهانه اینکه کمتر از یک ماه است کار می کنند. نماینده منتخب کارگران روز ۹۲/۵/۳۱ با مدیریت مذاکره کرد و اعلام داشت که اخراج این کارگران بدلیل شرکت در اعتصاب بوده است و در صورت اخراج این کارگران اعتصاب ادامه خواهد داشت. بعد از مذاکره حکم بازگشت به کار کارگران داده شد. اما کارفرما روز ۹۲/۶/۱۶

تعداد زیادی از افراد مسلح جبهه کردستان را به مرغداری آورد و ۲۷ نفر از کارگران را با زور منتقل کرد و یک نفر را هم اخراج کرد. بدنبال این واقعه کارگران دست به اعتصاب زدند. نیروی مسلح جبهه کردستان تا حدودی در ایجاد ترس و واهمه میان کارگران و سستی در اعتراض تاثیر گذاشت. کارگران می گفتند ما با همه وجود از اعتصاب پشتیبانی می کنیم اما اگر از طرف نیروهای مسلح جبهه کردستان مورد حمله قرار بگیریم چه می توانیم کرد؟ کارگران اعتصابی روز ۹۲/۶/۲۱ با حمایت مردم زحمتکش و کارگران سایر کارگاهها تظاهراتی در داخل شهر اربیل سازمان دادند. اینجا هم اتحادیه زرد جبهه کردستان با انواع فریب و نیرنگ تعدادی از کارگران را به سر کار برگرداند. بار دیگر روز ۹۲/۶/۲۲ کارگران اعتصابی در مقابل پارلمان دست به تظاهرات زدند و خواسته هایشان را تحمیل پارلمان دادند. پارلمان جوابی نداد و کارگران را به جبهه کردستان رجوع داد. جبهه کردستان هم همان جواب مدیریت را به کارگران داد. آنها اعلام کردند اعتصابیون باید تعهد کتبی بدهند در برابر مدیریت و اتحادیه نافرمانی نکنند، کارگران اخراجی هم اخراج هستند و آنها کسی که حکم انتقالشان داده شده باید به محل کار چندیشان بروند. کارگران به شدت با این شروط مخالفت کردند و سرکار برگشتند.

علت فعالیتهای ما ۸۰۰۰ دینار دستمزد تحمیل شده است.

بورژوازی جهانی به رهبری آمریکا در جنگ خلیج متحد بودند که کشمکشهای خود را قبضه دهند و تصفیه حساب کنند و عراق هم میدان این تصفیه حسابها بود. عکس العمل ما مثل یک طبقه جهانی در مقابل سیاستهای بورژوازی چیست؟ به معنای دیگر نظراتن درباره اترانسینوالیسم کارگری چیست؟

در مدت جنگ خلیج، طبقه کارگر صف بندی سرمایه داری و برپا کردن جنگ و تحمیل کردن آن به کارگران را در بعد جهانی دید. به این علت، اکنون باید نقش کارگران در بعد جهانی در حد قدرت نمایندگی بورژوازی باشد. کارگران در مدت جنگ اعتصابهای بزرگ و وسیعی به راه انداخته اند و این نشان دهنده نقش جهانی طبقه کارگر است. در خود آمریکا کارگران راه آهن اعتصاب کرده اند. این اعتصابها علیه جنگ بود. این دلیلی است بر وحدت جهانی جنبش کارگری، و ما همین کار را پیش پای خودمان میگذاریم جدا از فاصله های جغرافیایی.

ره وت کمونیست! و "به پیشی" چیست؟ آیا می توانند نقش خود را در تبلیغ و ترویج و سازماندهی به شکل مناسب بازی کنند؟

تصور می کنم در حدی که لازم باشد هنوز نقش خود را ایفا نکرده اند. این روزنامه ها کردی هستند و به عربی ترجمه شده اند. درباره اوضاع کارگران بغداد و جنوب عراق، که اکثریت کارگران عراق را تشکیل می دهند، مطالبی ندارد و یا خیلی کم دارد. بنظر باید یک روزنامه در بغداد چاپ بشود که موضوعاتش شامل کارگران بغداد و جنوب باشد و بین آنها پخش بشود.

نظراتن در پاره خواستههای اقتصادی و سیاسی که از جانب "ره وت کمونیست" مطرح شده است چیست، از جمله خواست حداقل دستمزد "۱۵۰۰" دینار در ماه؟

"پیوند" خواستههای اقتصادی و سیاسی که از جانب ره وت کمونیست مطرح شده است را خواستههای خودش می داند، خواست ۱۵۰۰ دینار دستمزد طبیعی است، سخت نیست که جنبش در این رابطه برپا شود، اکنون ما در این رابطه کار می کنیم و به

هسته کارگری پیوند در بغداد نقش کارگران در بعد جهانی باید در حد قدرت نمایی بورژوازی باشد

فراغت بیشتر کارگران، ۲ ممنوعیت اخراج کارگر از کار، ۳ لغو تبعیض براساس ملیت در محیط کار است.

آیا الفای سرمایه داری و سازماندهی سوسیالیسم، در پیشش شما جایگاهی دارد یا تنها آرمان اتحادیه ای دارید؟

برعکس، پایه اساسی که "پیوند" روی آن ایستاده و ستون فقراتش را تشکیل می دهد، مارکسیسم، الفای نظام سرمایه داری و سازماندهی سوسیالیسم است.

نقش "پیوند" در جنبش کارگری چیست؟

مسئله سازماندهی امری پایه ای و اساسی است که "پیوند" بر روی آن پافشاری میکند. با ریشه دارتر شدن سازماندهی روابط کارگری دامنه و وسعت بیشتری می یابد.

تعدادی از کارگران کارخانه های غیر دولتی بغداد یک هسته پیشرو بنام "رابطه السیدالرحمد" (پیوند چون یک تن واحد) تشکیل داده اند. این مطلب مصاحبه ای است با یکی از اعضای این هسته است.

این هسته کی تشکیل شده است و اهداف آن چیست؟

این هسته در نوامبر سال ۹۱ تشکیل شده است و اهداف آن: ۱ افزایش اوقات

تلخیص شده از: نشریه کردی "بو پیشه وه" (به پیشی)، ارگان سیاسی - خبری "ره وت کمونیست"، چاپ کردستان عراق

نظراتن درباره "پرولتاری" (ارگان مرکزی

کارگران

اتلاف همبستگی کارگری در کانادا

بندبناال اعتصابات کارگری تابستان سال ۹۱ در کانادا جنبشی بنام "اتلاف همبستگی کارگری" پا گرفت. اتلاف همبستگی کارگری یک جنبش "رنک اند فایل" (جنبش توده های کارگر) است که خارج از چهارچوب اتحادیه ها ایجاد شده است. در مجمع عمومی اتلاف همبستگی کارگری کانادا که در نوامبر سال گذشته تشکیل شد، ابتدا بیانیه ای خوانده شد و بعد سه نفر از فعالین جنبش کارگری کانادا بعنوان سخنان اصلی دربارۀ نیاز به جنبش "رنک اند فایل" سخنرانی کردند و بندبناال آن دیگر شرکت کنندگان نیز در همین زمینه مباحثی را مطرح ساختند.

اولین سخنران آندره کولومپار دبیر اتحادیه کارگران پست در تورنتو بود. وی در اعتصاب سال گذشته کارگران پست اخراج و بجرم سرپیچی از قوانین ضد اعتصاب محاکمه و به زندان محکوم شد سخنران دوم نیک دکارلو،

دبیر لوکال ۱۹۶۷ اتحادیه سی. ا. دلیبو و رهبر مبارزه علیه اخراج کارگران مک دونالد داکلاس بود. سخنران سوم هالوس جو، رئیس لوکال ۱۲۳۰ اتحادیه سی یو پی ای بود که در مبارزه علیه تبعیض نژادی فعال است. در این مجمع عمومی از "باب ری" نماینده حزب دموکراتیک نوین (حزب سوسیال دموکرات کانادا) که حزب حاکم دولت محلی ایالت اونتاریو است نیز دعوت شده بود که مخالفتی را در میان فعالین چندین اتحادیه که با دولت محلی در حال مذاکره بودند برانگیخت و عده ای از شرکت کنندگان هنگام سخنرانی باب ری به اعتراض سالن جلسه را ترک کردند در اینجا بعلت کمبود جا تنها متن بیانیه ای را که این مجمع عمومی خوانده شد و سپس سخنرانی آندره کولومپار را خواهد خواند

که بتوانیم قوانین اعتصاب شکن را نقض کنیم.

در گذشته شبکه ای از فعالین جنبش "رنک اند فایل" در گردهمایی کنگره کار کانادا وجود داشت ولی این شبکه دیگر فعال نیست یا حداقل نقش مورد لازم را ایفا نمی کند. فعالین و مبارزین جنبش کارگری به یک طرف اعتراضی متشکل نیاز دارند. فعالین "رنک اند فایل" و حتی فعالین تازه وارد اتحادیه به ابزاری که از آن طریق به یکدیگر نزدیک شوند و خواسته های خود را فرموله کنند، نیاز دارند. رهبری جنبش کارگری دور از دسترس و غیر حساس و دارای متد های محافظه کار است. بویژه در حال حاضر و تحت کنترل دولت ان دی پی در اونتاریو.

سخنرانی آندره کولومپار

از اینکه در این جلسه شرکت کردید متشکرم. این یکی از مباحث مهم و ضروری جنبش کارگری اونتاریو و کانادا است. از این طریق می توانیم روح جدیدی به فدراسیون کارگری اونتاریو و کنگره کارگری کانادا بدهیم. بخشی از تجدید حیات جنبش "رنک اند فایل"، باز گرداندن سازمان های کارگری به اولویت ها و جهتگیری هایی است که کارگران در کارخانه ها و شرکت های سراسر کشور و بویژه در این منطقه هر روز با آن مواجه اند. یکی از مواردی که باید تجزیه و تحلیل کنیم، اتفاقی است که امروز در اجلاس مجمع عمومی افتاد. به عبارت دیگر سخنرانی باب ری، و عکس العمل اتحادیه کارگران پست و خدمات عمومی. بنظر من رهبری اتحادیه در سطح فدرال و در سطح محلی مثلا در شوراهای محلی، واکن اتحادیه را به واکن سیاسی ان دی پی وصل کرده است. خیلی ها فکر می کنند که دستاوردهای دولت ان دی پی در اونتاریو به هر گونه مبارزه خاتمه داده است و اینکه اصلی ترین وظیفه ما این است که به دولت ان دی پی یاری رسانیم که سیاست هایشان را به اجرا بگذارند. اشکالی ندارد. ما شاهد بوده ایم که سیاست هایی را اعلام کردند و قول اجرای آنرا به همه دادند. دلایل مختلفی برای این وجود دارد. وظیفه جنبش کارگری اینست که وضعیت را تجزیه و تحلیل کند، اولویت های جنبش کارگری و رهبری این کشور را مشخص کند. بنظر من اولویت ما مبارزه روزمره مان بدون در نظر گرفتن نوع دولتی است که آن بالا نشست. در این مبارزه باید از اعضایمان دفاع کنیم. امروز سؤالی در مجمع عمومی مطرح کردیم. اتحادیه کارگران خدمات عمومی در حال مذاکره با دولت اونتاریو است. دولتی که خیلی از ما و یا شاید همه ما کمک کردیم که به قدرت برسد. دولتی که تنها انتخاب ما از میان احزاب اصلی جامعه بود. و حالا اتحادیه ای داریم که در حال مذاکره با این دولت است. دولتی که به شغل ها و قدرت مذاکره کارگران حمله می کند. و

دولتی که بیانیه صادر می کند که هر یک درصد افزایش دستمزدی که کارگران تقاضا می کنند به معنای از دست رفتن ۲۰۰۰ شغل است! این دقیقا موضوعی است که اتحادیه کارگران خدمات عمومی در اوتارا خود را ایفا کند. سوء تفاهم نشود. من نمی خواهم تصویر مشابه ای از محافظه کاران در اوتارا و دولت ان دی پی در اونتاریو بدهم. منظورم این است که برای رسیدن به اهدافمان باید به نیرو، قدرت و همبستگی خود متکی باشیم. نمی توانیم همیشه روی کول ان دی پی سوار شویم. هرگونه تغییر در قانون باید از طریق مبارزه ما صورت بگیرد. باید از نظر سیاسی فعال باشیم. ولی تحت هیچ شرایطی نباید گمان کنیم که با انتخاب دولت ان دی پی به پیروزی آچنانی رسیدیم. زیرا مبارزه کماکان ادامه دارد.

بگذارید دربارۀ سخنرانی "باب ری" صحبت کنیم. باب ری گفت که دوران سختی را از سر می گذرانیم و اقتصاد در حال رکود است. این حرف قبول است. ولی راه چاره آن چیست؟ یکی از راه حل ها اعمال سیاست مالیاتی است که ان دی پی و کارگران همیشه دربارۀ اش صحبت کرده اند. چرا شرکت ها را وادار نمی کنند که مالیات هایشان را بدهند و سهم خود را ایفا کنند؟ اینکار حتما به اقتصاد کمک می کند. الان وقت آن نیست که با کوتاه آمدن و فروختن حقوق کارگران موقعیت خود در دولت را تحکیم کنید. رفهر مالیاتی در این منطقه باید به اجرا گذاشته شود و شرکت ها و کمپانی ها باید سهم خود را بپردازند. نباید شرایطی فراهم کرد که کمپانی ها از قبل کارگران بخورند. از قبل کارگرانی که تولید را برایشان راه می اندازند. مسئله اساسی اینجا است و کسی حاضر نیست به آن بپردازد. یکبار دیگر می گویم که مبارزه کارگران مبارزه علیه همین چیزها است. حتی اگر با دولتی سر و کار داریم که قرار است قانونی علیه استفاده از اعتصاب شکنان وضع کند. اگر اینکار را بکنند خیلی خوب است ولی از طرف دیگر این نوع رفهر قانونی هنوز جوابی برای کارگران این منطقه و کشور نمی دهد. بویژه وقتی که همین دولت شرایطی برای کارگران ایجاد میکند که در مذاکرات یا اتحادیه کارگران خدمات عمومی ایجاد کرده است.

جائیکه زندگی انسان فقط یک مشت پول ارزش دارد

این مطلب با استفاده از گزارش روزنامه فرانکفورتر روندشاو توسط بهروز خاکسار نوشته شده است.

در بوپال هندوستان: هفت سال بعد از فاجعه نشت گاز سمی بسیاری از قربانیان هیچگونه غرامتی دریافت نکرده اند.

"زندگی انسان چقدر ارزش دارد؟ صرف نظر از اینکه بسیار دشوار است که بر زندگی انسان ارزش پولی گذاشت ولی یک چیز را می توان قطعانه گفت که یک انسان در جهان

صنعتی بسیار با ارزش تر از زندگی انسان در جهان سوم است که تقریبا هیچ ارزشی ندارد.

بر اساس عراقب این بزرگترین فاجعه شیمیایی بشریت تاکنون ۴ هزار انسان در شهر بوپال جان خود را از دست داده اند. در دسامبر ۱۹۸۴، ۴ هزار تن سم خطرناک متی لیسوسیواتاس (ام بی سی) از کارخانه شرکت چند ملیتی یونایتد کارباید نشت کرد و باعث مرگ انسانهای بی شماری شد و عراقب دهشتناکی بر اهالی شهر بر جای گذاشت. بعد از هشت سال روزانه تقریبا یک نفر بر اساس عراقب این فاجعه جان خود را از دست می دهد.

بر اساس ضوابط و مقرراتی که از سوی پارلمان هندوستان در خصوص غرامت به

در جهان فعلی، بسیاری از کارگران و مردم زحمتکش بعلت حوادث و سانحه در محیط کار سلامت و زندگی خود را از دست داده اند. کار هر روزه تقریبا در همه جا و بویژه در کشورهایی که نیروی کار ارزان آنان سرمایه را جذب کرده، با خطر نیستی همراه است. استانداردهای ایجاد کارخانه در سراسر جهان و رعایت مسائل ایمنی، برانز نیست، نمونه فاجعه بوپال نمونه ای دهشتناک از نیاز حریص سرمایه به سود است، نمونه بوپال به روشنی نشان می دهد که انسان و نیروی کار و غیره همه وسائل برای بهره دهی سرمایه بدون رعایت هیچ چیزی است. بوپال هندوستان را از یاد نبریم، چرا که نباید از یاد ببریم که تاریخ سرمایه را با خون و عرق نوشته اند.

همان کسانی هستند که به ما می گویند بابت هر درصد افزایش دستمزدی که میخواهید ۲۰۰۰ شغل از بین خواهد رفت! همان کسانی هستند که همه چیز را خصوصی کرده و کارگران را اخراج می کنند.

بنظر من وقتی یک اتحادیه حرف یک اتحادیه دیگر را درباره این مسائل نمی فهمد، نشان میدهد که ما با یک مشکل اساسی روبرو هستیم. و این چیزی است که باید تغییر دهیم. تنها راه آن هم اینست که بطور جدی متحد شویم. مسایل را بررسی کنیم و گروه هایی مثل جمعی که امروز در اینجا داریم با برنامه ریزی ایجاد کنیم. این گروه ها نباید فقط در هنگام مجمع عمومی تشکیل شوند، بلکه باید در تمام طول مدت بین دو مجمع فعال باشند. وگرنه کار اساسی نمیتوان کرد. باید به یک جنبش تبدیل شود. مجبور نیستیم اسم خاصی روی آن بگذاریم. ولی باید جنبش با شرکت اعضای اتحادیه باشد. کسانی که به تغییر در اوضاع کنونی معتقدند، راه آنرا هم می دانند، در مجمع عمومی و خارج آن فعالیت و مستقل از نوع دولتی که بر سر کار است، کار خودشان را می کنند. سوء تفاهم نشود. من خودم همیشه به ان دی پی رای داده ام و رفقایی را تشویق کردم که اینکار را بکنند و در آینده هم میکنند. ولی فکر نمی کنم که مشکلات ما با انتخاب ان دی پی حل می شود. برای همین هم اینجا جمع شدیم. و امیدوارم باز هم جمع شویم و مبارزه ای علیه سرکوب کارگران توسط دولت و شرکت ها سازمان دهیم و به رهبری خودمان در مجامع و شوراهای محلی فشار آوریم در تغییر اوضاع شرکت کنند. رهبران اتحادیه را برای همین کار انتخاب کرده ایم. آنها نقش بازاری سیاسی احزاب سیاسی را ندارند. وظیفه آنها اتصال سیاسی ما به هیچ حزبی نیست. شان دفاع هر روزه از منافع اعضای اتحادیه و کارگران است. تنها راه تغییر اوضاع، اتحاد بدون وقفه کارگران است. ■

جائیکه زندگی انسان فقط یک مشت پول ارزش دارد

در جهان سوم است که تقریبا هیچ ارزشی ندارد.

بر اساس عراقب این بزرگترین فاجعه شیمیایی بشریت تاکنون ۴ هزار انسان در شهر بوپال جان خود را از دست داده اند. در دسامبر ۱۹۸۴، ۴ هزار تن سم خطرناک متی لیسوسیواتاس (ام بی سی) از کارخانه شرکت چند ملیتی یونایتد کارباید نشت کرد و باعث مرگ انسانهای بی شماری شد و عراقب دهشتناکی بر اهالی شهر بر جای گذاشت. بعد از هشت سال روزانه تقریبا یک نفر بر اساس عراقب این فاجعه جان خود را از دست می دهد.

بر اساس ضوابط و مقرراتی که از سوی پارلمان هندوستان در خصوص غرامت به



صنعتی بسیار با ارزش تر از زندگی انسان در جهان سوم است که تقریبا هیچ ارزشی ندارد.

بر اساس عراقب این بزرگترین فاجعه شیمیایی بشریت تاکنون ۴ هزار انسان در شهر بوپال جان خود را از دست داده اند. در دسامبر ۱۹۸۴، ۴ هزار تن سم خطرناک متی لیسوسیواتاس (ام بی سی) از کارخانه شرکت چند ملیتی یونایتد کارباید نشت کرد و باعث مرگ انسانهای بی شماری شد و عراقب دهشتناکی بر اهالی شهر بر جای گذاشت. بعد از هشت سال روزانه تقریبا یک نفر بر اساس عراقب این فاجعه جان خود را از دست می دهد.

بر اساس ضوابط و مقرراتی که از سوی پارلمان هندوستان در خصوص غرامت به

Revitalizing the labour movement On the work of Workers' Solidarity Coalition in Canada

The following are excerpts from the speech by André Kolompar, president of the Toronto Local of Canadian Union of Postal Workers (CUPW), given at a forum called by the Workers' Solidarity Coalition at the Ontario Federation of Labour convention in November '91. In our previous issue we published the statement introducing the objectives and work of the Coalition.

André Kolompar:

I thank everybody that came out today to have this discussion and debate about what we are going to do in order to start preparing what I believe, and what many of us believe, is a necessity within our labour movement - to start a rebuilding process towards bringing back a revitalization to the Ontario Federation of Labour, to the Canadian Labour Congress.

Part of the building of a rank and file movement is bringing labour organisations back to the priorities and the orientations that actually represent what the workers on the factory floor and in corporations are facing on a daily basis.

One of the things that I think would be good to look at is what happened today on the Convention floor, when Bob Ray [from the ruling New Democratic Party in Ontario] spoke, and there was a definite action taken by [the OPSU delegates - Ontario Public Service Union]. What I think has happened is that the labour leadership at the CLC, federal and provincial levels, and most likely even at municipal levels in labour councils, etc., have really hitched the wagon of our struggle to the NDP political horse. In a lot of ways it seems that the achievement of an NDP government in Ontario has almost ended the struggle that we face. And now what our main priority and struggle should be is actually assisting the NDP government in pulling together, in putting into place a lot of the agenda that they were talking about before...

We have seen that there have been all kinds of promises that have been made, the agenda that was laid out to us during the election campaign, and a lot of broken promises. I think what our role in the labour movement, and what the role of the labour leadership, is is to analyse what we are supposed to do, what the top priorities of the labour movement, and of the leadership, are. I think our orientation should be that regardless of what government is in power and what the situation is, we have an ongoing struggle that we have to face and we have to fully support our members in that.

Today we have the question on the Convention floor where OPSU is currently negotiating with the government that is in power in Ontario. [This is the government] that many of us, may be most or all of us, actually fought very hard to get into power. Because, clearly on the mainstream they were the only choice, and the only ones that we could get elected. However, we have a union that is

negotiating with this government, [where it] is encountering serious attacks upon their bargaining units and upon their jobs, and are having statements made to them which one negotiator actually articulated on the floor of the Convention, that "for every 1% that you ask for, it's going to cost 2,000 jobs". That's exactly the statement that PSAC faced against the Tory government in Ottawa. Those are the exact same words that were there. I'm not trying to draw analogies, don't misunderstand me, between the hated Tories in Ottawa and the Ontario NDP. That's not my intent. My intent is just to show that always we have to rely upon our own solidarity, upon our own determination, and upon our own strength, as trade unionists, as unions, in order to achieve what we believe we need to achieve for our members, and for workers in this province and in this country. We cannot continuously hitch a ride on the political horse of the NDP. That's not what it is all about. We have to strive for legislative change, we have to be politically active, but we cannot rely on that. And once we achieve the election of an NDP government, we absolutely cannot at that stage sit back and say we have achieved some sort of great victory in the overall struggle. Because the struggle at that stage - to paraphrase our motto in the CUPW - definitely continues. ...

Let's look at what Bob Ray said today. He said that the times are very hard, they were confronted with a horrible economy, etc. Absolutely true! No doubt about it. They were saddled with all kinds of terrible things. But one of the solutions to the saddling that they received, is to impose the type of taxes that we have always talked about, that the NDP has always talked about; make the corporations pay their fair share. That's going to help a lot with the economy - a tax reform that fairly taxes everyone in this province, so that the corporations, the businesses, the companies, all of them are paying their equal share, are not hitching a free ride on the provincial economy and on the backs of the workers that are actually doing the production. ...

We have to revitalize the labour movement, bring the leadership back to the priorities. This isn't the politics of the ballot box on election night. What this is all about is that the workers on the shop floor are facing devastating times, and they are facing it under Liberal, Conservative and NDP governments, [who] are still not prepared to do in the interests of workers what is required to do, what has been the long-standing policy of the NDP to do, i.e. introduce the type of tax reforms where actually the rich and the corporations are contributing to the economy to the same degree that the workers and the unemployed and all the other people have to contribute on a daily basis. And that's how we establish fairness.

Now how do we do that? What is our role within the labour movement? I think the role is that we have to get together as many

unions, people that are in this room today, on an ongoing basis, put forward and prepare an agenda. Nobody in this room has got a magical solution, a laid-out manifesto that is going to be presented tomorrow. The way we do it is that we get together and change the orientation, change the priorities, and put the emphasis on what workers really need. [We have to] be willing to organise ourselves, as a caucus ... to force the labour leadership to take the positions that are necessary, to talk about mass picketing, about support for unions with mass pickets, and in more than words, in more than resolutions, that are wonderful, that everybody applauds on the convention floor, but forgets about once the convention is over.

... One of the things sister Byce mentioned about the caucus that used to exist in the past, was that it was a great caucus during the week of the convention. But once the convention was over, the caucus was over, and was never revitalized till perhaps a month before the next convention. And as long as that's the way we're going to do it, we're not going to accomplish anything. So there has to be a movement, an ongoing [movement]. We don't have to call it a caucus, [or] anything specific, but it has to be a movement and it has to be trade unionists getting together saying we need change, saying here's how we believe we can accomplish that change, here's how we believe we can push the leadership, not only at conventions, but after conventions, and regardless of the government in power.

I don't want to be misunderstood. I've always voted NDP, I've encouraged my members of the Toronto Local, in every single election, to vote NDP. I'll continue to do that, but I don't think our solutions are again based on the fact that we simply hitch a ride on the political success of the NDP in the ballot box. I believe the only way we're going to achieve anything, is by organising together, getting together ourselves, and fighting for that change on an ongoing basis, not only during conventions.

From p.15

Labour movement in Iran four years after the war

But removing the more basic elements of the current economic policy - such as returning for state price controls - will empty these policies of their content, and, before anything else, result in economic deadlock and anarchy. All this, together with the workers' strikes and the popular protests, make the capitalists hesitant in investment, which only intensifies the current economic crisis. By their struggles under these conditions, workers can emerge more organised and stronger out of this period of crisis.

[Translated from International, paper of the Worker-communist Party of Iran, no.3, October 92.]

Solidarity committee affiliation

ICLSC in Canada affiliates to International Committee of Solidarity with Iranian Workers

COMMUNIQUÉ

THE Iranian working class is deprived of the right to set up its legal and independent organisations. The lack of the right to organise and strike has created a great obstacle in workers' struggle to improve their appalling conditions. In the fight for their rights, workers are faced with dismissal, arrests and execution. Iranian workers in their struggle against one of the most ruthless regimes of capital have sacrificed and suffered immensely.

Lack of legal and independent labour organisations has also deprived the Iranian working class of direct representation at the international level and among the world labour organisations. Instead, the government's surveillance organisations at the workplace, Islamic councils, and at their head, the Labour House, have tried to pose as Iranian workers' representatives in international bodies.

Being deprived of their genuine organisations, Iranian workers are unable to fulfil their important task of supporting the struggle of workers in other parts of the world.

However, the existence of radical and socialist labour leaders and activists abroad creates a

possibility to pressurize the Islamic Republic, through a concerted campaign to draw support for Iranian workers' struggle for their rights.

The setting up of the International Committee of Solidarity with Iranian Workers is an effective measure to expand and coordinate the existing activities. This committee has not been created in vacuum. More than two years of activities by committees and campaigns of solidarity with Iranian workers in Europe, the US and Canada have created a solid ground for setting up the International Committee. Serious cooperation with this committee on the part of labour activists and leaders residing abroad, and its joining by the existing committees and campaigns would strengthen it in its relations with the international bodies. The Iranian-Canadian Labour Solidarity Committee, which has been active for the past two years, thereby declares its affiliation to the International Committee of Solidarity with Iranian Workers.

The Iranian-Canadian Labour Solidarity Committee
Coordinator Fateh Bahrami
25.9.1992

In the Persian Section

In addition to the articles in the English section, the Persian section of this issue includes:

- Kurdistan Front attempting to revive company unions - interview with Ahmad Esmaeel, strike organiser from Iraqi Kurdistan
- Introducing Payvand worker circle (translation)
- Reforming US Teamsters Union - interview with Diana Kilmury, IBT International Vice President
- We have faced the police in every strike - interview with V. Saitek, former DISK union activist
- DISK leadership is deserting the rank and file - interview Chetin Oygoi, DISK-affiliated miners' union leader
- Our aim is to build a strong support for Iranian workers' struggle - inter-

- view with Masoud Razi, from the Arbeiterkurier paper in Germany
- Iranian nationalism blames Afghan workers for unemployment - interview with Mohammad Ahmad-Karim, Afghan immigrant worker in Iran
- A series of articles on the crisis in Sweden: - Economic crisis and austerity - Anger at the austerity packages (translation)
- End of Sweden's capitalist paradise - Prospects for Swedish unions
- Pages from History: Unionist history in Iran
- Steel workers' sit-in: indicator of the status of Iranian labour movement
- Worker Today in Arabic and Kurdish
- Letters to the Editor: Councils in Kurdistan were working class.

News of workers' struggle around the world is published in more detail in the Persian section.

ISSN 1101-3516

کارگر امروز

فترية القربى والى المتى كارگرى

WORKER TODAY

An International Workers' Paper

Editor: Reza Moqaddam

English Section: Bahram Soroush
Translations: Amir Hedayat, Siavash Riahi
Address: W.T., Box 6278, 102 34 Stockholm, SWEDEN

Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of
 Six months One year
 Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____
 Address _____
 Postcode _____ City _____ Country _____

Subscription Rates

Europe	Elsewhere
1 Year SKr140	1 Year SKr210
6 Months SKr80	6 Months SKr120

■ Institutions double the rate.

■ All prices include p&p.

Labour movement in Iran four years after the war

Reza Moqaddam

During the eight years of the Iran-Iraq war, the Islamic Republic government blamed the war for the economic problems burdening the workers. So when the war at last came to an end, workers, hopeful that their demands would be met, for some time put off their protests, waiting for things to improve. These hopes were dashed, however, with the propaganda campaign that the government launched against what it called the workers' "excessive expectations". This soon led to sporadic strikes and protests. But Khomeini's death, shortly after, just as it overwhelmed other issues in society for some time, also put a brake on the new resurgence in the labour movement. How the government is going to adapt itself to the post-Khomeini era, and its fate as a whole, became the main preoccupations for people and workers. They passively looked on the events taking place at the top, anticipating the regime's collapse with the death of Khomeini, its central figure.

But already prepared for the post-Khomeini era, the government adapted itself to the new conditions much faster than those down below. Khameneiee replaced Khomeini, and Rafsanjani became president. Getting the economy going was put on the agenda, and workers very quickly found themselves shouldering the burdens of the government's economic policies.

With the scrapping of the subsidies, the lifting of price controls, the gradual abolition of the coupons and the sharp devaluation of the rial, workers' living standards plummeted. The result was such that even the rise in employment (due to the start of some of the projects and the increased industrial production), and the raising of the minimum wage, failed to bring the workers' living standards even up to that in the war years. As a result, the wage demand became the workers' first priority.

Struggle for higher wages: a background

The struggle over wages, going on in various forms all throughout the war, has turned into the most important field of labour struggles - though under a new set of circumstances. One ideological weapon in the government's armoury, that the "country is at war", has obviously lost its relevance. The government and employers used this weapon during the war not only to keep workers from taking up their grievances but also to make them pay part of their wages to sustain the war effort - directly or indirectly, voluntarily or forced. And to avoid a head-on clash with the workers on the issue of wages, the government blocked all channels of wage bargaining, and, through its Supreme Council of Labour (SCL), opted for small wage increases nationally once every few years. This kind of official raising of the minimum wage - in fact a

mockery of the workers' call for higher wages - made the struggles to focus on issues only indirectly related to the wage issue. Thus the labour struggles over the war years were fought mainly around such issues as calls for the introduction of job classification schemes, productivity benefits, benefits-in-kind (*Bon-e-Kala*), etc.

End of the war, new battlegrounds

With the ending of the war, the workers' anti-war protests in the factories, which had been going on in various forms during the war and especially in its final years, also came to an end. After the war a new labour law was passed, which thus pushed the eight-year battle over it to the margins. Although the labour law has not yet fully come into effect (the executive statutes of each of the articles are yet to be drafted by the labour ministry), May Day became an official holiday. This too brought to an end the long fight over May Day. Thus three important fields of struggle during the war years either receded or were closed: the struggle for the recognition of First of May as a holiday, labour law, and the anti-war protests. With the ending of workers' struggle in these three fronts, which had mobilized vast numbers of workers, workers now focused their struggle on the wage issue.

A new period for the labour movement

As a result of the government's economic policies, workers now find it impossible to restore their energies physically or intellectually. This has meant that they are quickly worn out and exhausted; their working and average life expectancy is declining, and most will find themselves crushed before the retirement age. The only restraint to this open butchering of workers in the interests of capital is the workers' struggle. If Iranian workers fail to defend themselves and their livelihood in the face of this unbridled offensive by capital, in the most optimistic case one generation of workers will be decimated under the pressure of work and economic misery. The labour struggles have become focused on the issue of wages in circumstances where both the workers' living standard has plunged to its lowest level in the past over twenty years, making survival almost impossible, and the government has lost its ideological weapons and manoeuvres.

The oil workers' strike last spring, accompanied with the issuing of a resolution at their mass meeting, symbolically announced the end of a period in which the workers had yielded to the government's attacks. Coinciding with the SCL meeting to decide the level of the minimum wage, this strike was one of the factors which forced the Supreme Council to concede the highest percentage rise in the minimum wage in the past decade.

But this wage rise could not

diminish the workers' persistence for wage increases. Wide-spread protests at the level of the increase began from the day after the announcement, reaching even the pages of the government-censored press. Although workers have always been dissatisfied with, and protested against, the level of the SCL-determined wage increases, the new and unprecedented element in the recent fights was the specific call on the SCL to repeal its decision. This showed that, unlike the past, workers did not consider the issue closed, seeing it within their powers to force the government to back down on its decisions. These are indications of the entry of the Iranian labour movement into a new era.

Struggle for implementation of the labour law

That faction of the Islamic Republic (the *Resalatees*) which wanted the labour law written according to the Islamic tenets on *Rent*, will, through their influence in the National (Islamic) Assembly, try to hinder the implementation of the Islamic labour law. This in turn will mean that the struggle for the implementation of the labour law will preoccupy some sections of the workers' movement. It is therefore not unlikely that labour law may one again become an issue among the workers as a whole. But what can strengthen the labour movement, both in the event of the reopening of the issue of labour law and under the current struggles, is the taking up by workers of such chief demands as a minimum wage on the basis of the expenses of a family of five, inflation-indexed wage increases, an adequate unemployment benefit for all workers, the right to strike, and the right to organise. To these should be added the demand for the right to free and independent May Day celebrations.

Inflation-indexed minimum wage

The raising of a common demand in the struggle for higher wages can give to this struggle a generalized character and boost its power and chances of success. The demand for the determination of a minimum wage according to the expenses of a family of five can unify the movement for wage increases.

Once a year the government, through the SCL, decides on the level of the minimum wage. Even if this decision means a wage rise, the effect is eroded in a matter of days against the steep inflation rate. And until the next time round, i.e. a year later, when the SCL fixes the new level of the minimum wage, workers have to be witness to the daily reduction of their purchasing power. The annual rise in the minimum wage could in a country having a more or less "non-crisis" situation go some way towards partly compensating workers for the drop in their living standards. In a country like Iran, however, where prices go up every day, the minimum wage should be raised several

times a year, to be of any effect. Increases proportional to inflation, which just means restoring the lost purchasing power of the workers, should be done automatically, so that workers would not have to be forced to engage in strikes and struggles in order to achieve them, exposing themselves to the perils that go with struggle in countries like Iran. The demand for inflation-indexed wage increases should be put forward simultaneously with the call for the introduction of a minimum wage proportional to the expenses of a family of five.

Strike and organization rights

Two years of activity to draw international labour solidarity with the labour movement in Iran, has resulted in the condemnation of the Islamic Republic by labour unions across Europe and North America. Unions condemned the arrest and execution of labour activists in Iran, calling, among other things, for the recognition of strike and organisation right for the Iranian workers. In its struggle to win these rights, the Iranian labour movement has to rely on the support of the working class internationally. This working-class support and solidarity is a new factor, and a valuable help, in the workers' movement in Iran, in the struggle for the right to strike and organise.

The struggle for these two essential demands enjoys the wide-spread backing of the labour organisations around the world and restricts the field for the Islamic Republic in its violent suppression of worker activists engaged in this struggle. The election of representative delegations in general assemblies during labour protests, is a step which will allow the labour movement to move towards establishing the tradition of general assemblies, the tradition of council movement and of direct action. It will create conditions which allow labour organisations around the world and international labour forums to recognise the general assembly, and the representatives and organs elected by them, as spokespersons for the Iranian workers.

Unemployment benefit for all the unemployed

Unemployment in Iran is not set to fall, and is rising on a daily basis. This is not denied any more even by the government's own officials. According to the labour minister, 400,000 people enter the labour market each year, while only 35,000 new jobs are created annually. This means that there aren't enough jobs even for 10% of the people entering the labour market. The recent trade liberalization allowing imports by the private sector - an important part of Rafsanjani's economic policy - have pushed the domestic producers, unable to compete on the same terms, towards bankruptcy and closure. Recently, 15 textile factories were shut down as they could not compete with the rival imports in terms of quality and price. Also a medical instruments manufacturer and the Negahban shoe factory in the town of Ghazvin closed down, sending their workforce into the ranks of the unemployed. Firms which produce housing appliances, and even Iran Tobacco company, are threatened with shut down. The

"benefit" provided by the Unemployment Insurance law is, firstly, insignificant in amount, and, secondly, relative to the number of the unemployed, covers only a few. The demand for an adequate unemployment benefit for all the unemployed should be one of the demands on the agenda.

Islamic Councils

The Islamic Councils - the repressive, non-representative organisations the government has been trying to set up in the workplaces since 1985 - are now at a weaker position than ever - both at the top and below.

At the top, the Islamic Republic government is following the policy of violent suppression, and has, therefore, remobilized its "Islamic Societies" and "Factory Mobilization" (*Baseej*) forces. All this means the reduction of the function of the Islamic Councils, which after all must try to deal with labour issues. The government has not assigned the latter role to the *Islamic Societies* and the *Baseej*. Apart from this, in the state industries the government was always trying to coordinate the work of its two arms, i.e. the management and the Islamic Council. But now with the privatisation of the state-owned firms, the government can no longer, from the position of owner of the factory, support the Islamic Councils and recommend that its managers come to terms with them. The firms' new owners are not calling on their managers to accept and come to terms with the Islamic Councils.

Down below, workers' strikes and protest actions for wage increases have intensified and gathered pace, and look set to overcome any such hindrances as *Islamic Societies*, *Islamic Councils* and factory *Baseej*.

Popular dissatisfaction, workers' struggle

Strikes and the recent popular struggles and risings in a number of cities in Iran, which show that people aren't going to accept the government's economic policies, have put the Islamic Republic in one of the most critical periods of its life. The general dissatisfaction has engulfed the government from all sides. The executions, arrests and the invasion of streets by Hezbollah gangs to terrorize the people following the revolts in Arak, Shiraz and Mashad, have failed to make the Islamic Republic succeed in its aim of creating a cemetery of fear and death. Protests and demonstrations, and clashes with the government's security forces, continue to take place here and there. The labour strikes seem set to grow and tighten the grip around the government. The strike by Tehran's water workers, as well as the steel workers' sit-in protest in Isfahan, which like the earlier oil workers' strike broke through the state censorship on news of strikes, show that the atmosphere of fear that the government was hoping to create has not subdued the workers' resolve to keep up the fight for higher wages.

Gaps have appeared even within the Islamic government itself on how best to control the situation and put down the protests, with Khameneiee opposing Rafsanjani's economic programmes, as well as some other aspects of his policies.

Continued on p.14

IN BRIEF

Poland

3,000 striking workers at Poland's FSM car plant, due for take over by Fiat of Italy, ended their seven-week sit-in on 15 September, after failing to win their demands. Among a number of welfare demands, the strikers were seeking that wages be indexed to the market price of a new model they have been producing since the New Year.

USA

After a nine-day strike, workers of United Auto Workers Lordstown, Ohio, Local won an important victory against the contracting out of work to lower-wage plants, according to a report by *Labor Notes* (Oct.92), published in the US. The strike forced General Motors to bring back parts production, amounting to 160 jobs, to Lordstown which had been moved to non-union suppliers. The strike brought 9 General Motors assembly plants to a standstill.

Britain

Arthur Scargill, leader of British mineworkers' union, said that according to a recently-obtained secret document, British Coal intends to shut down 30 coal mines in Britain, leading to the loss of 25,000 jobs. The list of the collieries to be closed included 3 in North East, 11 in Yorkshire, 9 in Nottinghamshire, 2 in Derbyshire, 2 in the Midlands, 2 in South Wales, and 1 in Lancashire.

Support Worker Today

YOU CAN subscribe to Worker Today and urge your union branches to take up subscriptions.

YOU CAN support us financially and ask your unions to make donations to Worker Today out of their assistance funds.

YOU CAN help distribute Worker Today in your area.

YOU CAN give us technical assistance, e.g. computer hardware and software to speed up and improve our work.

YOU CAN send books and journals to Worker Today Book Club.

YOU CAN send us your articles and reports.

YOU CAN introduce Worker Today to colleagues and comrades.

YOU CAN tell us your views and suggestions about the paper.

Iran: Steel workers stage sit-in

WT News Service:

WORKERS at the huge Isfahan steel complex began a sit-in on 6th September in protest against the management's failure to raise the wage levels. This was the second protest gathering of the steel workers in the last three months, involving large groups of workers representing the various sections of the steel mill.

The steel workers have been demanding that the management honour the pledge it made for pay increases at the end of the workers' earlier protest action in early July. Then the management promised that wages would be raised in September. But when the pay notices arrived, showing wages had not been raised, workers immediately stopped work and

Italy:

Mass protests against austerity plan

WT News Service

Italian workers staged a series of regional four-hour general strikes in late September in protest against the 1993 budget, which proposes higher taxes and cuts in social security. The strikes were organised by Italy's three main trade union confederations.

According to A.F.P. reports, the first general strike took place on September 22 during which tens of thousand of workers demonstrated in several Italian cities. Two national newspapers failed to publish as a result of the strike.

The second general strike was organised on September 23. On this day Bruno Trentin, the CGIL leader, the largest trade union confederation, was barracked and bombarded with coins and tomatoes at a mass meeting in Florence by demonstrators accusing him of betraying the trade union movement.

Trentin signed an agreement with the government and employers in July, abolishing the system of indexed wages. This agreement has come under sharp criticism by the workers, forcing Trentin to resign as the secretary general of the confederation. However, he has been reconfirmed in his post. He has been trying to appease workers' protest over government austerity measures out of a sense

IG Metall to fight BMW's anti-union policy

WT News Service:

Germany's IG Metall metalworkers' union said it would fight BMW's plan to build its first US factory in South Carolina without union representation.

According to the *Financial Times*, BMW chairman has said that the company would resist attempts to unionise the plant. "We don't need an outside, third party between management and

began the sit-in.

According to the daily *Salam*, which carried the report of the protest, the general manager of the steel works cut short a visit to Tehran to return to the steel mill, the day after the start of the stoppage. At the time of going to press no further news was available on the outcome of the action.

Isfahan steel mill has a workforce of between 20,000 and 30,000 and is one of Iran's key industries.

In our next issue we will publish an article covering the struggle of the steel workers in the past decade, including the history of their organising and the political and economic significance of the labour protests in the industry.

of "national solidarity."

Workers demonstrated again on September 24 in several cities. This time UIL leader was attacked in a mass meeting in Naples by demonstrators. The workers accused him of selling out the union to the government.

The third strike took place on October 2. The stoppage included at least 100,000 workers. Post, government offices, railway, and city transport were totally affected by the strike. International flights were delayed. Airport fire fighters also joined the strike.

According to the labour organisations, 130,000 demonstrated just in Rome. The police attacked the demonstration by firing tear gas, resulting in 5 injuries. According to the police, 20 people were arrested for refusing to reveal their identities.

The budget and the government's austerity plan which propose a big cut in social security, limiting the availability of public health care, capping pensions, freezing wages, and freezing public sector employment have angered the working people. As soon as the plan was outlined, a number of industrial centres witnessed spontaneous stoppages. The trade unions have threatened to call a national general strike, if the government refuses to accept their demands.

our employees," he said.

A deputy president of IG Metall Klaus Zwickel has written a letter to BMW chairman stating that BMW is "no exception" to the union's policy of seeing that workers are unionised in German-owned plants abroad.

IG Metall, which is the biggest union in the west, with 3.6m members, said it would establish close co-operation with the United Auto Workers' union in the US to see that the plant was unionised.

Swedish union calls for expulsion of Iran's Islamic Councils from ILO

WT News Service:

During last month a number of trade unions in Sweden, the USA and Canada condemned the Islamic Republic government for its violation of internationally recognised labour rights. Calling for strike and organisation right for Iranian workers, they urged the expulsion of Iranian government's Islamic Councils from the ILO.

In Sweden, the Iranian-Swedish Labour Solidarity Committee (ISASK) and the trade union confederation, LO, the Greater Stockholm branch, issued a joint statement in which they call for the expulsion of the Islamic Councils from the ILO. The statement was printed in the form of post-cards, in 20,000 copies, and sent to over 3,000 LO locals in Sweden for signing and sending to the ILO.

Also in Sweden, the LO-Stockholm branch and ISASK passed a joint resolution condemning the anti-worker policies of the Islamic Republic and called for strike and

organisation right for Iranian workers. Also, a joint communique was issued by ISASK and eight labour organisations in a number of Swedish cities, to protest against the recent executions in Iran, following the popular revolts in several Iranian cities.

In the US, following efforts by the Labor Committee on Iran, the executive board of the State Employees International Union (SEIU), Local 399, passed a resolution to condemn the Islamic Republic for its violation of labour rights and the execution and arrest of labour activists.

In Canada, following efforts by the Iranian-Canadian Labour Solidarity Committee, the National Confederation of Trade Unions (CSN), Montreal branch, in a letter to the Iranian embassy in Canada condemned the execution of labour activists Jamal Cheragh-Vaissy and Abdollah Beyvaseh and called for the release of arrested workers.

VI KRÄVER

Frigivning av alla arbetarrörelseaktivister;
Strejkrätt och rätt för arbetarna att bilda självständiga arbetarorganisationer;
En högre levnadsstandard och bättre arbetsförhållanden;
Att islamska råden utesluts ur den internationella arbetsorganisationen (ILO) till följd av dess uppenbara och fortsatta kränkningar av internationellt erkänd arbetsrätt.



LO-DISTRIKTET I STOCKHOLMS LÄN



IRANSK-SVENSKA ARBETAR-SOLIDARITETSKOMMITTEN

Post cards, printed in 20,000 copies, published jointly by the Swedish LO union (Greater Stockholm branch) and Iranian-Swedish Labour Solidarity Committee (ISASK)

Committee formed in Denmark

WT News Service:

A committee of labour solidarity has been formed in Denmark "to draw the solidarity of Danish workers with the struggle and demands of the worker in Iran." The announcement was made through a communique issued on

20 September 92. The Committee of Solidarity with Iranian Workers "shares the aims of the International Committee of Solidarity with Iranian Workers" (see WT no.28) and calls on labour and socialist activists to join its campaign.

Labour movement in Iran four years after the war p.15

Revitalizing the labour movement On the work of Workers' Solidarity Coalition in Canada p.14

Solidarity committee affiliation ICLSC in Canada affiliates to International Committee of Solidarity with Iranian Workers p.14